مجلهٔ
حقیقت ۳۱

ربیع الاول
ربیع الثانی
۱۴٤۰

جدی
دلو
۱۳۹۷

دسمبر
جنوری
2018
2019

منار باستانی جام غور

مجلهٔ
حقیقت

سال ششم، شماره اول

ربیع الاول و ربیع الثانی ۱۴۴۰هـ ق

جدی و دلو ۱۳۹۷هـ ش

دسمبر ۲۰۱۸م و جنوری ۲۰۱۹م

فهرست مطالب

صاحب امتیاز:
کمیسیون امور فرهنگی
امارت اسلامی افغانستان

مدیر مسئول:

احمد تنویر * دیزاین: صابر بلوچ

هیئت تحریریه:

منصور تالقانی * موفق افغان

سعید بدخشانی * سید سعید

حبیبی سمنگانی * سمیع الله زرمتی



یادآوری:

مجله در ویرایش و تصحیح مطالب نویسندگان دست باز دارد.

مطالب نشرشده در «حقیقت» انعکاس دهندهٔ آراء و نظریات نویسنده آن می باشد.

ادارهٔ مجله بدون سرمقاله مسؤلیت هیچ مطلب دیگر را برعهده نمی گیرد.

کانال تلگرام مجله حقیقت:

T.me/haqiqat_mag

تماس:

Haqiqat_mag@yahoo.com



تصمیم خردمندانه!

در بحبوبۀ مذاکرات مستقیم نماینده های سیاسی و با صلاحیت امارت اسلامی با مقامات ارشد امریکایی، سیر صعودی فعالیت های نظامی مجاهدان قهرمان افغانستان نیز بیش از هر وقت دگر خبرساز شده و حملات کوبنده و خوشبختانه پیشرفت های قابل ملاحظه در عرصۀ نظامی حتی در فصل سرد زمستان همچنان بر قوت خود در جریان است که این باعث قوت قلب و انگیزه دفاع بیشتر از دستاوردهای جهادی در عرصۀ سیاسی می شود، در عین حال وقتی به نقل از رسانه های امریکایی پس از تصمیم دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا در باره خروج فوری نیروهایش از سوریه، ۲۴ ساعت پس از آن اعلان، خبر خروج نیمی از عساکر امریکایی از افغانستان نیز در صدر اخبار و رسانه های جهان قرار گرفت؛ این خبر گرچه گفته شده ربطی به مذاکرات امارت اسلامی با دولت امریکا نداشته؛ اما چون تحت الشعاع نشست سیاسی و پر اهمیت سیاسی امارت اسلامی با نمایندگان امریکا در شهر ابوظبی کشور امارات متحده عربی قرار گرفت بازتاب خبری بس گسترده پیدا کرد و بسیاری از تحلیلگران آن را علامت اعتماد سازی جانب امریکایی در مذاکرات خود با امارت اسلامی تلقی کردند؛ هرچند نماینده های سیاسی امارت اسلامی در ابتدای نشست ابوظبی ضمن محکومیت شدید بمباران های کور امریکا بر مناطق و مردم ملکی کشور از همه اول تر، خواستار توقف فوری عملیات های هوایی امریکا بر خاک و مردم بیگناه شده و ادامه چنان عملیت های وحشتناک را از موانع برجستۀ رسیدن به یک توافق جامع و مناسب دانستند.

جانب امریکایی ضمن قبول نتایج ناگوار بعضی عملیات های شبانه و بمباردمان ها، آن عملیات ها را خواستۀ رژیم کابل دانسته و تاکید کردند که اکثر چنین عملیات ها به درخواست عاجل و مستقیم رژیم کابل صورت می گیرد که با این اعتراف، امریکایی ها چهرۀ شریک جرم واقعی خود را فاش و انگشت شکایت را به سوی رژیم کابل دراز کردند؛ رژیمی که از یک طرف دم از دلسوزی با ملت خود می زند و از طرف دگر ملت مظلوم اش همه روزه در گوشه و کنار این سرزمین توسط جنایت های هولناک و وحشتناک امریکایی ها طی بمباردمان ها، زنده زنده سوزانده شده و حیات شان به خطر و جان و مال شان مورد تعرض قرار می گیرد؛ گرچه در اینکه آن جنایت های امریکا به درخواست ایادی اجیر افغانی صورت می گیرد چندان تردیدی وجود ندارد؛ لکن این هرگز به این معنی شده نمی تواند که امریکایی ها راحت بر جنایات خود سرپوش گذاشته و از آن جنایت های وحشتناک برئ الذمه شده و خواسته باشند اینگونه از پای پاسخگویی به خون هزاران افغان بیگناه فرار کنند.

با وضع موجود اگر همانگونه که انتظار می رود و هدف نشست های مستقیم با امریکایی ها نیز بخاطر ختم اشغال و دفع تجاوز امریکایی ها بر سرزمین افغانستان است؛ اگر امریکایی ها واقعا تصمیم گرفته باشند که از جنگ افغانستان (که طولانی ترین جنگ تاریخ امریکا شمرده می شود) و از ادامۀ اشغال و تجاوز در این کشور بحران زده دست برداشته و قصد خروج کامل نیروهای خود از افغانستان را کرده باشد این تصمیم، تصمیم خردمندانه و قویا محاسبه شده بوده و حتی بیشتر از آنکه به نفع افغان ها باشد به نفع خود امریکایی هاست؛ زیرا امریکا با ورود به جنگ افغانستان اشتباه جبران ناپذیرتاریخی را مرتکب شده که تنها راه حل آن فعلا همین خروج هرچه سریعتر نیروهایش از افغانستان است، و هر روز که به طولانی شدن تاریخ این جنگ بیانجامد سالها پشیمانی و شرمندگی برای امریکایی ها در پی خواهد داشت و آیندگان امریکا روزی سران و حکام امروز خود را بخاطر جنگ طولانی مدت و بی حاصل افغانستان نه تنها ملامت و سرزنش نمی کنند بلکه چه بسا سخت لعن و نفرین شان کنند، که چگونه باعث آنهمه بدنامی و رسوایی برای ملت و تاریخ امریکا شدند؛ لذا تصمیم خروج نیروهای امریکایی از افغانستان برای امریکا و لو آنکه به هر قیمت تمام شود تنها تصمیم خردمندانه است که از بین صدها گزینۀ ناکام و شکست خورده در افغانستان باقی مانده است.



مقاومت در دو جبهۀ نظامی و دیپلوماسی

محمد داود مهاجر

از آنجایی که امارت اسلامی برخاسته از میان تودۀ ملت مومن و مسلمان بوده و متشکل از علما و نخبه‌گان جامعۀ اسلامی افغانستان می باشد، لذا از همان ابتدای این تحریک مبارک اسلامی، محور عملکرد و اهداف کوتاه و بلند مدت آن، اقامۀ نظام اسلامی با تمامی شرائط آن برای ملت شریف خود بوده است.
اگرچه معضلات موجود در جامعۀ آنروز، بی دینی، شرّ و فساد، بی عدالتی و ظلم بر مستضعفان، سبب اصلی برخاستن این تحریک مبارک بود و انگیزۀ اقامۀ نظام شرعی جزو لاینفک این ارادهء عدالتخواهی گردید.
امارت اسلامی در کوتاه ترین فرصتِ ممکن توانست تا ریشه های فتنه و فساد را در اکثریتَ ۹۵ فیصدی خاک افغانستان بخُشکاند و عدالت اجتماعی، امنیت و آسایش - یکی از اصیل ترین دغدغه های هر کشوری- را برای جامعهء خود به ارمغان بیاورد. طالبان توانستند امنیتی را به اجرا بگذارند که حکومت های بزرگ و مدرنیزه نتوانستند در طول ده ها سال چنین ارمغانی برای ملت خود رقم بزنند. آن امتیازی که دوست و دشمنِ طالبان به آن اعتراف دارند.
تمامیَ این مزیّت ها بر می گردد به شریعت اسلام، آن چیزیکه خداوند متعال برای سعادت بشریت فرستاده است و امارت اسلامی طالبان نیز آن را طبق توان خود به نمایش و اجرا گذاشتند. و امروزه نیز تنها راه حل نجات امت ها و پیاده شدن عدالت، امنیت و آسایش، همین نفاذ شریعت اسلام و احکام الهی است.
اما بدخواهان این ملتِ مستضعف، جهت استثمار ملت نوپا و غریب افغانستَان و بخاطر به یغما بردن ثروت و معادن دست نخوردهء این خاک، هجوم جهانی و ائتلاف بی‌سابقه ای را جهت تسخیر این مرز و بوم براه انداختند و بر دولتی مستقل، عادل و محبوب ملتِ خود با بهانه های واهی یورش بردند.
اما مگر می شود ملت خود را تنها گذاشت ؟ مگر می شود حکومت اسلامی و خاک مسلمان نشین خود را به بیگانگان واگذار کرد ؟ مگر می شود دست روی دست گذاشت و نشر مسیحیت، فحشا و فساد، انتشار فرهنگ غربی و غیر اسلامی را بدون تفاوت نظاره گر

بود ؟ و مگرهایی که جواب شان معلوم و اظهر من الشمس است.

آری، مقاومت در برابر اشغالگران و اجیران زرخرید شان، تنها مسیری بود که باید ادامه داد و دوباره با تاکتیکی جدید آغاز کرد و تا سرمنزل مقصود پی نمود. جهاد و مقاومت آغاز شد تا اینکه دشمنِ تا دندان مسلح را، این ملت غیور با تحمل تمامی مشکلات و سختی ها، با مدد الهی مجبور ساخت تا بوق صلح بدَمد. مقاومت بی نظیر مجاهدین امارت اَسلامی به نصرت الهی سبب شد تا آمریکا با صراحت کامل –از زبان سرلشکران نظامی خود– اعتراف بکند که طالبان را نمی تواند شکست بدهد. این بدین معناست که تاب مقاومتِ بیشتر را ندارد و حکومت دست نشانده اش نیز از چنین قدرتی بی نصیب است.

منادیان شریعت و مبارزان میدان حق، به این صدای طرفِ مقابل خویش جواب مثبت دادند و بدین خاطر هیئت های رسمی خود را به سوی دروازه های صلح گسیل داشتند. اما از آنجایی که شکست خوردگان میدان کارزار، راهی جز از این برای شان باقی نمانده است، لذا با ترفندهایی مرموز خواهان این اند تا بنوعی بتوانند با نام صلح، سیاست کاذب خود را به پیش ببرند. اما به فضل الهی، مبارزه در میدان دیپلوماسی نیز همانند مقاومت در میدان جنگ بی نظیر و قابل تقدیر است.

محور اساسی بحث صلح، روی رفع اشغال و برداشتن تسلط بیگانه از سرزمین ماست. حالا چه این تسلط آن ها مستقیم باشد، با حضور خارجیانِ و یا غیر مستقیم باشد، با نشاندن اجیران خود بر گُرده‌ء ملت مستضعف ما، چنانچه درین هفده سال شاهدش بوده ایم. غلامان زرخرید آنها دست به‌سینه ایستاده اند و هر روز شاهد روان شدن جوی های خون از ملت بی‌گناه خود هستند، اما لب از لب تکان نمی دهند و حتی نگاهی خشم‌آلود بسوی اربابان خود نمی کنند؛ زیرا غلام، غلامست و سیاست بردگی در اطاعتِ بی چون و چرا از اربابان خود است.

مقاومتِ دفتر سیاسی امارت اسلامی همچنان در مقابل تمامی دَسائس آنها ادامه دارد؛ همانطوریکه جنگ و قتال در میدان تیر و تفنگ کماکان ادامه خواهد داشت؛ تا اینکه صادقانه به توافقی دست یابیم که خیر و صلاح امت و ملت خود را در آن بیابیم و آرزوی شهداء اسلام در برپایی نظامی اسلامی بر ملت مسلمان خود را شاهد باشیم.

و ما ذالک علی الله بعزیز

امارت اسلامی در کوتاه ترین فرصتِ ممکن توانست تا ریشه های فتنه و فساد را در اکثریت ۹۵ فیصدی خاك افغانستان بخُشکاند و عدالت اجتماعی، امنیت و آسایش – یکی از اصیل ترین دغدغه های هر کشوری – را برای جامعهء خود به ارمغان بیاورد. طالبان توانستند امنیتی را به اجرا بگذارند که حکومت های بزرگ و مدرنیزه نتوانستند در طول ده ها سال چنین ارمغانی برای ملت خود رقم بزنند. آن امتیازی که دوست و دشمنِ طالبان به آن اعتراف دارند.

****

مقاومتِ دفتر سیاسی امارت اسلامی همچنان در مقابل تمامی دسائس آنها ادامه دارد؛ همانطوریکه جنگ و قتال در میدان تیر و تفنگ کماکان ادامه خواهد داشت؛ تا اینکه صادقانه به توافقی دست یابیم که خیر و صلاح امت و ملت خود را در آن بیابیم و آرزوی شهداء اسلام در برپایی نظامی اسلامی بر ملت مسلمان خود را شاهد باشیم.





همه مدیون شهامت شماست ای طالبان!

سادات چرخی

معمولا یک خانواده بزرگ دارای دو دسته فرزندان می باشد شماری از آنان صادق، وفادار و با شهامت وشمار دیگر آنان کاذب، خائن و دون همت و برملا است که نظام خانواده به وسیله فرزندان صادق، وفادار و با شهامت قایم می باشد و درحقیقت فرزندان ناصالح و نابکار خانواده مدیون و ممنون احسان وشهامت فرزندان صالح هستند.

همچنان کشور ما حیثیت همین خانواده بزرگی را دارد که در ادوار مختلف چه در عصر تجاوز انگلیس ها و چه در زمان تجاوز شوروی ها وهمچنان در عصر حاضر هنگام تجاوز امریکایی ها دارای دو دسته ساکنین وفرزندانی بوده است.

در زمان تجاوز انگلیس ها تعدادی از فرزندان این مرزوبوم بودند که در اشغال کشور شان با انگلیس ها کمک کردند، معاش گرفتند جیره خوردند وبرای انگلیس ها چاکری ونوکری نمودند و چند روز زندگی شان را آرام سپری کردند و در بدل متاع ناچیز وطن فروشی کردند و خود را به حلقه های غلامی آویختند و از خیانت با دین، وطن و ناموس عار نکردند تعداد دیگر نیز بوده اند که صادقانه از این کشور دفاع کردند، و جان و مال شان را فدای حریم اسلام وخاک ساختند و حاضر نشدند تا به اشغال کشور تن دهند که درنتیجه آن، انگلیس ها به زانو درآمد و کشور از اشغال آنان نجات یافت اما اکنون اولاد عموم ملت اعم از دسته خاین و وطن فروش تا فرزندان صالح، مجاهدین و آزادی خواهان کشور ، این آزادی کشور شان را از اشغال انگلیس در (۲۸ اسد) جشن می گرند وهمه افتخار میکنند که آبا و اجداد آنان انگلیس ها را از این کشور اخراج کردند درحالی که درآن وقت شمار زیاد خائنین، وطن فروشان ومزدورانی بودند که با انگلیس ها کمک کردند اما فرزندان شان یکجا با فرزندان مجاهدین آن وقت، آزادی شان را از انگلیس ها با کمال افتخار جشن می گرند. ای کاش درآن وقت آماری از خائنین وطن فروش آن وقت، ثبت می گردید و مایه ننگ برای بازمانده گان شان می بود.

همچنان در جریان تجاوز شوروی نیز همین سناریو تکرار گردید که فرزندان خلقی ها و پرچمی ها و مجاهدین همه افتخار میکنند که اجداد شان شوروی ها را شکست داده وکشور را از اشغال آنان نجات دادند درحالی که خلقی ها وپرچمی ها همه خائنین ووطن فروشانی بودند که حق ندارند در این دیار زیسست نمایند آنها نهایت تلاش کردند تا این خاک به کام شوروی ها فرو رفته اشغال شود وعملا خاک را فروخته بودند، با دین، خاک و ناموس این میهن کاملا خیانت کردند اگر ایثار و قربانی های بی دریغ فرزندان اصیل این کشور یعنی مجاهدین

نمی بود اکنون کشور ما یک ایالتی مرتبط با شوروی ها می بود اما مجاهدین آن وقت با تحمل تلفات و خسارات سنگین توانستند شیرازه وحدت شوروی ها را پاره کنند و کشور را از چنگ آنان نجات دهند .
باید اکنون صد بار اولاد خلقی ها و پرچمی ها خود را مدیون شهامت و قهرمانی مجاهدین آن وقت بدانند و به خائنین ملی و وطن فروشان خلق و پرچم نفرین بفرستند اما متأسفانه که نه تنها چنین نشد بلکه همین خلقی ها وپرچمی ها از خیانت قبلی شان نه تنها ندامت نکردند بلکه برای اشغال دوباره کشور، یکبار دیگر به امریکایی ها رو آوردند و با آنان از جان و دل نیز کمک کردند حتی در این راستا به نفع امریکایی ها قربانی های زیادی نیز انجام دادند. ایکاش هنگام پیروزی مجاهدین لیست خائنین و وطن فروشان باند خلق و پرچم نیز ثبت آرشیف ملی می گردید وچهره های زشت آنان به همه مردم نمایان می شد.
و اگر وضعیت کنونی کشور را دقت کنیم و امریکایی ها با متحدین ناتو اش را که مغرورانه بر این خاک یورش آوردند و رویای اشغال این مرز وبوم را در سرداشتند، نگاه کنیم خواهیم دید که بسیاری از باشندگان این خاک به زور و زر امریکایی ها سرتسلیم خم کردند و نه تنها برخلاف امریکایی ها کاری نکردند بلکه آگاهانه برای اشغال کشورشان با امریکایی ها همکاری کردند، پول گرفتند، جاسوسی کردند، سودای ننگ و ناموس را بازار ساختند و همه رذایل و جنایاتی را مرتکب شدند، برخاک و مسائل ملی کشورمعامله کردند بر پول آن قصرهای مجلل در دوبی، هندوستان و اروپا ساختند علاوه از همچو خیانت های ملی ودینی، بلکه علیه ملت ومجاهدین از امریکایی های اشغالگر بیشتر جنایات سنگین و مظالم زیادی انجام دادند، از سوی دیگر فرزندان صالح، وفادار، صادق و با دیانت این کشور (مجاهدین امارت اسلامی) زندان های جهنمی گوانتانامو، بگرام ، پلچرخی و زندان های انفرادی و بحری امریکایی ها را پذیرفتند، بمباران، چاپه ها، شهادت ها، بی وطنی ها، گرسنگی ها و فقر و بیچارگی ها را تحمل کردند، اما به غلامی، وطن فروشی، ذلت و اشغال کشور تن ندادند و دراین راستا چنان فدا کاری های را انجام دادند که تاریخ جهان در حافظه اش ندارد و مایه افتخار هر فرد مومن می باشد و در این هیچ شکی نبود که مجاهدین امارت اسلامی در سراسر جهان جز الله متعال حامی نداشتند و همه کشور های اسلامی و کفری در کنار امریکا و متحدین اش ایستاد بودند اما شهامت، رادمردی، قهرمانی و ایمان داری مجاهدین امارت اسلامی بود که میدان کار زار و مقابله را برای کفار و اشغالگران امریکایی تنور داغ ساختند، ما خوب به یاد داریم که امریکایی های

اما روزی رسید که امریکایی ها پشت دروازه های نمایند گان امارت اسلامی را دق الباب کردند و طالبان را به حیث مجاهدین امارت اسلامی پذیرفتند و آن را سیال و مقابل خود خواندند و برای مذاکره و مفاهمه گرد یك میز نشستند و صفحه مذاکره را با آنان باز نمودند تا در مورد خروج قوای شان از کشور مذاکره نمایند و راه خروج آبرومندانه از مجاهدین امارت اسلامی می خواهند.

مغرور می گفتند دیگر طالبانی درکار نیست زنده و یامرده آنان را بیاورید تا آنان را محاکمه کنیم و همچو شیطان لعین وعده های دروغین می دادند و می گفتند که ما سال های نود را پشت سر گذاشته آن را تکرار نخواهیم کرد و دایم دراین خاک خواهیم ماند.
اما روزی رسید که امریکایی ها پشت دروازه های نمایند گان امارت اسلامی را دق الباب کردند و طالبان را به حیث مجاهدین امارت اسلامی پذیرفتند و آن را سیال و مقابل خود خواندند و برای مذاکره و مفاهمه گرد یک میز نشستند و صفحه مذاکره را با آنان باز نمودند تا در مورد خروج قوای شان از کشور مذاکره نمایند و راه خروج آبرومندانه از مجاهدین امارت اسلامی می خواهند.
الحمدلله اکنون تمام مجاهدین وفرزندان شان پیروزی مجاهدین وآزادی کشور را جشن می گرند اما شاید چندی بعد فرزندان آنعده خائنین، وطن فروشان نیز مدعی شوند که پدران شان قربانی دادند وامریکایی ها را از کشور بیرون کردند چنانچه فرزندان خلقی ها وپرچمی ها خروج قوای شوروی را جشن می گرند.
باید اکنون عموم ملت خود را مدیون قهرمانی، فدا کاری، همت وشهامت مجاهدین امارت اسلامی بدانند و از سوی دیگر مجاهدین و مسئولین متوجه تمام حرکات و جریانات دشمن هستند و در آینده با شکلی از اشکال از یک طرف قهرمانان و فداکاران این خاک ثبت تاریخ می شوند و از سوی دیگر اسامی خائنین ملی به نحوی ثبت گردد.
تجربه ثابت ساخته است که نسل های خلق و پرچم همچو پدران شان با این خاک خیانت نمودند و اگر فرصتی دست دهد احتمالا بار دیگر فرزندان شان از خیانت دیگر به این خاک کوتاهی نکنند. و در اخیر حق است که همهٔ ملت خود را مدیون شهامت و قهرمانی مجاهدین امارت اسلامی بدانند و با جان و دل از امارت اسلامی حمایت نمایند.

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا

فرجام مبارزه اسلامی پیروزی است

منصور تالقانی

تاریخ اسلام بر این گواه است که گروه قلیلی از سپاهیان اسلام فقط با نیروی عقیده و ایمان بدون در نظرداشت تجهیزات نظامی وارد معرکه نبرد دیده اند، ناکامی وکامیابی را از جانب خداوند متعال پنداشته با شکم گرسنه و پای برهنه در کار زار جهاد مشغول نبرد گردیدند، امکانات دشمن را با خود غیر قابل مقایسه دیدند، مگر وعدهٔ خداوند متعال به گوش شان طنین انداز بود که اگر الله متعال را یاری کنید شما را یاری می دهد و متیقن بودند که زندگی و مرگ، پیروزی و ناکامی، ذلت و عزت به دست خداوند متعال بوده ، کشتن و کشته شدن در راه اوتعالی سبب فلاح و نجات دارین است، رضایش را بر زندگی دنیا ترجیح داده مرگ با عزت را از زندگی ننگین بهتر دانستند. بناءً توانستند در طول سالیان متمادی با دشمن دست و پنجه نرم بکنند، و او را به زانو در آورند، جنگ وجهش بخاطر اعلای کلمه حق مستلزم تحمل ناگواری ها و نابرابری های مادی است، فقط با توکل، ثبات و تداوم می توان فوز و رستگاری را در دو جهان تصاحب نمود. دعوت و مبارزه اسلامی روی اصول و موازینی استوار بوده که دین مبین اسلام اساس و بنیاد آن را مقرر و تعین نموده است، طریق هموار و روشنی است که روندگان خود را به منزل مقصود می رساند و از افتیدن در منجلاب بد بختی و باز ماندن در وسط راه نگاهش می دارد، مشروط بر اینکه نیت و عملش بالخیر بوده تکالیف جسمی و مشکلات مادی مانع حرکتش نگردد.

تردیدی نداریم که فرجام هر جنبشی منوط و مربوط است به مشی و مسیر آن جنبش نه به تشکیل و تجمل ظاهری آن، در طول تاریخ اسلام مطالعه می گردد که دشمنان انبیاءعلیهم السلام با وسایل، امکانات، شان و شوکت مادی و ظاهری مجهز بودند، چون عملکرد و مسیرشان بسوی کفر منشی و طاغوت بود بناءً هیچ یک از اسباب مادی در جهت نجات و پیروزی شان مثمر واقع نگردید، راه روان حق زمانی به هدف خود می رسند که از ذرایع و وسایل ممکن و میسر در جهت مشروع و معقول و طریقه شایسته کار می گیرند، نه از خواهشات نفس زیرا دست آورد دومی فساد، بدکاری و دور شدن از خط سیر اسلام و بالآخره نابودی و هلاکت است.

طوری که سایر جهانیان طی هجده سال گذشته شاهد اوضاع افغانستان هستند که حرکتی به نام اِمارت اسلامی در مسیر سالم و استوار در حرکت بودند و تمنای شان به مادیات نبوده با اتکا به ایمان چون کوه پایه ای در مقابل حملات و وحشتگری های طواغیت زمان پا برجا ماندند تا آنکه میدان موفقیت را تصرف نمودند.



آری! هرآن نهضتی که مشی زندگی خود را در روشنای بینات و در پرتو براهین الهی تشخیص دادند و با توسل به این رهنمود به جانب هدف در حرکت افتادند هرگز با گروهی که در حرکت شان به جلو، به برهان و دلیل مثبت استوار نیستند و در تاریکی های زندگی بدون مشعل فقط به حکم غریزه و تقاضای نفس به سوی افق نا معلوم گام بر می دارند، برابر نمی باشند.

شریعت برگزیدۀ اسلام امکان اقامه عدل و قسط را میان مردم مقدور و میسر می گرداند، از ظلم و بی دینی و خرافات جلوگیری نموده از پاداش منفی آن برحذر می دارد، بناءً پیروان راستین اسلام در مسیر زندگی وکسب هدف شان از دستورالعمل و قرآن و شریعت پیروی نموده فرجام کار به منزل مقصود راه یاب می گردند.

از آنجای که انسان فطرتاً ضعیف و نا تواِن خلق شده است به چیزهای محتاج است که اصلاً در اختیارش نبوده، غرض بدست آوردن آن می کوشد و گاهی به آن دستیابی حاصل می کند و گاهی در راه کسب آن زیان هم می کند. هستند اشیای که انسان تمایل به دسترسی آن را دارد و پیهم در این راه می کوشد در حالی که برایش مضر و مصیبت بار است و همچنان پدیده های اند مانند: حوادث، امراض و غیره که هرلحظه وجود و وقوع شان انسان را توبیخ و تهدید می کند، مگر انسان قدرت دفاع و جلوگیری از وقوع آن را ندارد، پس انسان ضعیف و ناتوان ناگزیر است به پیشگاه متعال سرِ تسلیم بگذارد و همه امور خود و کاینات را متعلق به اَو بداند نه آنطوری که گوشه عزلت و انزوا اختیار نموده سعی و کوشش انسانی را کنار بزند، بلکه در حد توان خود بخاطر کسب منفعت و دفع مضرت تپ و تلاش نماید. چنانچه خداوند متعال فرموده است: نیست انسان را مگرآنچه می کوشد.

مرد مؤمن و هدفمند گاهی در برابر ناکامی ها و نا ملایمت ها مایوس نشده دست از طلب بر نمی دارد و در پرتو ایمان با این همه ناتوانی های فطری و مشکلات زمانی و مکانی مقابله می نماید و به سوی دریافت موفقیت راه طولانی را می پیماید. وقتی که انسان به منظور رضای الله متعال به کار بزرگ و مشکلی مبادرت می ورزد ایمان برایش اطمینان و شکیبایی می بخشد و توصیه اش می دارد که خداوند متعال مؤید و مددگارش می باشد. پس هیچ نیروی و مصیبتی مانع تصمیمش نگردیده از راهش باز نمی دارد، چنانچه صحت این مدعا را در طول هجده سال مبارزه جوانان ودلیران امارت اسلامی در مقابل امپراتور های اشغالگر ومتجاوز جهانی در کشوری به خون آلوده خود مشاهده کرده ایم و جای شک و تردیدی برای ما باقی نمانده است.

همچنان افغان های که در این کشور به خود آلوده وستمدیده بحکم نفس و اغواگری شیطان راه دیگری انتخاب کرده در جانب مخالف مسلمین وفرزندان دلیر شان عمل کردند متاع دنیا را بر پاداش آخرت ترجیح دادند، به اسباب و تزئینات ظاهری کفار جهان فریفته گردیدند، به عوض ایمان و عقیده بر خداوند متعال دست به دامن مفکوره و نیروی باطل دراز نمودند، بر وسایل مادی و امکانات ظاهری مغرور گردیدند تا اینکه امروز مغلوب وشکستخورده و خود را نزد جهانیان بی عزت احساس میکنند.

در زمان حیات فرخنده ناجی بشریت در غزوۀ اُحد فرماندهی مجاهدین را شخصًا به عهده داشتند به آنهم لشکر اسلام به شکست مواجه گردیده جسم مبارکشان مورد هدف دشمنان دین قرار گرفت و نیز در طول جنگها و مبارزات اسلام با کفر چنین وقایعی پیش آمده است، مگر خداوند متعال از شکست ها و عقب نشینی های زند گذر به لشکر اسلام پند و انتباهی حاصل گردانیده که کامیابی و پیروزی آن را در آینده محتوم و محقق گردانیده است. شکست و پیروزی در نبرد حق علیه باطل هردو حاوی پاداشی اند که بس بزرگ برای مسلمانان مجاهد.

خلاصه اینکه هرقدری دعوتگران راستین و مبارزین واقعی اسلام به شکست های پیهم و نا امیدی های متواتر روبرو شوند، چون هدف شان رضای خداوند متعال و پیروزی حق بر باطل است، فرجام کار به سر منزل مقصود می رسند و آرمان نهایی خود را که عبارتَ از حصول هدف و یا جان سپردن بخاطر کسب و کمایی آن باشد، در آغوش می کشند. بناءً به حکم پیروی اسلام راهی را که مجاهدین امارت اسلامی درپیش گرفته اند، راه فلاح و بهبودی جامعه اسلامی بوده، هیچ مانعی سد راه آن نمی گردد، ما مطئمن هستیم و به سوی هدف مشروع خویش قاطعانه گام بر می داریم و یقین داریم که مبارزات اسلامی ومشروع انجامش پیروزی است.

مصاحبۀ اختصاصی مجلۀ حقیقت با

محترم مولوی عبدالقیوم روحانی صاحب

مسئول جهادی در ولایت غور

ترتیب: ابو حفص هروی

اشاره:
ولایت باستانی غور از آنجا که لله الحمد از سالها بدین سو محل پیشرفت ها و کامیابی های مجاهدین قهرمان است ادارۀ مجله حقیقت بر آن شد تا مصاحبۀ اختصاصی با محترم مولوی عبدالقیوم روحانی والی و مسئول جهادی این ولایت داشته باشد که این مصاحبه در فضای صمیمت انجام گرفت.

ادارۀ مجله:
حاجی مولوی صاحب اگر در مورد اوضاع جهادی در ولایت غور در جریان عملیات الخندق کمی معلومات بدهید؟

روحانی صاحب:
بسم الله الرحمن الرحیم. رب اشرح لی صدری و یسر لی امری واحلل عقده من لسانی یفقهوا قولی. الحمدلله والصلواه و السلام علی رسول الله و علی آله و صحبه اجمعین اما بعد:
همانطور که به شما بهتر معلوم می باشد ولایت غور یکی از ولایت های مهم است غور چنان ولایت است که هم برای مجاهدین مهم است هم برای دشمن و هم برای هر گروه دیگر، لذا بخاطر همین اهمیت الحمدلله مجاهدین در این ولایت در فعالیت های نظامی بسیار خوب کار می کنند. راجع به عملیات الخندق باید بگویم چونکه برای مسئولین ولایت غور از اهمیت زیاد برخور دار است کدام امید که ما از مسئولین داشتیم بیشتر از امید ما به این ولایت توجه کردند. و همینطور مجاهدین در غور هم با همت و همکاری در قسمت های مختلف فعالیت های خوب جهادی داشتند.
راجع به عملیات برای شما گفته می توانم که ۸۰ فیصد در جریان عملیات الخندق مجاهدین کامیاب بودند از جمله اینکه به اسم «فضل احد» قوماندان بسیار ظالم که در مناطق اوشان، خواجه گان، سیلمین و ... که مربوط ولسوالی دولینه می شود این شخص بسیار طرفدارهای ظالم داشت که به یک آوازش ۱۰۰۰ نفر مسلح می شدند که در جریان عملیات الخندق از بین برده شد.
در ولسوالی چهار سده مجاهدین در چندین عملیات های موفق تا نزدیک مرکز چهار سده پیشرفت ها و فتوحات داشتند.
در شاهراه هرات – غور مجاهدین تسلط کامل پیدا کردند بسیار پوسته های که در اطراف شاهراه مردم را اذیت و آزار می کردند آن پوسته ها را مجاهدین جمع کرده و تصرف نمودند.

ادارهٔ مجله:
اگر بفرمائید در کدام ولسوالی های غور مجاهدین حضور و فعالیت قوی تر دارند؟

روحانی صاحب:
در ولسوالی های غور الحمد لله مجاهدین در نتیجه عملیات الخندق پیشرفت های خوبی داشته اند اگر بطور واضح تر برای شما بگویم از ده ولسوالی غور مجاهدین، ولسوالی مرغاب را به شمول مرکز آن در تصرف خود دارند، دیگر در تمام ولسوالی ها به جز مراکز، اطراف همه در اختیار مجاهدین است؛ مثلا در ولسوالی شینکوت ۹۸ فیصد در اختیار مجاهدین است دو فیصد دیگر هم فقط مرکز ولسوالی است که آن هم دشمن از راه زمینی اکمال کرده نمی تواند مگر از راه هوایی به مرکز آن اکمالات می رساند.
همین قسم در ولسوالی شهرک ۹۵ فیصد مجاهدین حضور قوی دارند. ولسوالی دولینه ۹۵ فیصد، چهارسده ۹۹ فیصد چرا که مرکز ولسوالی کاملا تحت محاصره مجاهدین قرار دارد.
و الحمدلله سایر ولسوالی ها به همین شکل است که ما به نماینده مطبوعاتی ولایتی خود بطور کامل راپور فیصدی ساحات تحت تصرف مجاهدین را قبلا داده ایم.

ادارهٔ مجله:
در جریان سالجاری رسانه ها و مطبوعات دشمن چندین بار ادعای شهادت شما و معاون محترم شما جناب دین دوست صاحب را کردند شما علت این تبلیغات دشمن را چه می دانید؟

روحانی صاحب:
به شما بهتر معلوم است که دشمن شکست خورده جز همین تبلیغات دگر کار برایش نمانده است در غور چونکه مجاهدین بسیار با مسئولین ولایتی خود در فعالیت می باشند و مجاهدین را دشمن در این ولایت تحمل نمی توانند می خواهند با نشر آوازهٔ شهادت ما و یا محترم دین دوست صاحب روحیهٔ مجاهدین را تضعیف کنند و به عساکر شکست خوردهٔ خود مورال بدهند اما نمی دانند اول که ما خورد و کلان تشنهٔ شهادت هستیم و دشمن نباید دل خود را با شهادت ما خوش بکند چون سنگر جهاد با شهادت مجاهدین چه مسئولین چه غیر مسئولین خالی نمی ماند هنوز مجاهدین با این اخبار بیشتر روحیه گرفته و انگیزه پیدا می کنند تا به دشمن ضربه های کلان تر بزنند، ما ضد رد این خبرها به دشمن واضح می گوئیم هرگز نمی توانید با این شایعات دل خود را خشنود کنید و نه هم ملت این دروغ های آنها را باور می کنند.

واقعیت را برای شما بگویم ملت غور بسیار مجاهد پرور و مجاهد دوست است همکاری مردم غور با مجاهدین هیچ قابل چشم پوشی نیست ما که در این ولایت مدت دوسال می شود مسئولیت داریم جز خیر و خوبی و همکاری زیاد ملت با مجاهدین ندیدیم.

دگر اینکه هر وقت شهادت هم بیاید ما کامیاب هستیم همه مجاهدین با افتخار آرزوی شهادت کرده و شهادت را برای خود یک کامیابی کلان می دانند.

ادارهٔ مجله:
روحانی صاحب همکاری مردم در ولایت غور را با مجاهدین چگونه توصیف می فرمائید و اینکه بالعکس مجاهدین چه رویه با مردم دارند؟

روحانی صاحب:
واقعیت را برای شما بگویم ملت غور بسیار مجاهد پرور و مجاهد دوست است همکاری مردم غور با مجاهدین هیچ قابل چشم پوشی نیست ما که در این ولایت مدت دوسال می شود مسئولیت داریم جز خیر و خوبی و همکاری زیاد ملت با مجاهدین ندیدیم ما بسیار مردم می شناسیم که فرزندان شان با ما در سنگر هستند و از طریق آنها پدر و برادرهای شان با مجاهدین در ارتباط می شوند چنان وقت خوشی می کنند که از حد توصیف نیست.
در مقابل مجاهدین نیز الحمدلله با ملت خود بسیار مهربان هستند و به دنبال رفع مشکلات ملت خوده بوده و به خدمت ملت خود تا حد توان رسیدگی می کنند ما در مدتی که در این ولایت آمدیم تا هنوز یک شکایت مردم از مجاهدین به ما نرسیده است و شما هم یک مثال پیش

کرده نمی توانید که مردم از مجاهدین شکایت داشته باشند به شما معلوم است عموما گاهی اگر شکایتی باشد از مسئولین عشر و زکات است ولی شما از ملت غور از همین مسئولین هم شکایت نمی شنوید و این به فضل خدا نتیجه همین رویه و سلوک نیک مجاهدین و مردم با همدیگر است. ما هم همیشه به مجاهدین خود گفته و می گوئیم که به دست آوردن دل مردم کمال است این ملت بچه های شان در کنار ما و شما است شهید داده و اسیر دارند، با جان و مال شان همکار است خدانخواسته اگر آزار داده شوند این یک ظلم بزرگ به ملت مظلوم ماست.

از عوامل موفقیت و پیشرفت مجاهدین دل به دست آوردن است هر چقدر که دل ها به دست بیاید همان قدر موثریت پیدا می شود و دیگر اینکه اعتماد باشد هرجای که اعتماد به وجود بیاید پیشرفت نیز می آید.

باید کوشش کنند دل شان به دست بیاید و بر آنها اعتماد شود شک نکنید خداوند پیشرفت نصیب می کند.

ادارۀ مجله:

جز فعالیت های نظامی فعالیت سایر اداره های امارت اسلامی در ولایت غور را چگونه ارزیابی می کنید مثل تعلیم و تربیه، جلب و جذب، محاکم، موسسات، جلوگیری از تلفات ملکی، فرهنگی و ...؟

روحانی صاحب:

در جواب شما باید بگویم کدام ساحات که در تصرف مجاهدین است لله الحمد صد فی صد تمام شعبه های امارت اسلامی در آن ساحات فعال است اگر محاکم است، جلب و جذب است، موسسات است و سایر اداره ها، تلفات ملکی که دشمن همیشه بر مجاهدین تبلیغات می کنند که از دست مجاهدین تلفات می شود در ولایت غور یک مثال پیش کرده نمی توانید که از دست مجاهدین یا در عملیات مجاهدین به سر و جان و مال ملت کدام تاوان رسیده باشد و اگر تلفات ملکی هرجای شده از دست بمباران های خود دشمن و از دست حمله های خود دشمن است.

ادارۀ مجله:

عوامل پیشرفت مجاهدین را در چه می دانید؟

روحانی صاحب:

مهمترین عوامل پیشرفت توجه مجاهدین به کارهای جهادی است هر چقدر که مجاهدین به کارهای خود متوجه شوند همان قدر پیشرفت به دست می آیند، از عوامل موفقیت و پیشرفت مجاهدین دل به دست آوردن است هر چقدر که دل ها به دست بیاید همان قدر موثریت پیدا می شود و دیگر اینکه اعتماد باشد هرجای که اعتماد به وجود بیاید پیشرفت نیز می آید؛ تکرارا می گویم توجه به کارهای جهادی، دل به دست آوردن و اعتماد کردن باعث ترقی و پیشرفت مجاهدین در امور جهادی می شوند، اگر در جایی مجاهدین خسته می شوند مسئولین

ادارۀ مجله:

از مرکز غور بگوئید در سطح شهر و مرکز ولایت فعالیت های مجاهدین چگونه است؟

روحانی صاحب:

الحمدلله در مرکز غور (شهر فیروزکوه) فعالیت های مجاهدین جریان دارد در جریان انتخابات نمایشی (پارلمانی) در خود مرکز مجاهدین فعالیت داشتند و ۷ الی ۸ نفر افراد دشمن و مسئولین سایت های انتخاباتی در خود مرکز کشته شدند و ۶ میل سلاح شان را مجاهدین با خود آوردند همینطور فعالیت های مجاهدین در ساحات و مناطق مختلف مرکز ولایت مثل قتس، کاسی، درۀ غازی و ... محسوس است و هر چند وقت یکبار فعالیت های خوبی انجام می شود.

ادارۀ مجله:

روحانی صاحب اگر یک خاطره از جریان فعالیت های جهادی خود در غور با ما شریک کنید؟

روحانی صاحب:

خاطره های جهادی که بسیار است اما در مدت مسئولیت در غور یک خاطرۀ نیک که هیچ وقت فراموش ما نمی شود این بود که ابتدای سال مسئولیت، کمی با منطقه نابلد بودیم، دشمن از طریق بعضی فتنه ها مثل داعش و غیره کار می کرد و اینکه چگونه عملیات ها را شروع کنیم در همین چورت و فکر به ولسوالی مرغاب رفتیم در حالیکه دل ما تنگ بود ۱۴ یا ۱۵ طالب حجره در یک مسجدی جمع شدند ما رفتیم به آنها در مورد جهاد، مبارزه و عملیات گفتگو می کردیم در این حین یک دم احساس کردیم که در جمع ملایک هستیم چنان به ما امید و اطمینان پیدا شد و چنان یک لذت معنوی خاص احساس کردیم که توصیف نمی توانیم، از آن روز به بعد بسیار با اطمینان و خوشحالی زیاد، به کارها ادامه داده شد.

پیام من به تمام امت مسلمه و مخصوصا ملت شریف افغانستان و به خصوص به ساحه فعالیت های خود اینست که شما بدانید هر وقت خداوند متعال اراده کند که مردم نا اهل در هر کجا را با ذلت و شکست مواجه کند آن مردم نا اهل با ملت قهرمان افغانستان روبرو گردیده است و همانطور که اشغالگران انگلیس و روس در این سرزمین شکست خوردند امریکایی ها نیز این ۱۸ سال که ملت مظلوم ما را آزار داده و قتل و شکنجه کرده اکنون با ذلت و شکست روبرو شده و در حال فرار هستند ان شاء اللّٰه.

ادارۀ مجله:

روحانی صاحب این یک مصاحبۀ اختصاصی از طرف مجله حقیقت است اگر کدام گفتنی در مورد مجله و یا فعالیت های فرهنگی دارید و اگر بگوئید با مصروفیات کاری فرصت مطالعه و باز دید از مواد نشراتی امارت اسلامی را پیدا می کنید یا نه؟

روحانی صاحب:

الحمدلله ما از فعالیت های کمسیون فرهنگی و نشرات آن خوشحال و راضی هستیم و در خصوص مجله حقیقت نیز خوش بوده و کم و بیش حسب فرصت مطالعه دارم اما یک پیشنهاد به بخش نشراتی داشتیم اگر در هر ولایت یک شخص مقرر داشته باشند که هرگاه مواد نشراتی به دسترس قرار می گیرد آن شخص به دست خود در بین مجاهدین و ملت توزیع کرده و از فعالیت ها و مواد فرهنگی خودشان توضیح هم بدهند این کار به فکر من خیلی موثر واقع خواهد شد.

ادارۀ مجله:

در پایان گفتنی شما به ملت و توصیه شما به مجاهدین چیست؟

روحانی صاحب:

اولا پیام من به تمام امت مسلمه و مخصوصا ملت شریف افغانستان و به خصوص به ساحه فعالیت های خود اینست که شما بدانید هر وقت خداوند متعال اراده کند که مردم نا اهل در هر کجا را با ذلت و شکست مواجه کند آن مردم نا اهل با ملت قهرمان افغانستان روبرو گردیده است و همانطور که اشغالگران انگلیس و روس در این سرزمین شکست خوردند امریکایی ها نیز این ۱۸ سال که ملت مظلوم ما را آزار داده و قتل و شکنجه کرده اکنون با ذلت و شکست روبرو شده و در حال فرار هستند ان شاء الله.

ملت عزیز ما که تا اکنون هم همکار بوده انتظار ما اینست که با برادران مجاهد خود همچنان همکاری داشته و برای شان دعای خیر کنند.

و توصیه ام به مجاهدین اینست که در هر جای که وظیفه دارند یا ندارند کوشش کنند دل ملت خود را به دست بیاورند چون ملت با جان و مال همکار است همین اکنون بچه های شان، خودشان در خطرات در کنار مجاهدین می باشند و همینطور یک ملت عزیز نباید خدانخواسته از دست ما آزار شود و باید در هرجای صادقانه در خدمت ملت خویش باشیم.

ادارۀ مجله:

تشکر روحانی صاحب که وقت تان را در اختیار مجله ما گذاشتید.

روحانی صاحب:

ما هم از شما تشکری می کنیم و خداوند شما را خیر بدهد که از طریق کمسیون فرهنگی تمام خون و قیام و مبارزه را در بهترین حد تصور ترجمانی می کنید و خدمت های زیاد شما را الله متعال قبول بفرماید.





اسباب عروج وزوال مسلمان ها

سعید بدخشانی

عَنْ ثَوْبَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلی الله علیه وسلم- « يُوشِكُ الأُمَمُ أَنْ تَدَاعَى عَلَيْكُمْ كَمَا تَدَاعَى الأَكَلَةُ إِلَى قَصْعَتِهَا ». فَقَالَ قَائِلٌ وَمِنْ قِلَّةٍ نَحْنُ يَوْمَئِذٍ قَالَ « بَلْ أَنْتُمْ يَوْمَئِذٍ كَثِيرٌ وَلَكِنَّكُمْ غُثَاءٌ كَغُثَاءِ السَّيْلِ وَلَيَنْزَعَنَّ اللَّهُ مِنْ صُدُورِ عَدُوِّكُمُ الْمَهَابَةَ مِنْكُمْ وَلَيَقْذِفَنَّ اللَّهُ فِى قُلُوبِكُمُ الْوَهَنَ ». فَقَالَ قَائِلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْوَهَنُ قَالَ « حُبُّ الدُّنْيَا وَكَرَاهِيَةُ الْمَوْتِ ». رواه ابوداود

ترجمه: حضرت ثوبان رضی الله عنه می فرماید،که نبی کریم صلی الله علیه وسلم ارشاد فرمودند: «آن وقت آمدنی است (که اقوام کافر بخاطر سازش ازبین بردن شما) یکی همراه دیگر جمع می شوند چنانچه خورندگان طعام به اطراف کاسه جمع می شوند» کسی به تعجب عرض کرد، آیا از جهت قلت (تعداد) ما چنین می شود. فرمودند«نخیر، بلکه در این وقت تعداد شما کثیر می باشد، لکن شما مانند خس و خاشاک می شوید (مانند خاشاک واشیاء نابکار بالای سیلاب می گردید) الله متعال ازجهت اعمال بدتان رعب وهیبت شما را از دلهای دشمنان تان بیرون می سازد، ودر قلب های شما وهن (یک نوع ضعف وسستی) می اندازد، شخصی عرض کرد که وهن چیست یارسول الله؟ ایشان فرمودند محبت دنیا، بیزاری ونفرت مرگ.

رمز پیشرفت مسلمانان قرون اولی

در تاریخ چنان حقیقتی وجود دارد که تکذیب آن ناممکن می باشد او اینست در سده های اول مسلمان ها در بین عالم بر ترقی های بی مثالی دست یافتند و در رشد وهدایت و رستگاری در چشم دنیا حیثیت منار درخشان را داشتند. راز موفقیت آنها این بود که مردم آن دور در ایمان داری، راستی، خوش اخلاقی، انصاف وخیرخواهی بی نظیر و متصف به تمامی اوصاف حمیده انسانی بودند، و براحکامات و تعلیمات قرآنی و اسلامی عمل می نمودند، لذا دیگر اقوام وانسانها با مشاهده صفات نیک آنها گرویده و حلقه بگوش اسلام می شدند، اینجاست که امروز نام و کارنامه های آنها در صفحات روشن تاریخ می درخشند.

پرسش اینست نزد آنها چه بود و چه داشتند؟ که اینقدر عروج نصیب شان گردید، آیا نزد آنها ذخائر سیم وزر بود؟ هرگز، نزد آنها جز ایمان اگر چیزی دیگر بود بفرمائید؟ بلی نزد ایشان دولت ایمان، اخلاص واخلاق بود، به یقین و حسن ظن رسیده بودند، و سرمایه حلم وعلم و عمل بودند، راز حقیقی عروج آنها همین ها بود، و بسبب این مواصفات والا برمقام شامخ واعلی ترقیات دینی ودنیوی فائزگردیده بودند.

حال زار مسلمانان عصر حاضر

برخلاف آن امروز نزد مسلمان ها دولت، اسباب و وسائل دنیوی بی شمار است، حکومت و اقتدار، ابزار جنگی و عسکری نیز نزد مسلمانها وجود دارد،همچنین از اسباب عیش وعشرت و راحت برخوردار هستند، مگر با وجود اینهمه مسلمانان در بدترین وضعیت قرار دارند، و در دنیا کدام مقام و جایگاه خاصی ندارند، از چهار طرف از عروج بسوی نزول می آیند.

از سوی دیگر تمام اقوام کفر در مقابل اسلام ومسلمانها یک پارچه ومتحد شده اند حتی در این عصر همه سازمانهای که بخاطر تحفظ حقوق بشر و انسانی کار می کنند مقصد شان جز حفاظت از حقوق اتباع کشورهای کفری جزئی ترین توجه برمسلمانان ندارند.

سازمانهای بشری منطقوی وجهانی، مدعیان دروغین حقوق بشر، یونیسف، سازمان نام نهاد ملل متحد، اداره به اصطلاح جلوگیری از تلفات ملکی ... همه حوادث المناک و قتل عام مسلمانها را در کشورهای اسلامی تماشا می کنند ولی بر دهان خود مهر سکوت زده اند و دراین موارد چیزی برزبان نمی آورند، با وجودیکه سازمان جهانی حقوق بشر می گوید: « باید انسان ها از روی انسانیت از تمام حقوق خود بهره مند باشند و به هیچ وجه ادنی ترین حق شان پایمال نگردد»، ولی مسلمانان دنیا بطور مجموع از همه حقوق حقه خویش محروم و حتی حق زندگی از آنها سلب شده است. برعکس اگر برکدام فرد و یا قوم غیر مسلم کوچکترین بدرفتاری صورت بگیرد با سر و صداهای شان آسمان و زمین را یکی می کنند. سالها است که مسلمانان در ممالک مختلف شکار ظلم وجبر دشمنان خدا هستند، مگر گوش های اهل آن ادارات از شنیدن آه و فغان آنها کر و چشم های شان از دیدن مظالم خونخواران تاریخ برآنها (مسلمانان) کور شده است.

این همان حالت است که از حدیث مذکور« **يُوشِكُ الأُمَمُ أَنْ تَدَاعَى عَلَيْكُمْ** » تعبیر می شود، یاران راستین پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم با وجود قلت تعداد در غزوات متعددی چون بدر واحد بر جمع کثیر کفار غلبه حاصل نمودند، فتح ونصرت شامل حال شان گردید، بناءً سوال شد که « دراین وقت ما کم می باشیم» نبی کریم فرمودند تعداد شما دراین وقت کثیر می باشد» این جواب برای اصحاب کرام باعث زیادت حیرت وشگفت گردید، صحابه کرام پرسیدند: آخروجه چیست؟» رسول الله صلی الله علیه وسلم اسباب هلاکت مسلمانان را یاد نمود« که محبت با دنیا ونفرت ازمرگ» می باشد.

اما به یاد داشته باشید!

انحطاط و زوال مسلمانان بمعنی انحطاط و زوال اسلام نیست، اسلام ذمه دار شکست و فروپاشی مسلمانان نیست، بلکه اعمال بد و ناشایسته و دوری از احکامات خدا و فرامین رسول صلی الله علیه وسلم سبب انحطاط مسلمانان است.

خوانندگان گرامی!

اگر من وشما بر اسباب هلاکت امت مسلمه نظر بیاندازیم با بسیار وضاحب معلوم می شود که بنیاد هلاکت همین دو است (۱) محبت دنیا انتهایی در دل های مسلمانان جای گرفته است، و در عیش و عشرت دنیوی غرق شده اند.

(۲) سبب دوم بیزاری و غفلت از موت می باشد.

اگر تاریخ امت مسلمه به غور مطالعه شود در می یابیم که پشت پرده هلاکت آنها این دوچیز بنظر می آید، زوال سلطنت عباسیه چطور صورت گرفت؟ اسباب سقوط خلافت عثمانیه چه بود؟ پشت همه آنها این «**حب الدنيا وكراهية الموت**» به نظر می آید.

اگر مسلمانهای دور حاضر را به مسلمانان قرون اول مقایسه نمائیم به وضوح آشکار می شود که با وجود کثرت، اسباب هلاکت همین محبت با دنیا و نفرت از مرگ است این دو در ما مسلمانان خیلی زیاد است از همین جهت رعب و دبدبه ما از دل دشمنان بیرون شده است. باید به این حقیقت بنیادی تسلیم شویم تا اصل مرض را تشخیص و آن را معالجه نمائیم و این دو (محبت با دنیا و نفرت ازموت) با هلاکت لازم وملزوم می باشند، بدون شک هنگامی که انسان به دنیا محبت پیداکند ازموت متنفر واز آخرت وحشت زده می شود.

پس برای نجات ازاین دو مرض مهلک، باید محبت با الله پیدا شود وبرای آن کثرت ذکر الله و مرافقت با اهل الله ضروری می باشد، بلا شک ذکر الله با کثرت و دوستی با بندگان نیک الله، محبت دنیا کاسته و رغبت بسوی آخرت پیدا می شود ورنه وضعیت ازاین بیشتر خطرناکتر خواهد شد.



از برکت خون شهداء اوضاع رو به تغییر است

حاجی امانی غوری

الحمد لله ازبرکت خون پاک شهدا ومقاومت خستگی ناپذیر مجاهدین اینک اوضاع رو به تغییر است تا هم درمیدان نبرد وهم درمیدان سیاست مجاهدین برنده شده اند دشمنان دین و وطن درحال فرار و سردرگمی به سر میبرند خسته وپریشان هستند .

وعده نصرت را الله عز وجل نصیب مسلمانان گرداند .

حال وقت آن رسیده که ازین فرصت استفاده خوب نماییم و فریب خوردگان داخلی را از هر طریق ممکن تفهیم نماییم تا دیگر علیه مجاهدین و ملت خود قرار نداشته باشند مثلیکه آمریکایی ها آنها را تنها می گذارند آنها هم باید ازمعاونت شان دست برداشته و به ملت بپیوندند .

وقتیکه شوروی ها افغانستان را ترک کردند و خلقی ها وپر چمی ها و تمام اردو وقوای وقت را تنها گذاشتند همگی بازماندگان وقت به مجاهدین مراجعه نمودند ومورد عفو عمومی قرارگرفتند و به زندگی شخصی خود ادامه دادند .

اشغال یک ملت دوام ندارد تاریخ را مطالعه کنیم می بینیم که اشغالگران همیشه شکست خورده و میدان نبرد را باخته فرار را بر قرارترجیح دادند .

از انگلیسها تا روسها را مطالعه کنیم دقت بخرج دهیم که عاقبت شان چه شد و فراخوانان شان امثال شاه شجاع و کارمل وغیره به چه سرنوشتی گرفتارشدند و چه تاریخ ننگین ازخود بجا گذاشتند .

برای فریب خوردگان مطالعه تاریخ بخصوص تاریخ افغانستان عزیز ضرور است تا از یک طرف عبرت حاصل نمایند و ازطرف دیگر از شجاعت پدران و نیاکان خود با خبر شوند و از شجاعت آنها در مقابل متجاوزین وقت پند بگیرند .

ادامه جنگ دیگر به سودشان نیست هرچه بوده باخته اند دیگر آن روز ها وشب های که مجاهدین پابرهنه زیر لیزرهای آمریکایی ها جای پای نداشتند گذشته است دشمن دیگر به شکست خود تن داده است و تاب مقاومت را ازدست داده است و حرکت های عجولانه دارد از سر ننگ، گذ شته به سراغ نمایند گان امارت اسلامی برآمده و در پی بیرون رفت از میدان معرکه می باشد.

گرندانی غیرت افغا نی ام / چون به میدان آمدی میدانی ام

حال وقت آن رسیده که همه آگاهانه به میدان سرنوشت آینده ملت خود درآییم هم پذیری نموده اعتمادسازی کنیم دیگر فریب دشمنان اسلام را نخوریم و به حق تسلیم شویم و از توجیهات بی مورد بپرهیزیم و درمقابل توطئه های سرراه زیرکانه عمل نمائیم و برادران مجاهد خود را در هر شرایط یاری نماییم .

ملت مجاهد وقهرمان !

فرزندان شما ازبرکت دعاء وهمت شما درمیدان نبرد وسیاست در مقابل دشمنان اسلام فایق آمدند دیگردشمن تاب هیبت شان را ندارد شما ملت عزیز دست به کار شوید فریب خوردگان را به سر راه بیاورید واجازه ندهید دیگر درمقابل برادران مجاهد وغیور قراربگیرند بیایید دیگر در پی سرنوشت بعدی وطن باشیم .

بزرگان امارت اسلامی افغانستان عزیز!

سپاسگذاریم که حرکت مقدس جهاد را با عزت و وقار کامل تان تا اینجا رسانیده اید وعزت و وقار مجاهدین را به کل جهانیان نشان دادید افتخار تمام مجاهدین و ملت شریف، شما بزرگواران هستید که در راس امور قرار دارید. ملت مثل گذشته انصار و دعاگوی شماست.

شیرینی و لذت اتحاد

حکمت الله حکمت

قبل از این در همین سطور از مذمت و زشتی اختلاف و تشتّت سخن گفتیم. حال بدانیم و بینیم که اتحاد و همدلی چه لذتی و چه فوایدی دارد. حاجت به گفتن نیست که به همان مقدار که اختلاف و چنددستگی و تفرّق ناپسند و زشت است، به همان اندازه وحدت و همدلی و همفکری پسندیده و مطلوب و لذت بخش است.

چرا وحدت و همدلی لذت بخش نباشد حال آنکه نشان دهنده قدرت و اقتدار یک قوم، ملت و کشور است؟ چرا وحدت و یک رخی مطلوب نباشد حال آنکه مطلوب مسلمانان همین است؟ چرا ما متحد نباشیم، حال آنکه دشمنان برای رسیدن به اهداف و مقاصد شوم اما مشترک شان اتحاد دارند و اتحادیه تشکیل می دهند؟!

وحدت و همدلی غیر از فواید دنیوی که دارد و هیچ عاقل و دانایی افادیت و ضرورت آن را انکار نمی کند، یک فریضه و امر الهی نیز می باشد. الله متعال صراحتا از تفرق و فرقه فرقه شدن منع فرموده است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا.» هم دستور به اتحاد و چنگ زدن به ریسمان الهی است و هم نهی از تفرق. اختلاف نظر امری طبیعی بین انسان ها محسوب می شود که خداوند آنها را نعمت عقل و تعقل عطا فرموده است. اما تفرق و فتنه انگیزی به خاطر اغراض شخصی و حزبی و گروهی و اختلافات سلیقه ای و فکری ممنوع است.

مردم شجاع و غیور افغانستان که چندین سال است به علت مداخلات بیجا و تجاوزهای نظامی کشورهای دیگر رنج می برند، هیچ گاه محبت دین و عشق به شریعت از دلهایشان زدوده نشده است. در حقیقت بسیاری از مشکل تراشی ها برای ملت افغان برای دور نگه داشتن آن از شریعت غزای محمدی است تا به جای محبت، بذر نفرت از شریعت و سنت در دلهایشان ریشه بدواند. اما به برکت نصرت الهی و الطاف خداوندی و تلاش های مستمر و خالصانه عالمان مخلص و مجاهدان جان برکف این بذرها به گرد وغبار چشمان پلید مکاران و دسیسه جویان تبدیل شده است.

تأسیس امارت اسلامی افغانستان که برخاسته از دل مردم است و با مفکوره کاملا اسلامی و دینی همگام با نیازهای جدید بشری منطبق است، نعمتی به غایت کلان برای ملت افغانستان و حتی امت اسلامی به شمار می آید. هرچند دشمن که نمی خواهد آفاقی بودن دین اسلام و جامعیت آن را بپذیرد، برای زشت و ناکارآمد جلوه دادن شریعت اسلامی از هیچ کوششی دریغ نکرده است، اما خداوند علی رغم مکاری دسیسه گران و تلاش دشمنان، دینش را نصرت می کند.

در اوان اخیر همواره دشمنان تلاش داشتند نشان دهند امارت اسلامی منقسم است و در امر مذاکرات برای خروج عساکر خارجی و بیگانه بین رهبران سیاسی و فرماندهان عسکری اختلاف وجود دارد. اما حضور قوی و غرورآفرین نماینده گان امارت اسلامی در نشست ماسکو و سپس ابوظبی پرده از تمام ادعاهای باطل دشمن برداشت و همه اعتراف کردند هیئت های سیاسی و عسکری در نشست ابوظبی شرکت نموده و موقف خود را به تفصیل به اطلاع هیئت های مختلف حاضر رساندند.

این پیروزی های پیهم نتیجهء تلاش ها و مجاهدت هایی است که خون هزاران مجاهد و زن و مرد افغان برایش ریخته شده و رهبران با درایت امارت اسلامی با حفظ اتحاد اجازه نداده اند این ایثارها و جان فشانی ها به هدر رود. لازم است علاوه بر شکر و حمد خدای منان، برای حفظ این وحدت و همدلی تلاش شود تا طعم این شیرینی به کام مسلمانان تلخ نگردد.



بعد از آزادی...

موفق افغان

اکنون که به فضل خداوند متعال نوید و مژده های پیروزی از خیلی ها قریب به گوش می رسد و دشمن اشغالگر در حال مذاکرات و گفتگوها جهت پیدا کردن راه های حل برای خاتمه دادن به جنگ و اشغال با مجاهدین می باشد، وظیفه و مسئولیت مجاهدین و مبارزین سنگین تر و مهمتر از گذشته می گردد. مرحلهء بعد از آزادی حساس تر و دشوارتر از مرحلهء جنگ و مبارزه می باشد و حرکت های زیاد آزادیخواه اگرچه در مراحل جنگ و مبارزه بر دشمن غلبه پیدا کرده و پیروز می شوند مگر نمیتوانند از مرحله حساس بعدی موفق به در آیند و متأسفانه در نتیجه تمامی قربانی ها و مبارزات شان به هدر می رود. در مرحله بعد از آزادی همیشه مجاهدین و مبارزین با چالش ها و مشکلات جدیدی مواجه می شوند که در زمان جنگ و جهاد به آن نسبت عدم نیازمندی به آن فکر نمی شود.

در مرحلهء بعد از آزادی، علاوه بر مسئولیت های جدید همچو ایجاد یک نظام عادل با پایه های مستحکم و خدمت به مردم، مجاهدینی که جدیدا از پیروزی خود تجلیل می کنند مواجه با دسایس و فتنه های پنهان و خطرناکی می شوند که دشمن شکست خورده بخاطر ضربه زدن آنان و ناکام جلوه نمودن مبارزه شان اقدام به ایجاد آن می کند. دشمن شکست خورده هرگز آرام نمی گیرد بلکه در تلاش پیدا کردن خلاها و شگاف ها در نظام جدید ایجاد شدهء مجاهدین می باشد و سعی می ورزد که حتی از موجودیت خلاهای خیلی کوچک استفاده اعظمی کرده و مشکل بزرگی را ایجاد کند.

بسیاری از اشتباهات و مشکلاتی وجود دارد که در مرحلهء مبارزه و جنگ میتوان آنرا تحمل کرد و در موجودیت آن مبارزه را به پیش برد مگر در مرحلهء بعد از فتح و پیروزی، اندک ترین اشتباه باعث شکست و ریخت نظام و دگرگونی آن می شود زیرا در مرحلهء ابتدایی مردم عام به امید اینکه روزی جنگ و مبارزه خاتمه یافته و مشکلات حل می گردد می توانند از بعضی از مشکلات موجود چشم پوشی کرده و خود گزری نمایند اما هر نوع تخلف و اشتباه که در مخالفت با توقع مردم در مرحلهء فتح و پیروزی انجام می یابد باعث عکس العمل و واکنش شدید مردمی می گردد که سالها منتظر صلح، آرامش، نظام و اداره در امور و زندگی خود بوده اند.

اگر نظر سریعی به جهاد در مقابل اشغالگران بیاندازیم در می یابیم که مردم عام قربانی زیادی در این راه دادند و متحمل تکالیف و مشکلات زیادی شدند. با وجود اینهمه مشقت ها و دشواری ها، بیشتر مردم با مجاهدین همکاری و مساعدت نمودند و وجیبهء ایمانی حمایت و پشتیبانی

از جهاد و مجاهدین را به نحو احسن آن انجام دادند. مبالغه نخواهد بود اگر گفت که بدون همکاری و مساعدت مردم عام ممکن نبود که مجاهدین در مقابل این همه قوت ونیروی خارجی مجهز با تمام این اسلحهء مدرن مبارزه و مقاومت نموده و سفر پیروزی را طی نمایند.

بنابر این امور، مردم عام مستحق رعایت خاص و احترام در مرحله فتح و پیروزی اند. آنان توقعات خیلی زیاد از مجاهدینی دارند که همیشه از همکاری و مساعدت مردم مستفید شده بودند و گاهی باعث شده بودند که مردم عام به سبب موجودیت آنان مورد تعذیب، شکنجه، بمباردمان، تلفات و خسارات توسط اشغالگران و یا اجیران داخلی آنان قرار گیرند. بعد از آزادی وقت آن فرا می رسد که شکر و امتنان از این مردم بجا آورده شود و این نه تنها وجیبه اخلاقی و نیازمندی ساخت یک حکومت قوی با پشتیبانی مردمی است بلکه یکی از تقاضای شرع نیز می باشد زیرا بجا آوردن شکر و ابراز امتنان آنان با تقدیم خدمت، تسهیل امور، احترام و توقیر آنان ادای آن دین و قرضه یی است که آنان در جریان مبارزه و جهاد برای مجاهدین تقدیم کردند چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: "من لم یشکر الناس لم یشکر الله"، «کسی که شکر مردم را بجا نمی آورد، شکر خداوند را بجا نمی آورد".

در موضوع فوق هیچ اختلاف نظری وجود ندارد اما گاهی در مرحله بعد از فتح و پیروزی اشکال به وجود می آید که کدام مردم همراه مجاهدین همکار بوده و متحمل مشکلات شده اند و کدام مردم برعکس در تقویت صف مخالف اعم از اشغالگران و اجیران داخلی آنان نقش فعال داشتند. حقیقت اینست که این موضوع خیلی دشوار است و تفکیک آن بدون داشتن اسناد و شواهد عملا ممکن نیست. بنابرین این یکی از چالش های مهم و برازنده برای مجاهدین خواهد بود زیرا نمیتوان مردم را بر اساس قوم، زبان، ملیت، سکونت، ولایت، ولسوالی و یا هم قریه تفکیک کرد. قریه جاتی شاید وجود داشته باشند که ظاهرا مردم آن حامی و پشتیبان اشغالگران و یا اجیران باشند مگر در داخل این قریه جات خانواده هایی وجود خواهند داشت که قربانی های آنان و حمایت شان از جهاد و مجاهدین فراموش ناشدنی و برای مجاهدین حیاتی می باشد لذا ممکن نیست به این شکل حکم و یا فیصله گردد.

و یگانه راه حل در تعامل با این وضعیت همان راه و طریقهء است که رسول الله صلی الله علیه وسلم بعد از فتح اختیار نمودند. تمامی مردم را بشمول کسانیکه در آزار و اذیت دهی شخص رسول الله صلی الله علیه وسلم عملا دست داشتند مورد عفو قرار دادند و با آنان رویه و سلوک نیک اختیار کردند و حتی مجاهدینی که قبل از دخول به مکه شعار دادند که امروز روز خون ریزی است هشدار داده و تنبیه کردند که نخیر امروز روز انتقام نه بلکه روز محبت و یک دلی است. در نتیجهء همین اخلاق و سلوک رسول الله صلی الله علیه وسلم و اصحاب رضوان الله علیهم اجمعین با مردم اعم از موافق و مخالف، محبت دین در دل مردم جاگزین گردید و دیری نگذشته بود که همه مردم ایمان آوردند و از گذشته های خود اظهار ندامت و پشیمانی کردند.

مجاهدین نیز باید همین منهج را به پیش بگیرند. در مرحلهء بعد از فتح و پیروزی شکر خداوند را با تقدیم خدمت و احترام به تمامی مردم ستمدیدهء افغانستان بجا بیاورند. میان قوم ها، ملیت ها و ولایت ها تفکیک نکنند. بدون اسناد و شواهد به هیچ کسی به نظر شک و شبهه نبینند و باعث آزار و اذیت آنان نگردند. علاوه بر فتح نظامی و عسکری مناطق، دل های مردم را توسط اخلاق و رویهء نیکوی خود فتح کنند و در دل های مردم جا پیدا کنند. و این یگانه راهی است که میتوان در توسل به آن، دسیسه های دشمن را خنثی کرد و حمایت مردمی را از آن خود کرد. این راهی است که باعث جلب رحمت و برکت از جانب خداوند متعال می گردد. رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: "ارحم من فی الأرض یرحمک من فی السماء"، «بر کسانی که در روی زمین اند رحم کن تا آنکه در آسمان است بر تو رحم کند». این رحمت، شفقت و احترام باعث استحکام ریشه ها و پایه های حکومت اسلامی می شود و بعد از این استحکام احدی نمیتواند آنرا متضرر سازد و یا میان حکومت و مردم درز ایجاد کند. عفو، صلح و صفا بعد از قدرت رسیدن اجر بزرگی دارد که از بس بزرگی آن خداوند متعال این اجر را خود بدوش می گیرد چنانچه می فرماید: (فمن عفا وأصلح فأجره علی الله)، «اگر کسی (به هنگام قدرت) گذشت کند (و میان خود و جانب مخالف خود) صلح و صفا نماید، پاداش آن کس با خداوند متعال است.»

و در اخیر مجاهدین پیروز و غالب بر دشمن باید بدانند که چنان گفته شده است و تاریخ نیز این را ثابت ساخته است حکومت با کفر و فساد به پیش می رود اما با ظلم و ستم نمیتواند باقی بماند، لذا تمام تلاش مجاهدین باید بر اطراف همین محور اساسی بچرخد و آن اینکه چطور می توانند مسئولیت خودرا در مرحلهء بعد از فتح و آزادی در قبال مردم ستمدیده و رنجدیده ادا نمایند و در راستای ادای این مسئولیت دچار مشکلات و یا مرتکب خطا و اشتباه نشوند.



افغان اولس ته د اشغالګرو د کریسمس ډالۍ

زخمی افغان

د ۲۰۱۸ میلادي کال وروستی شپې د نړۍ په ډیرو برخو کې د مختلفو هیوادونو اتباع د خوښۍ د اختر په حیث لمانځې. په دې شپو کې د خوښیو، اورلوبو او بیلابیلو تماشو میدان ګرم وي. له فیجي او سیدني واخله بیا لاس آنجلس او د بحر الکاهل تر ختیځو غاړو. . . نړیوال له مستیو په ځان پورې حیران وي. د عیسوي نړۍ ماشومان د بابا نوئل تحفو او هدیو ته لارې څاري. په میله ځایونو او سمندرغاړو کې بیلابیلو عیشونو او جشنونو ته تیاری نیول شوي وي.

خو راشئ وګورو چې د عیسوي نړۍ زورواکان په دې ورځو کې زموږ اولس ته کومه ډالۍ له ځان سره لري؟ هغه امریکا او اروپایي اشغالګر چې دلته د سولې، بشرپالنې او عدالت(!) له شعار سره راغلي وو. هغوی چې ویل یې تاسو ته بیارغونه، پرمختګ او هوساینه راوړو، مګر نن چې د عمل میدان دی، د بشرپالنې مدعیان د وحشت په متصدیانو بدل شوي دي. هره شپه بمبار، هره شپه چاپې ، د کلیو وارنول، د ماشومانو وژل او د بې ګناه معصومو انسانانو په وینو کې شتړول . . . له دې علاوه د اولس دتحقیر، تعذیب، زنداني کولو او کورونو ورانولو او د مال او اسبابو د غلا او لوټمارۍ واقعات دهرې ورځې خبر ګرځیدلی .

خبره مو افغان اولس ته د امریکایانو د لخوا د نوي عیسوي کال د ډالیو وه. د ۲۰۱۸ کال په وروستی شپه د ډسمبر په ۳۱ مه په داسې حال کې چې د نړیوالې بشرپالنې او هوساینې مدعیان په خپلو هیوادونو کې د کریسمس په خرمستیو بوخت ول، او په بیلابیلو هیوادونو کې د نوي کال په افتخار د اور لوبو جشنونو روان ول. په همدې شپه امریکایي ځواکونو د خپلو محلي ګوډاګیانو سره په ګډه د پکتیا په زرمت کې د یوه قومي مخور (محمد نعیم) پر کور چاپه ووهله. قومي مشر محمد نعیم چې له هیڅ سیاسي اړخ سره یې تړاو نه درلود، امریکایانو د یوه ورور او درې تنو ځوانانو زامنو په شمول(چې درې واړه د پوهنتون محصلین وو) له خپلو بسترو را ولاړ کړل، وروسته یې په مرمیو غلبیل، کور یې په منفجره موادو ورته والوزاوه، قیمتي توکي یې غلا او موټر یې ورته وسوځول.

دغه قتل عام او جنایت، افغان مظلوم اولس ته د هغو



عملیات د ځانګړو ځواکونو د عملي تمرین په حیث ترسره کیږي او که علت یې کوم بل دی؟ په دغو عملیاتو کې د وژل شویو وګړو خپلوانو چې تراوسه کومې مظاهرې کړې، یوازینۍ غوښتنه یې دا ده چې دوی ته دې د دې بې دلیله وژنو دلیل او علت په وروښودل شي. آخر دوی ولې قتلیږي؟؟؟
د پکتیا د زرمت پیښه وروستۍ او یا ړومبۍ نه ده، بلکې د اشغالګرو لخوا د بې ګناه وګړو وژل اوس د هرې ورځې کیسه ګرځیدلې. رسنۍ دغو قتلونو ته یوازې همدا پرتوګ ور اغوندي چې په سیمه کې طالبانو شتون درلود. په داسې حال کې چې د دې ادعاء د ثبوت لپاره تر اوسه هیڅ کره دلیل نه دی وړاندې شوی. نړیوال او هیوادوال په سړو سترګو د دې فجائعو ننداره کوي. هیڅوک نشته چې د مهدور الدم افغانانو پوښتنه وکړي چې آخر ولې، په کوم جرم او د کوم قانون له مخې داسې په ناترسۍ قتل عامیږي.
روان قتل عامونه او په وړاندې یې د نړیوالو حکومتونو، سازمانونو، ډلو او شخصیتونو بې پروایي دا ثابتوي چې انسانیت شکست خوړلی، انسانیت یو ځل بیا د جهالت او بدویت زماني ته ستون شوی دی. انسانان که په ظاهره اګر که متمدن ښکاري مګر په اخلاقي لحاظ د ځنګل د قانون تابع دي، چې د کمزورۍ خوړل، تحقیر او تعذیب د ځواکمن قانوني حق ګڼل کیږي.
د اشغالګرو او ګوډاګیانو تر نوم لاندې دغه ځنګلي وحشیان او داړونکي لیوان د دې وړ دي چې د وحشي او مضرو حیواناتو په مرګ ووژل شي. د دوی له ضرره د مظلوم اولس د خلاصون یوازینۍ نسخه د جهادي لیکو پیاوړتیا او د انتقام روحیه د ملت د قاتلانو له منځه وړ دي. دا د هر مؤمن او باوجدان انسان فریضه ده چې د مظلومانو دفاع ته راوړاندې او د بېچاره اولس قاتلان د خپلو شنیعو اعمالو په سزا ورسوي.

پرغلګرو د نوي کال ډالۍ ده چې اوولس کاله پخوا دې هیواد ته د بشرپالنې، بیاجوړونې او عدالت له شعار سره راغلي وو. خو دغه د بشردوستۍ مدعیان اوس په بې رحمه قاتلانو او داسې دهشتګرو بدل شوي چې له پرمختللیو وسلو، ډرون الوتکو، چورلکو او درنو وسلو څخه په استفاده د عام اولس کورونه ورانوي، قتلونه کوي او په بې دفاع اولس خپل وحشت تجربه کوي.
انساني عقل د دغسې وحشتونو په توجیه او دلیل موندلو کې حیران پاته کیږي. چیرته چې هیڅ نظامي هدف شتون نه لري. یوازې بې غرضه عام وګړي په خپلو غریبانه جونګړو کې ژوند کوي. معصوم ماشومان او زنانه په خپلو کورونو کې په ارام خوب ویده وي.یو ناڅاپه په چورلکو او پرمختللیو وسلو سمبال ځانګړي ځواکونه د کور دروازه او دیوال په بمونو ورته الوځوي. په خوب ویدو ماشومانو او ښځو باندې هجوم وروړي. پرته له دې چې د کور خلکو ته د وژلو، تعذیب او تحقیر سبب روښانه شي، اشغالګر د وږیو لیوانو غوندې وربانديې حملې کوي. په قسماقسم زړه بوږنوونکو طریقو یې وژني. د کور سامان او اسباب یې ورته سوځوي او بالاخره یې ټول کور په بمونو ورته الوځوي.
د دغو ناموجهو جنایاتو له امله بالاخره پوښتنه راپورته کیږي چې آیا امریکایانو په افغان اولس د خپلو ځانګړو ځواکونو د وحشت مانورې پیل کړې؟ آیا د افغان وګړو په جسدونو د سپکو وسلو مرمۍ آزمویل کیږي؟ آیا دغه

گپی با عسکر!

ابو راشد احمدی

سرباز برادرم!
آخرین ایام آشغال است!؟
آخرین ماه های همراهی تو با لشکریان صلیب!
آنها نه بخاطر رفاه تو و نه بخاطر دشمنی با من به خانه مشترک ما حمله کردند!؟ بلکه آن ها بخاطر اهداف بلند مدت وسیطره بر اسیای میانه وتاراج سرمایه های مادی و معنوی ما بخانه من! برادرت و تو برادرم هجوم آوردند آنها همه هستی ما را به یغما بردند!
ایمان مان را!؟ شک داری؟ بروکمی درباره کلیساها ومسلمان نماهای منحرف تحقیق کن!
خاک مان را؟شک داری! برو کمی از بزرگانت پرسان کن که اختیار فضاء وخاک ما در اختیار چه کسانی است؟!
قانون و انسانیت را؟
آیا خبر نداری که برادر مشترک ما که بر روی نیروهای آمریکایی در شیندند فیر نموده بود زیر شکنجه به شهادت رسید؟
عفت خواهران مان را؟
آیا نمی بینی که یک فاحشه را برای خواهران ما قهرمان معرفی میکنند؟
پس برادرم بیا بیدار شو!
تو نیز مثل من آن ها را دشمن دین،خاک، عفت، و ناموس خویش بدان واجازه نده که از این خاک سالم بیرون شوند و تجهیزات نظامی خویش را صحیح و سالم دوباره به آمریکا انتقال دهند!
برادرم بیا باهم تاریخ را تکرار کنیم!!
بیا باهم ریشه کفر والحاد را از خاک خویش ریشه کن کنیم.
برادرم من فقط تو را در سنگر می کشتم چون تو اجازه نمی دهی که من به هدفم که همانا کشتن نیروهای خارجی است برسم و تو سد و مانع من می شوی اما خودت خوب میدانی که هنگامی که خود را تسلیم کردی! با چه مهربانی با تو رفتار کرده ام!
تو من را به نیروهای اشغالگران ومحابس حکومت دست نشانده شان سپردی اما من حتی کرایه رفتن تو بسوی خانواده ات را دادم!
چون میدانستم که روزی پشیمان میشوی و برادرم.
سرباز بیا!
سرباز فرزند این دیار واین خاک پاک، که فعلا با پای ناپاک فرزندان قرده وخنازیر ملوث شده است.

بیا!
چون میدانم کشته می شوی!
اما برای چه!؟
برای کدامین هدف؟
خوب میدانی که من با مرمی های زنگ زده، موتور سیکلت های کهنه در مقابل بی پیلوت های فوق پیش رفته، وتانک های غول پیکر متجاوزین تمام دنیا که تو راه صاف کن شان بودی مبارزه کردم .
هیچ وقت آن لحظه را فراموش نخواهم کرد که جسد برادرم وهمسنگرم را که با خون سرخ لاله گون شده بود برای آخرین بار ملاقات کردم! بلی در دکه سراچه! که بوسیله تو و تحت عنوان دفاع از وطن آن ها را تیرباران کردی اما هدف تو تعصبات قومی وسمتی بود که آتش تعصب خویش را با پول و امکانات متجاوزین بالای فرزندان فقیر وپا برهنه این خاک و بوم افروختی فکر میکردم که هر وقت با یکی از شما ها رو برو شوم تو را با دستان خویش تکه تکه خواهم کرد اما راه من وتو فرق داشت ، احساسم را زیر پا گذاشتم وبرای رهایی تو نزد بزرگان مسئولین ما فوق خویش وساطت نمودم باورم نمی شد!
اما بعد از اسارت تو و مباحثه با تو، تو را مظلوم ظالمان قدرت وچوکی یافتم.
چون هدفم از جهاد قطع دست ظالم و حمایت از مظلوم بود تو را رها کردم!
یادت هست؟ آن روز که شما سه نفر را در شب عید رمضان یوم الشک گرفتم؟
اما فردای آن روز که شب آن یقینا عید بود برای خوشحالی فامیل شما همه شما را رها نمودم!
اما تو!! بعد از اسارت همسنگرانم آنها را تکه تکه کردی وبه رسم یاد گاری بر جنازه آن که بر روی تانک آویزان نموده بودی عکس شهامت وشجاعت گرفتی!
یادت هست که تو را در ۱۹ رمضان از پوسته گرفتم!
اما در بیست هفت رمضان تو را بردم تا برایت موتر لینی پیدا شود و کرایه تو را از پول کسانی دادم که برایم داده بودند تا جهاد کنم!
چون میدانستم خوشحال نمودن مادر و پدرت برایم جهاد بود اما تو......
پس بیا ودیگر بس است از من مردی و از تو نامردی.



نگاهی به وضعیت جهادی در سال ۲۰۱۸ میلادی

زخمی افغان // ابو زبیر

سال هفدهم اشغال کشور نیز به پایان رسید. ۲۰۱۸م سال مهم در جهاد کنونی بر ضد امریکا بود، زیرا دونالد ترامپ پس از بش و اوباما رئیس جمهور دیگر امریکا بود که استراتژی جنگی خود را در قبال افغانستان در سال گذشته تجربه کرد.

ترامپ اگرچه استراتژی خود را در قبال افغانستان در اگست ۲۰۱۷م اعلان کرده بود، اما سال ۲۰۱۸م برای تعمیل و تطبیق این استراتژی در نظر گرفته شده بود. جنرال جان نیکولسن، فرمانده آن زمان نیروهای امریکایی در افغانستان که مسئولیت تعمیل استراتژی ترامپ را بدوش داشت، استراتژی تازه را با حرفهای بسیار مغرورانه استقبال کرد. سال ۲۰۱۸م به اساس این استراتژی با بمباران و جنایات وحشتناک امریکایی ها آغاز شد. رادیوها و رسانه های غربی نیز عرصهء تبلیغاتی را داغ نگه داشتند. اما خداوند متعال مجاهدین را توفیق داد که همچون استراتژی ها و آزمون های پیشین، در برابر این آزمون تازه نیز مردانه وار ایستادگی بکنند.

به اساس استراتژی ترامپ، روستاها و اطراف افغانستان بمباران شد، خانه ها ویران و مردم ملکی شهید شدند و چاپه ها و فاجعه ها افزایش یافت. اما اشغالگران نتوانستند جلو پیشروی های مجاهدین را بگیرند و یا عزم جهادی ملت مسلمان را بشکنند. حتی با گذشت چند ماه، آثار ناکامی استراتژی ترامپ پدیدار شد، حرف های زورگویانهء جنرال نیکولسن به زاری های صلح خواهی تبدیل شد، بلکه آن متصدی اصلی استراتژی ترامپ با چشم های افتیده افغانستان را ترک گفت.

فتوحات پیهم ولسوالی ها و مراکز نظامی :

سال گذشته، از لحاظ فتوحات پوسته ها، قرارگاه ها و مراکز نظامی دشمن نیز بی سابقه بود. مجاهدین که نسبت به سابق از لحاظ کم و کیف وضعیت خوبی دارند، به سلاح های خوبی مجهز اند و از تکتیک های جنگی اگاه هستند، با راه اندازی عملیات های ویژه توانستند گلیم رژیم مزدور را از ساحات مختلف کشور برچینند.

اگر از یکسو مجاهدین توسط عملیات های ویژه و حملات پیهم تهاجمی مراکز دشمن را بدست آوردند، از سوی دیگر عساکر دشمن نیز با درک حقائق بجای مقابله، تسلیمی را ترجیح دادند. از این راه کندک ها و قرارگاه های زیادی دشمن با صدها میل سلاح و مهمات زیادی به کنترل مجاهدین درآمد.

به اساس یک احصائیهء تخمینی، سال گذشته بیش از ۷۰ پوستهء دشمن در هر ماه از سوی مجاهدین فتح شده است، نیز ده ها قرارگاه و مراکز یا فتح شده است و یا هم به مجاهدین تسلیم شده اند.

بر علاوه از پوسته ها و قرارگاه ها، مجاهدین مراکز بسیاری ولسوالی ها و حتی بعضی ولایت ها را نیز برای مدت کوتاه تصرف کردند. امارت اسلامی در سال گذشته بر علاوه از فتح شهرهای مرکزی ولایت های غزنی و فراه، مراکز ۲۹ ولسوالی را هم فتح کردند که تفصیل آن به ترتیب ولایات قرار ذیل است :

غزنی: خواجه عمری، جغتو، ده یک، آب بند، مالستان و اندر

فراه : برچمن، اناردره و شیب کوه

فاریاب : بلچراغ و لولاش

ارزگان : چنارتو و چوره
تخار : دشت قلعه و خواجه غار
پکتیا : لجه منگل و جانی خیل
میدان وردک : جلگه و سیدآباد
قندوز : قلعه زال
بدخشان : کوهستان
بغلان : تاله و برفک
بادغیس : دره بوم
زابل : اتغر
دایکندی : اجرستان
بلخ : چاهی
جوزجان : خم آب
سرپل : بلخاب
پکتیکا : خوشامند

نیز مجاهدین مراکز عارضی (نقلی) ولسوالی های جغتو، خواجه عمری و خوگیانی ولایت غزنی را نیز فتح کردند.

تلفات اشغالگران و مزدوران :

در سال گذشته، نیروهای مزدور نسبت به هر سال پیش تلفات بیش تری داشتند. حتی این موضوع در مطبوعات جهانی انعکاس یافت. سازمان سیگار (ادارهء بازرس امریکا) و حتی مقامات رژیم مزدور نیز پذیرفتند که تلفات نیروهای در سال ۲۰۱۸م نسبت به هر زمان افزایش یافته است.

در سال ۲۰۱۸م، به شمول ده ها حملات استشهادی بیش از ۱۲ هزار حملات جهادی در برابر دشمن صورت گرفت و در نتیجه بیش از ۲۰ هزار دشمنان خارجی و داخلی کشته و همین تعداد دیگر زخمی شدند. بیش از سه و نیم هزار وسایط، تانگ، رینجر و موترهای نظامی دشمن از بین رفتند، نیز ۱۷ هلیکوپتر و ۱۰ طیارهء بی پیلوت دشمن سرنگون گردید.

سرکوبی زعامت نظامی دشمن :

سال گذشته، رهبری نظامی دشمن نیز به شدت کوبیده شد و شماری زیادی از فرماندهان نظامی و جنگجویان نامدار دشمن کشته و زخمی شدند. از جمله، فرمانده مشهور پکتیکا عزیزالله کاروان، فرمانده عمومی جنگهای هلمند جنرال عبدالجبار قهرمان، قومندان امنیه قندهار جنرال عبدالرازق، قومندان قطعهء واکنش سریع قندهار جانان ماما، رئیس شورای ولایتی فراه فرید بختور، معاون قول اردوی ۲۰۷ ظفر جنرال نعمت الله خلیل، رئیس امنیت ملی قندهار جنرال مؤمن حسین خیل می توا نام برد. نیز زخمی شدن والی قندهار زلمی ویسا و قومندان ملیشه های ارزگان حکیم شجاعی از دست آورد های جهادی است که رهبری نظامی دشمن را به شدت سرکوب ساخت.

در مجموع، ۲۰۱۸م سال پر از پیروزی ها و پیشرفت های بود که در نتیجه، ساحهء سلطهء امارت اسلامی تقریبا در تمام ولایات کشور دیگر هم گسترش یافت و دشمنان خارجی و داخلی به شدت کوبیده شدند.

فعالیت ها و دست آوردهای فرهنگی :

سال گذشته، فعالیت های رسانه یی تمام ارگان های نشراتی امارت اسلامی بسیار موفقانه به پیش رفت. در بخش نشرات آنلاین، ویب سایت الاماره همزمان در پنج زبان پشتو، دری، عربی، انگلیسی و اردو راپورهای تازه از سراسر کشور، مطالب تحلیلی، مقاله ها، مصاحبه های صوتی، اصدارات بصری و راپورهای ویدیوی را به مراجعین خود می رسانید. در بخش سمعی و بصری، استودیوهای منبع الجهاد و الهجرة نیز وقتا فوقتا اصدارات جهادی و دعوتی و راپورهای کوتاه ویدیوی مجاهدین را نشر کردند.

در سال گذشته، آغاز نشرات رادیوی ایف ایم صدای شریعت دست آورد مهمی بود که اکنون به شمول پایتخت کشور کابل، در شماری از ولایت ها صبح و شام بر موج ۹۹.۲ نشرات منظم دارد.

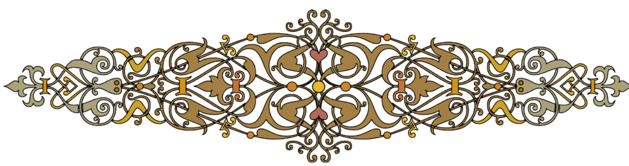
در بخش مطبوعات چاپی، مجله های شهامت، سرک، الصمود، مورچل و حقیقت به گونهء منظم به چاپ رسیدند و شدند و تحلیل های سیاسی و مطالب ادبی و معلوماتی را به خوانندگان خود تقدیم کردند. نیز شاخهء تالیف و ترجمهء بخش چاپی خدمات ارزنده ای داشت. «د سپین کاروان سرلاری» و «شهید امیرالمؤمنین، شخصیت، زعامت و کارنامه ها» دو اثری است که با دیزاین و طباعت زیبا به چاپ رسید.

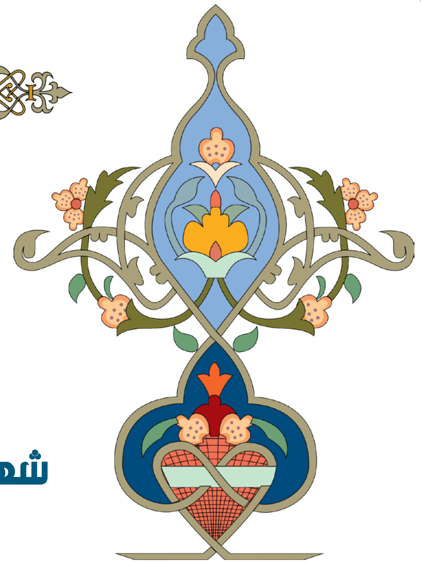
پیوستن به لشکر حق :

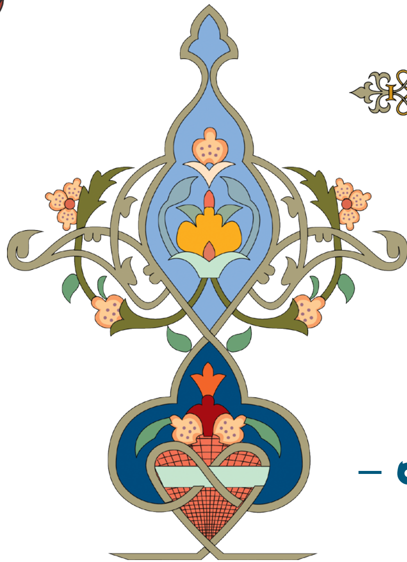
یکی از دلائل عمدهء سقوط تعداد زیادی از مراکز نظامی دشمن در سال گذشته این بود که عساکر و کارمندان دشمن با درک حقائق از همکاری با اشغالگران و رژیم مزدور دست گرفتند و با امارت اسلامی یکجا شدند.

به اساس احصائیهء کمیسیون دعوت و ارشاد امارت اسلامی، حدود ۸ هزار نفری که بیشتر شان عساکر، اربکی ها و دیگر کارمندان نظامی دشمن بودند از همکاری با اشغالگران دست گرفتند و با مجاهدین امارت اسلامی یکجا شدند. آن ها با خود بر علاوه از ده ها وسایط، هزاران میل اسلحه، مهمات و وسائل مختلف النوع جنگی نیز آوردند و به مجاهدین سپردند.

در مجموع می توانیم گفت که سال گذشته از لحاظ نظامی، سال کامیاب و دشمن شکن بود و استراتژی دیگر جنگی امریکا را ناکام ساخت و مجاهدین به نصرت پروردگار فتوحات بزرگی را از آن خود ساختند و ساحات زیادی را از سلطهء دشمن آزاد ساختند.







یادی از دلبند عزیز هلمند

شهید ملاعبدالمنان – تقبله اللّه –

ابو صهیب حقانی

خبر دل انگیز شهادت بزرگمرد عرصه جهاد و مقاومت (ملا عبدالمنان شهید – تقبله الله –) مسئول جهادی در ولایت حماسه خیز هلمند خبری بس دردناک و تکان دهنده بود؛ اما حسب باور به معتقدات اسلامی و مقدرات ایمانی، قلوب همه مومنان را آیه های صبر و ثبات، تسلی بخشیده و از آنجا که آن شهید سعید در راه حق و مبارزه با دشمنان قسم خورده اسلام جام پرافتخار شهادت را نوشیده بود و این در واقع همان مسیری است که هر مبارز رزمنده آرزویش را دارد می‌توان خود را دلجویی کرد و بر روح پرفتوح آن شهید پرافتخار اسلام، سلام و درود فرستاد.

ملاعبدالمنان رحمه الله یک شخص عادی نبود همانگونه که دشمنان در رسانه های خود از وی به عنوان یکی از مقتدرین نظامیان طالب یاد کرده و او را شخصیت مهم و محوری صفت نموده اند؛ در واقع نیز چنین بوده؛ یکی از پرافتخارترین سرداران اسلام در معاصر بود، یکی از شیفتگان راه عزت و آزادی و یکی از جانبازترین فداکاران اسلام که بخاطر عزت دین و آزادی سرزمین خود از هیچ تلاش و تکاپو لحظه ای درنگ نکرد و همواره در مسیر عزت و پیروزی رهرو بود.

شهید ملاعبدالمنان تقبله الله، بعد از شهادت رهبر عالیقدر شهید امیرالمومنین (منصورصاحب) تقبله الله یکی از آن یگانه ستاره های درخشان آسمان جهاد افغانستان بود که چون رهبر عزیزش، عزیز زندگی کرد، عزیز مبارزه کرد و عزیز شهید گردید و دلهای بسیاری را در پی فراقش اندوهگین ساخت؛ اما در عین حال واقعا خوش به حال آن بزرگمرد عرصه جهاد و مقاومت که مردانه وار در مسیر عزت و سربلندی به دست ظالم عصر (امریکای جنایتکار) جام زرین شهادت را نوشید.

شهید ملاعبدالمنان –تقبله الله– نامی آشنا به تمام اهل حق بود نام و آوازه اش از دلِ دشت های هلمند تا کاخ دشمنان پیچیده بود؛ برایِ مجاهدان راه حق، او نماد حق و ایستادگی و سبب روحیه و انگیزه مدافعان اسلام شمرده شده؛ و بر دشمنان چون شمشیر عریانِ حق بود که بر فرق صلیبیان و ایادی اجیر آنها فرود آمده و باربار پوزه اشغالگران را در دیار دلاوردلان هلمند به خاک ذلت مالیده بود، اگر مجاهدان از شهید ملاعبدالمنان –تقبله الله– بسی خاطرات روح افزای و دلخوش کننده دارند به همان اندازه و بلکه بیشتر، دشمنان از شهید ملاعبدالمنان، بدترین خاطرات تلخ زندگی شان را دارند که با جرئت و شهامت مثال زدنی خود خواب راحت اشغالگران را به کابوس جهنم تبدیل کرده بود.

گرچه تحمل فراق آن مجاهد نستوه و فقدان آن مبارز صف شکن سخت و طاقت فرساست؛ اما در عین حال رزمندگی و دوندگی وی در راه خدا و شهادت در مسیر الله پاک آن هم به دست سرسخت ترین دشمنان اسلام کم افتخاری نیست که نصیب شهید ملاعبدالمنان – تقبله الله – گردید؛ لذا ما نیز بر خلاف دشمنان که در چنین مواقع جزع و فزع می‌کنند با ایمان و یقین چند برابر بر رب خود مطمئن هستیم که ان شاءالله هرگز سنگر و جبهه شهید ملاعبدالمنان خالی از شیرصفتان و مبارزان جان برکف نخواهد ماند و شاگردان و همسنگران آن شهید سعید قوی تر از گذشته به سراغ دشمنان خواهند رفت و خواب آسایش را بر آنها حرام خواهند نمود و چنان جانانه خواهند رزمید که دشمنان به جای یک ملا عبدالمنان، با صدها ملاعبدالمنان روبرو شوند.

و ما ذلک علی الله بعزیز

روحش شاد، یادش گرامی و راهش پررهرو باد.



ارزش دارد که صلح بدست آید، چراکه صلح حیات است صلح یک نام دیگری از فلسفه شناخت انسانی است، صلح یکی از صفات انسانی به شمار می رود، مگر زنده جان از آن لذت می برد.

در حقیقت صلح یک نظام است، صلح قلهٔ کامیابی و پیشرفت است، صلح محبت، و احترام متقابل است، صلح سبب خوشی سکون و آرامش می باشد، صلح غنامندی وسعادت است، صلح مسلمان را در فکر جنت فرو می برد، صلح یک بخشی از دین ماست، مگر چگونه صلح ممکن شود این سخن قابل تامل است، زمانی که این گونه انعام و پیغام برای انسان دارد پس ضرورت است که در قرن بیست یکم نگاه شود که انسان های بیچاره وزخمی، که زیر پای سیاست و قربانی هرگونه ایدئولوژی نشود، و ازطبیعت خود بیرون نرود، صلح خود هدف است نباید در چوکات هدف خالی گذاشته شود بخاطر که در همچو حالت صلح نه وجود خود را تثبیت کرده می تواند و نه هم به موقف آن عمل می شود، نیمی از آرزوی صلح آمیز یکطرف میشود، به صلح دروازه می کشائد و به امید آن چشم ها مملو از اشک لکن صلح در نیم راهی باقی می ماند. جفای نابخشودنی درحق صلح اعلان میشود. صلح در روی خط نوشته شده بجای خود باقی مانده تحقق پیدا نمی کند.

قسمیکه مشاهده می کنیم دست خیر به انسان نمی رسد. شما خود به حال زار جهان امروز نگاه کنید که چگونه انسان ها آماج بربریت قرارگرفته و یا می گیرند، هر روز هزارها انسان جان شان را از دست می دهند از ماحول زندگی شان به شکل بی رحمانه رانده می شوند.

از بربریت موجوده کرده همان بربریت چنگیز، و تاتاریان بهتر بود، زیرا وحشت آنها تحت نام بربریت جریان داشت. جریان ظلم و بربریت غربی ها تحت نام صلح، بشر دوستی، خیرخواهی، کمک و دیموکراسی می باشد که انعطاف‌پذیری بربریت های سابقه به بربریت امروزی رسیده نمی تواند، تمام راه های نجات از گرسنگی انسان ها مرگ کودکان که بغیر از اینکه با محبت کاذب پوشش داده شده است دیگر چیزی از صلح واقعی در آن دیده نمیشود، صلح صرف برای یادآوری نام برده می شود، انجام صلح برای تداوم حیات و اصلاح انسان ها یک حقیقت انکار ناپذیر است، صلح پاکی وعدالت است، هر کس بازیکن آن شده نمی تواند، اگر اینطور نمی بود، چرا امروزه صلح برای انسان ها وخاصتأ برای مسلمانان رو نمی آورد؟

چرا در فلسطین هر روز قربانی می دهند و تازه به تازه جوانان خود را به خاک می سپارند؟

چرا هر روز چشم مادران وخواهران کشمیری اشکبار است؟

در سوریه گناهگار کیست، به کیها سزا داده می شود چرا یک قبیله از حیث اینکه مسلمان هستند مرگ دستجمعی را انتظار می کشند؟

در یمن، عراق، مصر و در تمام جهان اسلام مجرمین کیها هستند، در خون خود کیها می تپند از سوء تغذیه و فقر و

نادارى اطفال کیها می میرند، زندانها از کیها پر شده اند؟ عزت و عفت دختران و عروس های جوان مسلمانان روهنگیها را کی ها می درند، چرا در زمین وسیع خدایتعالی راحت شان نمی گذارند؟

چرا هر روز چاقان لاغرها را می خورند، چرا بزرگان خوردان را لگدمال می کنند؟

کجا هستند آن مدعیان ساز و نواز صلح و بشر دوستی؟؟؟ اینهمه ناروایی تاسف‌بار است که انسان را از مراتب شایسته گی به سوی پستی می کشاند .

این سرمداران، و سرکشان وحشی قرن بیست یکم، قدرتمندان کلیسا هستند که دل شان بحال زار انسان ها نمی سوزد، و صلح را نمی خواهند، و با استفاده از زور و زر و قوت و قدرت جنون آمیزشان نمی گذارند که کسی صدای اعتراض خود را بلند کند اینها انسان ها را به گروگان گرفته، در بند بنده گی خود نگهداری می کنند، اینها دعوای فرعونی کرده اند به حدیکه دیگر باید در مقابل شان مثل موسی علیه السلام کسی ظهور کند. تا اینکه روی زمین را از لوث فرعونیان پاک نموده و انسان ها را حفاظت کند، مگر جای افسوس اینست که فرعونیان کنونی آنقدر در جهالت غرق هستند گویا پدر فرعون اصلی شده و حتی از ظهور امثال موسی علیه السلام و از سرنگونی تخت و تاج فرعونی خود ترس نداشته و از ظلم واستبداد نظام شان هیچگونه تشویش ندارند.

چهل سال می شود که میهن ما افغانستان به میدان بازی بازیکنان کفر شرق وغرب مبدل شده است، هر صبح و شام درصفحه تلویزیون ها و دیگر رسانه ها ریختن خون بی گناهان را تماشا می کنیم، مگر خیلی جای افسوس است که ضمیر جهانیان در ارتباط ریختن خون انسان ها بیدار نشده و درحالیکه خوب می بینند باز هم از خود واکنش نشان داده نمی توانند.

هر روز بالای محفل عروسی و قبرستان سلاح کشنده خود را آزمایش می کنند، پنهان نمی باشد باز هم تحت عنوان صلح و دیموکراسی است، اینها در جریان چهل سال مکمل خصوصا زمانیکه فشار بالای شان زیاد شد به یک نوعی از همین نام پاک صلح سرخط می‌سازند، مگر متأسفانه مردم ما تا به امروز نه نغمه صلح را شنیدند و نه روی صلح را دیده و نه هم مزه صلح را چشیدند .

با توجه به اینکه در چهل سال گذشته در افغانستان هر وقت که در نتیجهٔ جهاد به پیمانه وسیع بالای دشمنان غرب و شرق فشار وارد گردیده آنها مجبور شده ریسمان صلح را کشیده و از صلح گپ بزنند امروزه نیز وقتی در نتیجه جهاد مردم افغانستان امریکا با شکست برابر شده مثل عادت هر شکست خورده (امریکایی ها) داکتر زلمی خلیلزاد یک چهره شناخته شده را به صفت مذاکره کننده

در حقیقت صلح یک نظام است، صلح قلهٔ کامیابی و پیشرفت است، صلح محبت، و احترام متقابل است، صلح سبب خوشی سکون و آرامش می باشد، صلح غنامندی وسعادت است، صلح مسلمان را در فکر جنت فرو می برد، صلح یک بخشی از دین ماست .

از بربریت موجوده کرده همان بربریت چنگیز، و تاتاریان بهتر بود، زیرا وحشت آنها تحت نام بربریت جریان داشت. جریان ظلم و بربریت غربی ها تحت نام صلح، بشر دوستی، خیرخواهی، کمک و دیموکراسی می باشد که انعطافپذیری بربریت های سابقه به بربریت امروزی رسیده نمی تواند .

جهت تغییر اوضاع و برگشتاندن ذهنیت مردم انتخاب نمودند تا به هر نحو ممکن از این جنگ طولانی و تباه کننده بیرون بیایند و امید دارند به کمک خلیلزاد شکست ذلت بار امریکایی ها را دوباره تحت نام صلح به مرحلهٔ موفقیت برسانند .

ولی مردم ما باید بدانند هرگاهی صلح با خلیل زاد به شکست مواجه شد نه گناه از افغان هاست بلکه تا حد زیاد بخاطر شخص خلیلزاد خواهد بود چرا که خلیلزاد بخاطر خوش خدمتی به امریکا زیادتر از حد معمول مبارزان و ملت افغان را تحت فشار قرار می دهد چون برای او فقط امریکا مهم است نه نجات افغان ها از مظلومیت.

از آنجا که جهان مسیحیت با اسلام و مسلمانان بسیار زیاد دشمنی دارد به نظر می رسد که خلیلزاد در نتیجهٔ یک تلاش ماهرانه در پی پوره کردن اهداف مذهبی امریکا به میان آمده باشد.

واقعیت آن است که افراطیون مسیحی جهت تخریب و منهدم سازی جهان اسلام در بعضی کشورهای اسلامی از سال ۱۸۶۵ با تاسیس پوهنتون های امریکایی در کشورهای اسلامی از جمله در بیروت لبنان سپس در ترکیه و مصر و متاسفانه در سال ۲۰۰۳ در کابل پایتخت افغانستان توسط کرزی به دنبال پیاده کرده اهداف اهداف خاص استعماری خودشان هستند.

براساس معلومات ما پوهنتون های متذکره برای رسیدن به سه هدف عمده به پیش برده می شوند:

اول – ترویج مسیحیت و یا سیکولاریزم.

چهل سال می شود که میهن ما افغانستان به میدان بازی بازیکنان کفر شرق وغرب مبدل شده است، هر صبح و شام درصفحه تلویزیون ها و دیگر رسانه ها ریختن خون بی گناهان را تماشا می کنیم، مگر خیلی جای افسوس است که ضمیر جهانیان در ارتباط ریختن خون انسان ها بیدار نشده و درحالیکه خوب می بینند باز هم از خود واکنش نشان داده نمی توانند.

خلیلزاد به هیچ وجه صلح واقعی را به اساس فلسفه آن نمی پذیرد بلکه چنان صلحی می خواهد که به بادارهای وی احترام شود و با خروارها فساد آلوده باشد او صلح آغشته با فساد و حیله را می شناسد نه آن صلح واقعی را.

دوم – شستشوی مغزی یعنی کشیدن نور ایمان از فکر و ذهن مسلمانان.
سوم – پالیسی سازی برای تباهی نظام اداری جهان اسلام.
قسمیکه مشاهده می کنیم در نتیجهٔ فساد همین مفسدین جهان اسلام به دهن توپ بسته شده است. زیرا که خیلی از مقامات به یک نحوی خروار خروار فساد را آموختند تا که خود استاد فساد شدند .
اشرف غنی و خلیلزاد از دستاوردهای همچون پوهنتون های آمریکایی هستند.
می گویند (توسط امریکایی ها) در پوهنتون های یاد شده به سویه خیلی عالی سهولت ها را جهت فراگیری و آموزش علوم عصری ایجاد نمودند. و تعداد زیادی از جمله متفکرین نام نهاد مانند خلیلزاد واشرف غنی را از طریق همین پوهنتون ها به پست های مهم حکومتی رسانده اند.
آموزگاران غربی که در محیط آموزش قرار دارند، از نعمت فکر آزاد و از صلاحیت کاری بی نصیب ومحروم اند، از طبیعت مردم خود بی خبر اند. یقینا با چنین پشتوانه متعصب آینده غرب به سوی تباهی نزدیک است زیرا که تربیت شده های شان هرچند به ناز و نعمت دنیا آراسته باشند اما بخاطر نداشتن ایمان از تشنه گی روحی و معنوی رنج می برند.
آنها با آنکه ظاهرا دانشمند اند ولی هیچ از حقایق و اهداف پشت پرده معلومات ندارند و در حالیکه ادعای عالم بودن می کنند اما به حکام ظالم و جاهل خود سجده می کنند.
خلیلزاد یکی از چنین جریان های فکری است او در یکی از مهمترین اداره های تحقیقاتی آمریکا (رینول کارپوریشن) که در بخش سیاسی، اجتماعی، دفاعی، و در امور استراتیژیکی جهان اسلام پالیسی را می سازند فعالیت دارد اداره که مسئولیت آن با خانم یهودی الاصل خلیلزاد است.
می گویند آمریکا جهان صنعتی و جامعه بین المللی وهمچنان اسلام را می خواهد که در قطار نظام های کفری روان باشد این یعنی که آنها به دنبال چنان مسلمانانی هستند که باید دیموکراتیک، ترقی کرده، و دارای اسلام اصلاح شده باشند، اخلاق وقوانین جهانی را بپیذیرند، به عبارت واضح تر یعنی متدین به اسلام آمریکایی باشند.
این هدف شوم استعمار دقیقا شبیه همان پیشنهاد است که سرداران مکه به نبی کریم (صلی الله علیه وسلم) کرده بودند، امروز آمریکا هم برای قبولاندن اسلام مطابق میل خود بالای مسلمانان در میدان برآمده است.
با در نظرداشت موارد فوق باید دانست که خلیلزاد به هیچ وجه صلح واقعی را به اساس فلسفه آن نمی پذیرد بلکه چنان صلحی می خواهد که به بادارهای وی احترام شود و با خروارها فساد آلوده باشد او صلح آغشته با فساد و حیله را می شناسد نه آن صلح واقعی را.
بطور خلاصه در افغانستان آوردن صلح چندان کاری نمی خواهد و نه هم صلح در اینجا به سفرهای طولانی و مصارف گزاف ضرورت دارد، بلکه صلح در اینجا خیلی آسان رخ می دهد تنها مانع اصلی صلح در افغانستان خود امریکایی هاست هر وقت آمریکایی ها و لشکر ناتو (که قاتلان بشریت اند) از این کشور بیرون شوند افغان ها در کمترین وقت شاهد صلح خواهند بود در غیر آنصورت مبارزه افغان ها تا راندن کامل امریکایی ها جریان خواهد داشت و افغان ها این مبارزه را نه یک تکلیف ملی بلکه مکلفیت شرعی خود می دانند.
نوت: این مطلب بخاطر شتاب در ترجمه بعضی حذفیات به همراه داشته است.

***

شیشه هایی به همت فولاد

نویسنده: وحید پویا

دانشمندان جهان وقتی سخن از مهر و عطوفت در میان آید او را مثال زنند، او سمبل مهربانی، الگوی عطوفت و چشمه سار شفقت و رحمت است. او مادر است، کسیکه سختی های و مشکلات بارداری، زایمان، رضاعت و تعلیم و تربیت فرزند را به افتخار می پذیرد و چه بسا که در مقابل این همه زحمات هیچ آهی نمیکشد. با وجود برداشت این همه تکالیف مهر و محبتش به فرزندش کم نمی گردد، بلکه با جوان شدن طفلش مهر و محبت مادر جوانتر میگردد.

اما این مهر و شفقت تنها ویژه ئ مادر نیست و به صورت عمومی جنس زن اعم از مادر، خواهر، خانم و... را شامل است و آنها همه اگر چند به جای مادر نمیرسند ولی در درجه های پاینتر از آن قرار دارند. و به صورت خصوصی مادران، خواهران و زنان مجاهدین در گلشن مهر و شفقت رنگ برجسته تر دارند، طراوت مهربانی شان توجه بر انگیز، سرخی لالۀ دلسوزی شان قابل تأمل و نسیم وفا وصمیمیتش شان طرب انگیز است.

ملا سخی داد فرزند نازدانۀ مادر، طالب العلم خدمتگار و مجاهد صادق بود، مادرش او را خیلی دوست داشت و زمانیکه برای دو و سه روز از خانه غائب میشد، زندگی بالای مادرش تنگ میشد و جویای احوالش میگردید، اما این مادر چون بقیه مادران قندهاری به جهاد و قربانی علاقه مند بودند و فرزندان خود را وقتا فوقتا به آن تشویق می کردند.

در یکی از روزها در ولسوالی دند قندهار یکی از مراکز مجاهدین مورد حمله طیارات امریکایی های صلیبی قرار گرفت، ملا سخی داد به شمول چند مجاهد دیگر جام شهادت نوشیدند. مجاهدین در پهلوی غم و اندوه از دست دادن یاران خود به فکر مادرِ ملا سخیداد نیز شدند و نمیدانستند تا چگونه او را از شَهادت فرزندش آگاه سازند، آنها با خود می گفتند: مادرش تحمل جدایی اش را برای چند روز نمیتوانست و اکنون با خبر شهادتش چه خواهد کرد؟!.

خبر به والدینش رسید و آنها با عجله به محل شهادت فرزند شان آمدند، به امیر مجاهدین گفته شد که والدین ملا سخیداد تشریف آوردند. او پریشان شد و با خود گفت: وقتی مادر ملا سخیداد که نمیتوانست جدایی او را برای چند روز تحمل کند، اکنون جسد تکه تکۀ او را ببیند

چه خواهد کرد؟!
پدر و مادر نزد جسد فرزند خود نشستند و چادر را از روی نازکش دور کردند، مادرش او را مخاطب ساخته گفت: «ما تو را در دنیا نامزاد نکردیم و اکنون تو با حور عروسی می کنی، مبارکت باد! مبارکت باد!!»
پدر ملا سخیداد که توتهٔ جگرش را از دست داده بود سخت غمگین بود و اندوه سر تا پایش را فرا گرفته بود، اما مادر ملا سخیداد او را دلداری میداد و شهادت فرزندش را به او مبارک باد می گفت.
در یکی از شب های سرد زمستان که ستارگان به سوی زمین چشمک می زدند و تشدید سردی را نوید میدادند، طیارات امریکایی ها یکی از مساجد را در ولسوالی دشت ارچی ولایت کندز مورد حمله شبانهٔ خویش قرار دادند وچند تن از مجاهدین را به شمول امیر شان مولوی عبدالله شهید ساختند. مولوی عبدالله شخصیت مجاهد و دلاور و عالم دعوتگر از مربوطات مرکز ولایت کندز بود. فردا حینیکه جنازهٔ وی حمل میشد، صدای خواهرش را شنیدم که می گفت: «برادر جان! شهادتت مبارک! شهادتت مبارک!»



اینها قصه های خیالی و داستان های ساختگی نیست، بلکه به عنوان نمونه از صبر و تحمل و فداکاری زنان مسلمان افغان است، زنانیکه به قیمت جان خود اولاد های خویش را تربیه می کنند و سپس آنها را به سنگر می فرستند تا علیه دشمنان دین برزمند و سرزمین مسلمانان را از چنگال آنها آزاد سازند.
وقتی این داستانها و امثالش را می شنوی فکر و هوشت تو را به صدر اسلام می برد و شهکاریهای آنها را در خاطرت زنده می سازد. آری! اینها خواهران دینی و فرزندان یک دین اند و توصیه اولین شان برای آخرین شان همین است.
مادری از فراه به ملاقات فرزند اسیرش به پل چرخی می آید و با وی ملاقات می کند، ملاقات به درازا نمیکشد، پس از چند دقیقه صحبت با فرزندش دست به پشت او میزند و میگوید، فرزندم ما را شرمنده نسازی، سربلند زندگی کن و آزاده باش!
در مثل مشهور گفته شده که: "زن با یکدست گهواره و به دست دیگر جهان را حرکت میدهد"، این یک سخن معقول و حقیقت است. بلی! مادران مسلمان و مجاهد جهان را حرکت میدهند، همت والا و شجاعت بی نظیر آنها باعث گردیده تا پشت تمام جهانگشایان و قهرمانان دست آنها باشد. به راستی آنها جهانگشایان و فاتح کشورها و قلب ها اند. آنها با وجودیکه از لحاظ جسامت ضعیف اند و از لحاظ قوت بدنی نسبت به مردان ناتوان تر اند، و به تعبیر رسول الثقلین آنها شیشه اند، اما همت و شجاعت شان بلندتر از کوه ها است.
درد و رنجی که در فقدان فرزندان به مادران نازل می گردد، اگر به کوه ها حمل شود، توانای برداشت آنرا ندارند، ولی این مادر است که آنرا تحمل می کند و چه بسا که به خاطر فقدان عزیزش هیچ آهی نمی کشد و با این کلمه که (به تقدیر راضی ام) دیگران را ساکت میسازد.
دین اسلام به مدد و همکاری الله عزوجل و سپس با خون فرزندان جان فدا و سلحشوران قهرمان این دین نگهداری، آبیاری و حراست میشود، همانطوریکه فطرت انسانی بر تدین سرشته شده است و بدون دین نمیتواند زندگی کند بناء به خاطر حفظ عقیده و کیش خود به قیمت جان خود فداکاری و سعی میکند.
چیزی که نباید از آن چشم پوشید و اهمیتش را نادیده گرفت این است که درین معرکه و درین رویاروی های تاریخی تنها مردان نیستند که خون میدهند، سر میدهند و از دین حفاظت میکنند بلکه زنان هم گام به گام آنان در راه حفاظت ازین دین و ارزشهایش قربانی های قابل ستایشی تقدیم کرده اند و میکنند. اما کمتر دیده شده که از آنها ستایش شود، قربانی ها، فداکاری ها، جان فشانی ها و تلاش های قابل تمجید شان تمجید گردد، ذکر شود و به مردم بیان گردد.
سخن خود را با این قول الله عزوجل که درین مژدهٔ بزرگی به انسان های نیک عمل، اعم از مرد و زن، داده است به پایان می بریم، می فرماید: «**مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ**» ترجمه:(هر کسی که کار شایسته ای انجام دهد، (خواه) مرد باشد یا زن ، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می داریم ، و مسلماً پاداششان را به (حسب) بهترین اعمالی که انجام می دادند ؛ به آنها می دهیم.)



امریکا در آزمون بزرگ افغانستان

حبیبی سمنگانی

در این سالهای اخیر، آگاهان سیاسی و نظامی به این باور بوده اند که امریکا در موضوع افغانستان مسیر روشن ندارد و حتی نمی داند سرنوشت و عاقبت جنگ افغانستان چه خواهد شد، به ویژه دولت ترامپ از ابتدا پریشان بود که چه استراتژی و چه پالیسی می تواند امریکا را از این سردرگمی و آشفتگی بزرگ نجات دهد. اعزام عساکر اضافی، سپردن جنگ به شرکت های خصوصی، کاهش دادن هزینه های مالی و........ گزینه های بود که دولت ترامپ باید یکی آن را انتخاب می کرد. اما تضمینی وجود نداشت که این گزینه ها سرگردانی امریکا را پایان خواهد داد.

دونالد ترامپ بالاخره بعد از ماه ها رای زنی به تاریخ ۲۲ اگست ۲۰۱۷م استراتژی خود را در قبال افغانستان و آسیای جنوبی اعلام کرد. کاملا روشن بود که استراتژی ترامپ استراتژی جنگی و بر مبنای گزینهء «اعزام عساکر اضافی» و تشدید حملات و بمباران ها تشکیل یافته بود. این استراتژی نیز بالاخره ناکام شد و سیگار (ادارهء بازرس کمک های امریکا) و مقامات بلند رتبهء امریکایی بر ناکامی این استراتژی مهر تائید گذاشتند.

اما واقعیت اینست که اعلان استراتژی جنگی ترامپ بسیاری ها را به حیرت درآورده بود و بدون شک غیر منتظره بود. حتی گفته می شد که این استراتژی در حقیقت ابتکار ترامپ نیست بلکه از سوی حلقات مقتدر نظامی امریکا بر ترامپ تحمیل شده است. زیرا ترامپ که همواره منتقد جنگ افغانستان بود و حتی در کمپاین های انتخاباتی و نوشته های تویتری اش جنگ افغانستان را بارها بی فایده خوانده بود، حالا چگونه بر تداوم و تشدید آن پافشاری می کرد.

ناکامی استراتژی جنگی در افغانستان، ترامپ را به شدت تکان داد. روزنامهء نیویارک تایمز در وسط جولایی ۲۰۱۸م در گزارش خود خبر داد که دونالد ترامپ به دیپلمات های ارشد کشور خود دستور داده است که آمادهء مذاکرات مستقیم با طالبان شوند. این در حقیقت چرخش و یا تنزل بزرگ امریکا در قبال معضل افغانستان بود و گویا امریکا بالاخره به این موقف معقول طالبان رو آورد که گفتگوها باید در بین دو طرف واقعی جنگ صورت بگیرد، تا مثمر تمام شود. مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا پیش از آغاز گفتگوهای مستقیم در بیانیه ای گفت که هیچ پیش شرط برای مذاکرات مطرح نیست و همه چیز از جمله بحث حضور نیروهای آمریکایی و ناتو در افغانستان می تواند جزو مذاکرات با طالبان باشد.

قابل ذکر است، امریکا با وصف اینکه طرف اصلی و اساسی جنگ افغانستان بوده، همواره از گفتگوهای مستقیم با طالبان انکار داشت و طالبان را تحت عنوان «گفتگوهای بین الافغانی» به گفتگو با ادارهء کابل دعوت می کرد. هدف امریکا از این کار جز ضیاع زمان و فریب دادن جامعهء جهانی چیزی دیگری نبود. زیرا همه می دانستند ادارهء کابل که صلاحیت برکناری مامور پایین رتبهء خود را ندارد و در تمام عرصه های حکومتداری و حتی برای بقای خود مرهون احسان امریکا است، چگونه می تواند در مورد خروج نیروهای امریکایی (که موضوع اساسی مذاکرات است) تصمیم بگیرد. آیا تا هنوز غلامی توانسته است در مورد سرنوشت آقای خود فیصله بکند ؟

واقعیت اینست که اعلان استراتژی جنگی ترامپ بسیاری ها را به حیرت درآورده بود و بدون شک غیر منتظره بود. حتی گفته می شد که این استراتژی در حقیقت ابتکار ترامپ نیست بلکه از سوی حلقات مقتدر نظامی امریکا بر ترامپ تحمیل شده است.

به هر کیف، دونالد ترامپ با تعیین زلمی خلیلزاد به حیث نمایندهء ویژهء امریکا برای صلح افغانستان وارد فاز جدیدی شد. تا هنوز سه بار گفتگوهای مستقیم در بین نمایندگان سیاسی طالبان و مقامات امریکایی صورت گرفته است. بار سوم، این گفتگوها با نظارت نمایندگان پاکستان، عربستان سعودی و امارات متحدهء عربی (کشورهای سه گانهء اسلامی که دولت امارت اسلامی را به رسمیت شناخته بودند) در ابوظبی صورت گرفت. موضوع محوری این گفتگوها خروج نیروهای خارجی به ویژه امریکایی ها از افغانستان بود و بعضی موضوعات دیگر از قبیل رهایی زندانیان و تلفات ملکی نیز شامل آجندای بحث ها بود.

ترامپ به تاریخ ۱۹ دسمبر ۲۰۱۸م ناگهان از خروج نیروهای امریکایی از سوریه خبر داد و سپس در پیام تویتری اش نوشت که امریکا نمی خواهد پولیس خاور میانه باشد. همزمان رسانه های امریکایی خبر دادند که ترامپ قصد دارد نصفی از نیروهای خود را (که تقریباً ۷ هزار عسکر می شود) از افغانستان خارج بکند.

جیمز متیس، وزیر دفاع امریکا در واکنش به این تصمیم ترامپ به تاریخ ۲۱ دسمبر از سمت خود استعفا داد و طی استعفانامه ای که دران بر سیاست جدید ترامپ انتقاد شده بود اعلان کرد که در ماه فبروری ۲۰۱۹م به وظیفه اش در پنتاگون پایان می دهد. اما ترامپ بدون اینکه به انتظار ماه فبروری باشد پاتریک شاناهان، معاون وزارت دفاع را جانشین جیمز متیس انتخاب نمود و اعلام کرد که شناهان از اول جنوری ۲۰۱۹م رهبری پنتاگون را بدوش می گیرد.

جیمز متیس پیشینهء طولانی حضور در دولت های امریکا دارد. او که به سگ دیوانه مشهور است در دوره های ریاست جمهوری جورج بش پسر، بارک اوباما و ترامپ در سمت های مهم دولت امریکا و سازمان های ملل متحد و ناتو وظیفه انجام داده است. متیس که خدمات ۴۴ سالهء نظامی در ارتش امریکا داشت در می ۲۰۱۳م از سوی بارک اوباما جبراً متقاعد شد. زیرا او بر خلاف سیاست اوباما، خواستار درگیری نظامی با کشور ایران بود. از همینست که دونالد ترامپ به او طعنه داد که این من بودم که (پس از اخراج اهانت بار از سوی اوباما) فرصتی دوباره و امکانات بی سابقه ای به او دادم. قابل ذکر که اختلاف ترامپ و متیس از چندی به این سو موضوع بحث ها در رسانه ها بود و برکناری متیس برای بسیاری ها تعجب آور نبود. گفته می شود که ترامپ در این اواخر او را بجای که احتراماً سگ دیوانه خطاب بکند به سگ معتدل یاد می کرد.

خروج نیمی از نیروهای امریکایی از افغانستان گامی خوشایند و ارزنده ای برای پیشرفت گفتگوهای صلح بین امریکا و طالبان است. اما شاید ترامپ در راستای تطبیق این پلان خود با چالش ها و آزمون های بزرگی از سوی حلقات مخصوص اما نیرومند کشور خود مواجه شود. بلی، حلقات نظامی، تسلیحاتی و استخباراتی که فایدهء خود را در ادامهء جنگ ها می بینند. استعفای متیس یقینا بخشی از این چالش ها است.

رسانه های مشهور امریکایی که در گذشته حامیان سرسخت پالیسی های مهاجمانهء جورج بش در قبال افغانستان و عراق بودند، با اوج گیری تنش ها میان ترامپ و متیس به حمایت متیس پرداختند و چند روز پیش از استعفای متیس، او را آخرین مرد عاقل در دولت ترامپ خواندند. از دیدگاه این رسانه ها، متیس کسی بود که متحدان سیاسی و نظامی امریکا را به ویژه به کشورهای که در تهاجم

نظامی امریکا بر افغانستان، عراق و سوریه همنوا بودند در مورد برخورد و سیاست بعدی امریکا اطمینان می داد. بر خلاف ترامپ که با بیانیه ها و تویت های طعن آمیز خود به آن ها همواره دردسر پیدا می کند (قابل ذکر است که چند روز پیش از اعلان ترامپ، متیس به صراحت اعلان کرده بود که امریکا هرگز نیروهای خود را از سوریه خارج نمی کند).

اصلا تشکیل ابتدایی کابینهء ترامپ، متحدان و هم پیمانان امریکا را خیلی ها خوشحال ساخت، زیرا جنرالان نظامی که در دورهء جورج بش در جنگ های افغانستان و عراق سهم گرفته بودند و گویا برای تطبیق برنامه های جنگی امریکا و هم پیمانان آن وارد کارزار شده بودند، از سوی ترامپ به وظائف مهم گماشته شدند. این شاید از شومی بخت ترامپ بود که چنین کسانی را در کابینهء خود جا داد که با دیدگاه و باورهای او در مورد سیاست های خارجی و امور نظامی هرگز اتفاق نداشتند.

او بر علاوه از جیمز متیس، مک مستر را در ماه دوم ریاست جمهوری خود (بعد از استعفای مایکل فلین) به حیث مشاور امنیت ملی تعیین کرد. مک مستر که سابقهء اشتراک در جنگهای افغانستان و عراق داشت، تنها ۱۳ ماه با ترامپ ماند و پس ازینکه رابطهء او با ترامپ به وخامت گرائید در اپریل ۲۰۱۸م از سمت اش برکنار شد.

رسانه ها و حلقات حامی جنگ، از حرف های جنرال مک کنزی، مدیر عمومی ستاد مشترک ارتش امریکا برای ابقای نیروهای امریکایی در افغانستان استدلال می کنند. مک کنزی، جنرال سه ستاره ای امریکایی به تاریخ ۴ دسمبر ۲۰۱۸م در سخنان خود به کمیتهء دفاعی مجلس سنای امریکا گفت که اگر نیروهای امریکایی از افغانستان خارج

خروج نیمی از نیروهای امریکایی از افغانستان گامی خوشایند و ارزنده ای برای پیشرفت گفتگوهای صلح بین امریکا و طالبان است. اما شاید ترامپ در راستای تطبیق این پلان خود با چالش ها و آزمون های بزرگی از سوی حلقات مخصوص اما نیرومند کشور خود مواجه شود. بلی، حلقات نظامی، تسلیحاتی و استخباراتی که فایدهء خود را در ادامهء جنگ ها می بینند. استعفای متیس یقینا بخشی از این چالش ها است.

شوند، دولت و ارتش افغانستان سقوط می کند.

If the US were to withdraw now it would likely result in the collapse of the Afghan government and the military.

اما نکتهء مهم اینست که هرگاه از مک کنزی پرسیده شده که تا چه مدت ضرورت به حضور نیروهای امریکایی در افغانستان است، او در جواب گفت : نمی دانم.

واقعیت اینست چنانکه تهاجم نظامی امریکا بر افغانستان عاقبت نااندیشانه بود و برای امریکا بسیار گران و سنگین تمام شد، ایجاد و سرپرستی رژیم دست نشانده کابل نیز تنها برای پیشبرد اهداف استعمارگرانهء امریکا در این کشور بود. به ویژه رژیم چند سرهء که به ابتکار جان کیری به وجود آمد، از روز اول برای همگان روشن بود که جز تشدید خشونت های قومی رژیم کابل لازم می دانند، نباید از این حقیقت چشم بپوشند که امروز مردم افغانستان از ظلم، فساد و بی کفایتی رژیم چند سره به ستوه آمده اند و دیگر هرگز امیدی از این رژیم نابکار و بوسیده ندارند.

حالا اگر ترامپ در مورد سرنوشت و عاقبت جنگ افغانستان تصمیم گرفته و در گام اول نیمی از عساکر امریکایی را از افغانستان خارج می کند، این گام او قابل تقدیر است. اما باید دید که او با چالش های که در این راستا مواجه می شود چگونه مقابله می کند.



به مناسبت سومین سالروز وفات
مرحوم الحاج مولوی سید محمد حقانی رحمه الله

مولوی عارف

امین و صاحب تدبیر و عاقل
قوال و حق شناس فانوس محفل

دلم از روزگارش یاد خواهد
زبان از سیرتش فریاد خواهد

حقانی از تبار پاکبازان
که با خود برد راز عشقبازان
(ساقیار)

سه سال پیش در همین روز (۲ جنوری ۲۰۱۶م) رهنمای بی آلایش، با درد، با درک و شخصیت زیرک الحاج مولوی سید محمد حقانی (حاجی صاحب شریف) رحمه الله را از دست دادیم.

الحاج مولوی سید محمد حقانی -رح- در زمان حاکمیت سراسری امارت اسلامی بحیث رئیس اطلاعات و کلتور قندهار، سفیر کبیر افغانستان و نمایندۀ ویژهء مرحوم امیرالمؤمنین در پاکستان، معین وزارت امور خارجه و سپس به حیث رئیس اداره‌ء امور خدمت نمود.

پس از تهاجم امریکایی ها، الحاج مولوی سیدمحمد حقانی در چوکات تشکیلات امارت اسلامی به حیث معاون کمیسیون فرهنگی وظیفه انجام می داد. مرحوم حقانی -رح- تا هنگام وفات به حیث معاون کمیسیون فرهنگی امارت اسلامی ایفای وظیفه نمود.

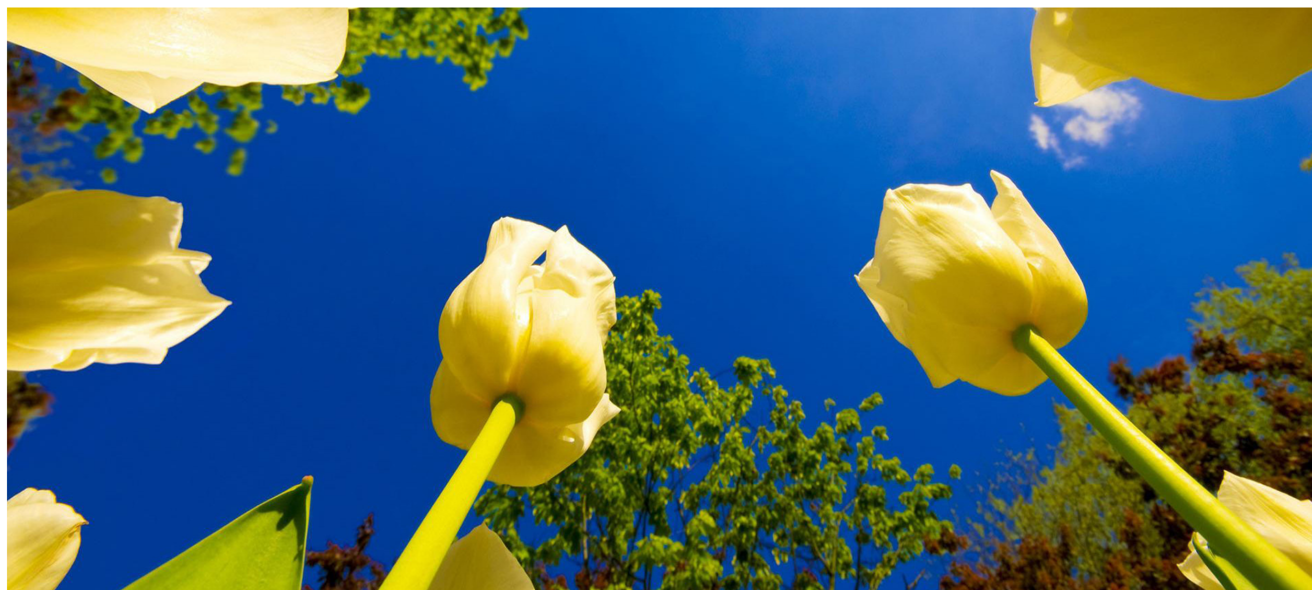
اما در اواخر سال ۲۰۱۵م، از سوی شهید امیرالمؤمنین ملا اختر محمد منصور رحمه الله به حیث عضو هیئت سه نفری برای محاسبه و بررسی تمام ارگان های امارت اسلامی، مؤظف شد. در اثنای اجرای این وظیفه و در حالت سفر، بر اثر تکلیف شِش برای مدت کوتاه بستر شد و سپس به سن ۴۴ سالگی وفات نمود. انا لله و انا الیه راجعون.

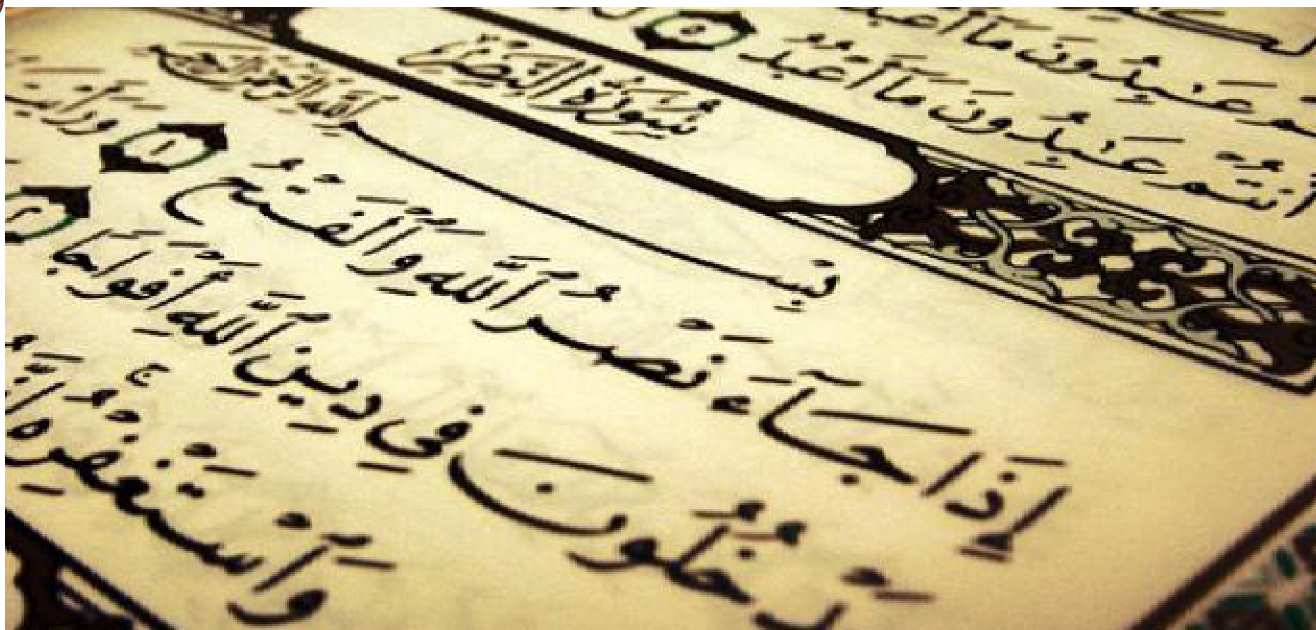
مرحوم مولوی سید محمد حقانی شخصیت بسیار مشفق، حلیم، صابر، متقی، هوشیار و دراک بود.

با رفقا همچون رفیق و با بزرگان همانند شخص سنگین، با تدبیر و باحوصله تعامل می کرد و با عموم مسلمان ها برخورد صمیمانه، دوستانه و پر از عطوفت و مهربانی داشت.

هرگاه کسی با مرحوم حقانی صاحب رو به رو می شد، فکر می کرد از گذشته ها با او رفاقت و آشنایی دارد. درحالیکه آن اولین دیدار شان می بود. زیرا مرحوم حقانی صاحب شخصیت مملو از مهر و محبت

بـود کـه هیچگونـه غـم، تکلیف و مشـقت نمی توانسـت ایـن وصـف او را متاثـر می سـاخت.
مرحـوم حقانی صاحب با پرسـونل زیردسـت خود چنان صمیمانـه و دوسـتانه برخـورد مـی کـرد کـه دل آن کس نمـی شـد از او جدا شـود، مشـتاق می بودی کـه همواره بـا او یکجا باشـی.
هـرگاه بـا مرحـوم مولـوی سـید محمـد حقانـی صاحب تمـاس تلفونـی برقـرار مـی شـد، چنـان بـا حوصلـه و شـفقت حـرف مـی زد کـه دل اجازه نمـی داد تمـاس را قطـع بکنی.
مرحـوم حقانـی صاحـب هـرگاه با رفیقـی رو بـه رو می شـد، تبسـم بر لب او می آمد، بسـیار به محبت در آغوش مـی گرفت و سـپس جویای احـوال تمام خانـواده، کار و گـرد و پیش می شـد.
حقانـی صاحـب اگـر حرفـی را صـد بـار هم در گذشـته شـنیده مـی بود، اما هرگاه همـان حرف را دوبـاره تکرار مـی کـردی، برای اینکـه تو را خسـته نسـازد و نزاکت را رعایـت بکنـد، همـان حرف تکـراری را بسـیار به تعجب و اشـتیاق گـوش مـی داد، تا مـن هرگز احسـاس کمتری یـا پشیمانی نکنم و خجل نشـوم. سـبحان الله.
مرحـوم حقانـی از کارهـای کـه بـه او سـپرده می شـد به شـدت مراقبـت مـی کـرد. کارش را بسـیار بـه شـوق و حوصلـه انجـام مـی داد و با بـزرگان، مجاهدیـن و صف امارت اسـلامی بسـیار اخلاص، محبت و احترام داشـت.
مرحـوم مولـوی سـید محمـد حقانی در زندگی شـخصی اش بسـیار بـا حیا و آدم سـنگین بـود. همیـش دیگران را احتـرام مـی کـرد و ارج مـی گذاشـت. بـا مهمـان بسـیار خوشـحال مـی بـود و پارچـه ای از وقـار بود.
حـالا اگـر چـه مولوی سـید محمـد حقانی رحمـه الله در میان ما نیسـت، سـه سـال می شـود که صدای پُر شـفقت او را نشـنیده ایـم. اما یـاد او در قلب تمام دوسـتان، یاران و متعلقین تازه اسـت.
شـخصاً خـودم او را هیـچ فرامـوش نمـی توانـم، روزی حتمـا یکبـار کارنامه ای، حرفی، مشـوره ای، خوشـطبعیِ و یـا رهنمایـی او پیـش رو مـی آیـد و مرحـوم حاجـیِ صاحـب را بـه یـادم مـی آورد.
سـه سـال از جدایی مرحـوم حقانی صاحب گذشـت، اما فکـر مـی کنیـم کـه او تـازه از نـزد مـا رفته اسـت، نه غم او کهنـه مـی شـود، نـه یـاد او فراموش می شـود و نه هم خصالش فراموش شـدنی اسـت.
نیکبختـی بـزرگ یـک مسـلمان ایـن مـی باشـد کـه از بازماندگان و دوسـتان به نیکی فراموش نشـود و همیشـه یـاد او تازه باشـد.
واقعـا مرحـوم مولـوی سـید محمـد حقانـی رحمـه الله چنیـن انسـان خوشـبخت بـود.
در اثنـای کـه ایـن چنـد سـطر را بـه مناسـبت سـومین سـالروز وفـات مرحوم حقانـی صاحب می نویسـم، فکر مـی کنـم امـروز جنـازه اش دفـن شـده اسـت و غم اش تازه اسـت.
بـرای مرحـوم حقانـی صاحـب در آخرت لقـای پروردگار و جنـت الفـردوس مسـئلت داریـم، بـرای بازمانـدگان، بـرادران، اولاد و تمام دوسـتان و متعلقین اش امید پیروی و متابعـت از مسـیر او داریـم، اگـر ایشـان مـی خواهنـد واقعـا ماننـد حقانـی صاحـب کامیـاب باشـند و بـه تمام معنـی انسـان هـای با ارزش باشـند، بایـد راه او را تعقیب بکننـد، اخـلاق و عبـادات او را از خـود بکننـد و با اقران و دوسـتان او رفاقت و دوسـتی داشـته باشـند.
اللهـم اغفـره و ارحمـه ولا تعذبـه واجعـل الجنـة النعیم مثواه.





اذا جاء نصر اللّٰه...

محمود احمد نوید

وعدهٔ الهی است که «و ان تنصروالله ینصرکم و یثبت اقداکم» اگر به یاری دین خدا شتافتید الله متعال شما را یاری رسانده و در برابر مشکلات و مصایب روزگار پایدار و ثابت قدم تان می کند و اینک مصداق بارز این آیه شریفه و صدها آیهٔ مبارک دیگر که در شان ثبات گامان با ایمان در کلام پاک الهی آمده است بدون تردید همان کاروان مبارزان راه حق و حقیقت؛ یعنی مجاهدان جان برکفی است که بر ذات یگانهٔ الله متعال توکل محض نموده و به امید نصرت های خداوندی در برابر متجاوزین خاک و سرزمین شان مردانه وار ایستاده و با شهامت جان فشانی های بی مثال کردند که لله الحمد ثمرهٔ عزت آن جهاد خستگی ناپذیر امروز بر کسی مخفی و پوشیده نیست.
خوشبختانه قهرمانان امارت اسلامی امروز در تمام میادین دست بالا را داشته و با تمام توان در برابر ستمگران زمان ایستادگی های بی نظیر از خود نشان داده که غیرقابل وصف و غیرقابل بیان است آنها چنان مردمانی هستند که مُردن در دفاع از دین الله متعال را صدها مرتبه بر زندگی پر زرق و برق دنیای فانی ترجیح داده و مردانه وار در مسیر حق جان های شیرین خود را قربان می کنند، به وسوسه ها و طعمه های فراوان دنیا طلبان سر خم نکرده و تا به دست آوردن عزت و استقلال واقعی وطن و هموطن خود گاهی از پای ننشسته و برای یاری دین خدا، همه لحظه لبیک گویان حاضر اند.
نصرت های الهی که به جماعت اهل ایمان وعده شده مشروط به شرط جانفشانی، قربانی و فداکاری بخاطر دین الله است هرگاه این شرط از طرف بندگان مخلص خداوند به حقیقت پیوست نصرت های الهی خود به خود شامل حال می شوند؛ و اینک پس از سالیانِ مبارزه و جانفشانی های فداکارانهٔ مجاهدان قهرمانَ و قربانی های بی مثال ملت مسلمان و رنج کشیدهٔ افغانستان دیر نیست که به فضل الهی درفش توحید را در سرتاسر کشور جنگ زدهٔ خود برافراشته و در اهتزاز ببینیم.
نکتهٔ حایز اهمیت اینست که ما هیچ وقت از جنگ برای عزت خود خسته نشده و هرگز تن به هیچ ذلتی نداده و نمی دهیم بلکه واقعیت امر اینست که دشمنان ما به این درک رسیده که عزم ما فولادین و نبرد ما بخاطر حق و اعادهٔ عزت و حیثیت ما بوده و هست و همه دریافته اند که ما خیرخواه خود، ملت و سرزمین خود بوده و در برابر ارزشهای اسلامی و ملی خود از

خوشبختانه قهرمانان امارت اسلامی امروز در تمام میادین دست بالا را داشته و با تمام توان در برابر ستمگران زمان ایستادگی های بی نظیر از خود نشان داده که غیرقابل وصف و غیرقابل بیان است آنها چنان مردمانی هستند که مُردن در دفاع از دین الله متعال را صدها مرتبه بر زندگی پر زرق و برق دنیای فانی ترجیح داده و مردانه وار در مسیر حق جان های شیرین خود را قربان می کنند.

نکتهٔ حایز اهمیت اینست که ما هیچ وقت از جنگ برای عزت خود خسته نشده و هرگز تن به هیچ ذلتی نداده و نمی دهیم بلکه واقعیت امر اینست که دشمنان ما به این درک رسیده که عزم ما فولادین و نبرد ما بخاطر حق و اعادهٔ عزت و حیثیت ما بوده و هست و همه دریافته اند که ما خیرخواه خود، ملت و سرزمین خود بوده و در برابر ارزشهای اسلامی و ملی خود از هیچ تلاشی دریغ نمی کنیم و لو آنکه آن تلاش ها به قیمت جان های ما تمام شود

هیچ تلاشی دریغ نمی کنیم و لو آنکه آن تلاش ها به قیمت جان های ما تمام شود؛ چرا که برای ما ارزشمند آن است که عزت و استقلال خود را داشته باشیم چیزی که حق ماست و هر ملت آزاده و غیرتمند مستحق و سزاوار آن است.

قرآن مجید، بزرگ کتاب رهنمای ما در سورهٔ مبارکهٔ «نصر» ما را در حالت های که نصرت حق شامل حال ما شود چنان زیبا و متین توصیه می کند که انسان به شوق و وُجد می آید که وقتی نصرت های الهی آمد مومنان چه بکنند، وقتی به فتوحات رسیدند چگونه باشند، وقتی مردم دسته دسته به حقیقت راه شان پی برده و با خیالی آسوده در صف شان جا گرفته و یا پیوستند چگونه برخورد نمایند و چگونه باید عاجزانه متوجه رب خویش شده و سر به سجده در پیشگاه او گذشته و شکر گذار ذاتی باشند که آنها را چنان غیرت بخشید که به احدی جز او، سر پائین نکردند و تا آخرین قطره خون حاضر شدند خود را فدای دین خدا بکنند و (مومنان و مبارزان) مبادا که مغرور شوند و حتی هنوز باید از ترس کمی و کسری در هنگام تلاش و مبارزه توبه و استغفار نموده و متوجه ذات پاک حق شوند و بدانند که خداوند متعال رجوع کنندگان به سوی خود را به شدت دوست داشته و می پذیرد؛ لذا اکنون که خود را بیش از هر وقت دیگر بیشتر در نصرت های الهی احساس می کنیم همه باید ضمن شکرگزاری از رب کریم که نصرت و یاری مان فرمود با عجز و زاری در پیش خدا سر به سجده گذاشته و از الله رب العزت با توبه و استغفار عاجزانه مسئلت کنیم که ما را همچنان در میادین پر خطر و مسیرهای پر پیچ و خم دنیا در تمام امتحانات زندگی کامیاب و روی سفیدمان کند.



قال رسول الله صلی الله علیه وسلم

مروا أولادكم بالصلاة وهم أبناء سبع سنين واضربوهم عليها وهم أبناء عشر

رواه أبو داود وصححه الألباني

اهمیت تعلیم و تربیه فرزندان

نقیب الله نقیب

خداوند ذوالجلال نعمت ها و سرمایه های فراوانی به بندگانش عطا فرموده است که یکی از این نعمت های بی بدیل و به غایت مهم نعمت اولاد است. به هر شخص الله متعال نعمت اولاد نصیب فرمود، فی الواقع به او یک امانت عظیم سپرده است که باید از آن به خوبی مواظبت و مراقبت نماید و علاوه بر خوراک، پوشاک و نفقه، به تعلیم و تربیت آن همت بگمارد.

خداوند متعال در سوره تحریم حکم کرده که خود و خاندان و اهل تان را از آتش دوزخ حفاظت کنید و نجات دهید. این نجات میسر و ممکن نیست مگر با تربیت صحیح و مناسب. فرزندان مانند گل ها و درختان یک باغ هستند که صاحب و مالک باغ همواره به آنها برسد و به فکر آبیاری درختان و مزارع باشد. باغی زیبا و با طراوت خواهد بود که به درستی بدان رسیدگی شده باشد. اگر درختان و شاخه های آن خراب باشند و منظره ای ناموزون بگیرند، قطعا صاحب باغ ملامت خواهد شد. اگر باغ به حال خود رها شود، دیری نخواهد گذشت که تبدیل به ویرانه بشود. فرزندان نیز به مانند باغ، اگر به حال خود رها شوند به جای نعمت، نقمت و به جای رحمت و خوشنامی، زحمت و بدنامی می شوند. این کج اندیشی است که مسلمان روایات دالّ بر اولاد بیشتر را ببیند، اما از صدها آیه و حدیث را نبیند که بر تعلیم و تربیه فرزندان تأکید می کنند. حدیث

«**مروا أولادكم بالصلوة و هم أبناء سبع سنين...**» یک اصل و قاعده را بیان می دارد که تربیت و تعلیم امری تدریجی و پیوسته و مستمر است. تربیت دارای مراحل است؛ کسی که تا سه سال فرزند را به نماز امر کند، او خواه ناخواه نمازگزار می شود و نوبت به زدن در ده سالگی نمی رسد. اما اگر این عمل پیوسته و تدریجا انجام نگیرد، امر ناگهانی به نماز نمی تواند موثر باشد و حق زدن هم برای والدین و سرپرستان نخواهد بود.

اولین محل تربیت درست برای هر کودک خانه و ماحولی است که کودک در آن رشد می کند. انسان ذاتا مخلوقی کنجکاو است و با شنیدن و مشاهده کردن از ماحول خود یاد می گیرد. اگر رفتار والدین صحیح و وفق شرع باشد، فرزندان نیز همان رفتار و گفتار و کردار را یاد خواهند گرفت و رفته رفته خوی و عادات شان در همان قالب درخواهد آمد. حال چه آن رفتارها و عادات خوب باشند یا بد. حتی فرزندان تعصبات نادرست و جاهلی را نیز از بزرگترهای شان می آموزند. اگر والدین نسبت به همسایگان و اطرافیان شان که از قومیت ها و یا مذاهب و ادیان دیگر هستند، از کلمات مناسب و به دور از توهین استفاده کنند و به قومیت و... توهین نکنند، بعید است آن فرزند با نفرت رشد کند و به هم نوعان خود تنفر نشان دهد.

در بسیاری از موارد خانواده ها ناچار به هجرت و ترک وطن می شوند، آنها برای امرار معاش ممکن است با موانعی مواجه شوند و برای پیسه درآوردن فرزندان خردسال را هم به کار بگیرند و آنها را از نعمت تربیت و تعلیم درست محروم گردانند. این ظلم عظیمی است و نباید در هیچ شرایطی راه فراگیری علم و تعلیم را بر کودکان و نوجوانان بست که این بهترین زمان برای یادگیری است و در همین زمان شخصیت هر فرد شکل می گیرد. امروزه بخش وسیعی از مشکلات مسلمانان به دوری از دانش و تعلیم درست برمی گردد. اگر تعلیم و تربیت درست باشد، ما در جوامع با رهزنان، دزدان و خیانتکاران و جنایتکاران مواجه نخواهیم شد. تربیت درست راه درست زندگی را نشان می دهد و اشخاص را از بیراهه رفتن و انحراف نجات می دهد.



د اسلامي امارت معقوله تګلاره

سید شریف

د ډسمبر په ۱۸-۱۷مه د طالبانو استازي هئیت ابو ظبۍ کې دامریکا له پلاوي سره ناسته درلوده. په دې غونډه کې د سعودي، متحده عرب اماراتو او پاکستان استازو دناظرینو په توګه ګډون درلود. دطالبانو دمرکچي پلاوي مشري دوحه کې دطالبانو دسیاسي دفتر مشر عباس ستانکزي صاحب په غاړه وه او دامریکایي ټیم مشري زلمي خلیلزاد کوله.

د یوې باوري سرچینې په وینا:په یاده شوې غونډه کې طالب پلاوي پر درو ټکو ترکیز وکړ: له افغانستانه د یرغلګرو عسکرو وتل،پر ملکي خلکو بمبارونه درول او د بندیانو خلاصون. امریکایي هئیت هڅه کوله چې له مسو لیته وتښتي،بار- بار یې ویل چې طالبان دې له کابل رژیم سره خبرې وکړي،خو د طالبانو پلاوي یې همدا غوښتنه رد کړه او زیاته یې کړه چې موږ اوس پر هغو موضوعاتو بحث کوو چې له کابل رژیم سره اړه نه لري.

دطالبانو پلاوي استدلال کاوه چې افغانستان کې د روان بحران او جګړې اصل علت د یرغلګرو شتون دی،افغانستان کې داشغالګرو پوځونو شتون ناامني ایجاد او پراخه کړې، نو ترهغو چې یرغلګر ځواکونه زموږ له ټاټوبي وتلي نه وي، سوله محاله ده.

طالبانو بار- بار ویلي، چې تر هغو به خپلې برحقې مبارزې ته دوام ورکوي چې پردي پوځونه په یو مخیز ډول له ګران هیواده وځي،ځکه دا دهر ملت حق دی چې خپلواکي ترلاسه کړي،خپل برخلیک په خپله وټاکي او دخپلو دیني ارزښتونو او ملي منافعو په اساس نظام جوړ کړي.

افغانانو پر هیڅ یو هیواد، ولس او حکومت برید نه دی کړی، نو له نورو هم دا هیله کوي چې زموږ هیواد او خلګ دخپلو نامشروع موخو هدف ونه ګرځوي، بشري

او بین الدولي حقونه يې مراعات کړي، دمتقابل احترام په چوکاټ کې سياسي، تجارتي او اخلاقي تعامل ورسره وکړي.
طالبان دګران هيواد دخپلواکۍ او اسلامي نظام دپلي کولو په موخه هر اړخيزه مبارزه کوي،دوسله وال جهاد ترڅنګ پرسياسي هلو ځلو هم بارو لري،طالبان ټينګار کوي چې يرغلګر دې دجګړې او خشونت پر ځای له تعقل او خبرو څخه کار واخلي،خو متاسفانه اشغالګر او لاپوخی رژيم يې لا هم جګړې او وحشت ته پر سوله ييز حل ترجيح ورکوي.
دافغان ولس تر ټولو لويه او لومړنۍ غوښتنه داده چې يرغلګر ځواکونه ژر تر ژره زموږ له هيواده ووځي، دافغان ولس دوژلو او کور نړولو لړۍ ودروي. موږ امريکا او اروپا ته دجګړې لپاره نه يو ورغلي،خو دامهذب او بشر دوست(؟) لويديځ دی چې زموږ هيوادېې اشغال کړی او اور يې پکې بل کړی دی.

طالبان دګران هيواد دخپلواکۍ او اسلامي نظام دپلي کولو په موخه هر اړخيزه مبارزه کوي،دوسله وال جهاد ترڅنګ پرسياسي هلو ځلو هم بارو لري،طالبان ټينګار کوي چې يرغلګر دې دجګړې او خشونت پر ځای له تعقل او خبرو څخه کار واخلي،خو متاسفانه اشغالګر او لاپوخی رژيم يې لا هم جګړې او وحشت ته پر سوله ييز حل ترجيح ورکوي.

امريکا بايدافغانستان کې له تېرې اووه لس کلنې تاواني او اوږدې جګړې عبرت واخلي، داسلامي امارت / طالبانو مشروع غوښتنې ومني، بې ځايه ضد او سياسي حماقت ته نور دوام ورنه کړي،کنه نور به يې هم ځاني تلفات ډېرېږي او درنې اقتصادي او سياسي څپېړې به خوري،خو پای به مجبورا د نورو استعمارګرو په شان له افغانستانه تښتي!.
د طالبانو همدا تګلاره ډېره معقوله ده چې له کابل رژيم سره خبرې نه کوي او ديرغلګرو سره يې دخبرو اصلي ټکی له افغانستانه ديرغلګرو وتل دي، ځکه دامريکا په مشري يرغلګرې ټلوالې يې نظام له منځه وړی،افغانستان يې اشغال کړی، شپه او ورځ دافغانانو پر کورونو چاپې وهي، ښځې او ماشومان شهيدانوي، دطالبانو مشران يې په تور ليست کې شامل کړي او دخپلو ګوډاګيانو څخه جوړه کړې يوه ګډوله يې دحکومت په نوم پر افغان ولس تپلې، چې په هيڅ ډول کوم حقوقي او قانوني حيثيت نه لري. نو په پورته ذکر شوې صورت کې دکابل رژيم څه کولای شي؟،ځواب دادی چې په اوسني وضعيت کې له کابل اداري سره د سولې مذاکرات کول په سولې له ملنډو او وخت ضايع کولو پرته بل څه نه دي.



ترتیب: محمد عمار رستاقی

(بخش دوم)

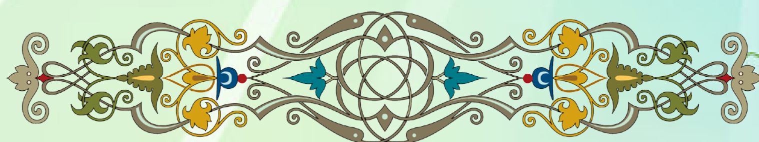
صفحه ویژه شبر بچه های هندوکش

نیایش های کودکانه



خدای دانا
خدایا! تو خیلی بزرگی
تو خیلی عزیزی
خدایا! راز دل های ما را و حرف های پنهان ما را تو می دانی. تو همیشه به حرف های ما گوش می دهی، هر حرفی که باشد، هر وقتی که باشد و هرجایی که باشد، هیچ وقت نمی گویی وقت ندارم یا حوصله ندارم.
خدایا! تو حرف ما را، راز و نیاز ما را به هیچ کس نمی گویی به همین خاطر ما می‌توانیم همهء سخنان خودرا با خیال راحت به تو بگوییم.
خدایا! خدای خوب، خدای مهربان
تو شنوایی! همه سخنان ما را
تو بینایی! همه کار های ما را
خدایا! تو بهترین نگه‌دار راز و نیاز ما هستی و تو مهربان ترین همراه هستی.
خدایا! برای ما هم توفیق بده تا همیشه سخنان تو را بشنویم و انجام بدهیم خدایا! خدای خوبم! خیلی دوستت داریم.
حقا که تو خدایی که:

﴿وَأَسِرُّواْ قَوۡلَكُمۡ أَوِ ٱجۡهَرُواْ بِهِۦٓۖ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ﴾ [الملك: ٢٤].
«چه سخنان خود را آهسته گویید و چه بلند و آشکار سازید، فرقی نمی‌کند، چرا که او آگاه از اسرار و خفایای سینه‌هاست».



دوستان کوچك رسول الله صلی الله علیه وسلم



او ده ساله بود که شنید رسول الله صلی الله علیه وسلم به سبب ظلم و ستم کفار مکه مکرمه را ترک کرده و بسوی مدینهء منوره می آید. او با جسم کوچک خود در میان مردم منتظر بود تا چشمانش با دیدن رسول الله صلی الله علیه وسلم روشن شود. دیری نگذشت که این آرمان طفلک ده ساله پوره شد و رسول الله صلی الله علیه وسلم را دید. مادر این طفل بسوی رسول الله صلی الله علیه وسلم نزدیک شد و گفت: ای رسول الله! همه مردم مدینه به تو هدیه می دهند من بجز این فرزندم چیز دیگر ندارم، او را به تو هدیه می دهم تا خدمتت را کند. این طفل انس بن مالک نام داشت. رسول الله صلی الله علیه وسلم این هدیه کوچک را پذیرفت. انس رضی الله عنه از همین لحظه تا به وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم همراه و در خدمت او بود. او می گوید ده سال خدمت رسول الله صلی الله علیه وسلم را کردم هرگز در این ده سال برایم نگفت چرا این کار را کردی؟ یا چرا این کار را نکردی؟ انس رضی الله عنه به عمر هشتاد سالگی وفات کرد و قبل از وفات گفت: فردا می روم نزد حبیب خود و برایش می گویم: ای رسول الله! این همان خادمک کوچکت انسک است.





خداوند یکتا

حامد: السلام علیکم ورحمۀ الله وبرکاته
عمار: وعلیکم السلام ورحمۀ الله وبرکاته
حامد: عمار چرا امروز به مکتب نه رفته بودی؟
عمار: امروز دلم نشد مکتب بروم.
حامد: امروز معلم صاحب دربارهء خداوند متعال درس داد و تو نبودی تا یاد بگیری.
عمار: می شود مرا یاد بدهی معلم صاحب چی گفت؟
حامد: بلی. معلم صاحب گفت که خداوند متعال یکتا است و هیچ شریک ندارد. الله تعالی به هیچ کس محتاج نیست. الله تعالی از کسی پیدا نشده است و نه کسی از الله تعالی پیدا شده است. یعنی خداوند متعال از پدر و مادر تولد نشده است و نه دختر و بچه دارد. و هیچ کسی مانند خداوند متعال نیست.
عمار: بسیار خوب، خیر ببینی حامد. من هم این را یاد می گیرم تا فردا وقتی معلم صاحب پرسان کند من جواب بدهم.
حامد: بلی عمار، باید یاد بگیری. معلم صاحب گفت که ما مسلمان هستیم و این معلومات برای هر مسلمان بسیار مهم است و باید هر مسلمان این را یاد داشته باشد.

قلم پنسل



ما همه روزه با قلم پنسل می نویسیم و کار خانگی خودرا می کنیم. قلم پنسل رفیق و دوست ما است. هر وقت اشتباه کنیم با پنسل پاک آن می توانیم آنرا دوباره پاک کرده و صحیح کنیم. اگر نوک قلم پنسل ما خراب شود، آنرا با قلم تراش، تراش می کنیم تا تیز شود و خوبتر نوشته کند.
ما طفل ها نیز باید مانند قلم پنسل باشیم. رفیق و دوست همدیگر باشیم. هر وقت اشتباه کردیم آنرا پاک کرده و صحیح کنیم. و اگر در زندگی مریض شدیم و یا مشکلی برای ما پیدا شد، این مریضی و مشکل سبب بهتر شدن کار ما خواهد شد. ما باید مانند قلم پنسل بیرون زیبا داشته باشیم مگر مهمتر از بیرون ما باید داخل ما باشد. ما باید با اخلاق و نیک رفتار باشیم.





سیرت نظامی رسول الله صلی الله علیه (۲۰)

نویسنده: شیت خطاب
ترجمه: راشد شهامت

روند حوادث

۱ ـ سریه ابی سَلَمه

الف ـ نیروهای طرفین

اول ـ مسلمانان : یک گزمه و گشتی جنگی به تعداد ۱۵۰ سوار و پیاده از مهاجران و انصار به فرماندهی ابو سَلَمه مخزومی .

دوم ـ مشرکان : قبیله بنی اسد به فرماندهی طُلَیْحِه و سَلَمه فرزندان خُوَیْلِد.

ب ـ هدف : جلوگیری ازحمله بنی اسد به مسلمانان در مدینه منوره .

ج ـ حوادث : دو ماه پس از جنگ احد به پیامبر(صلی الله علیه وسلم) گزارش شد که طُلَیْحه و سَلَمۀ فرزندان خویلد، قصد تاراج اموال مسلمانان را دارند و قبیله خود را برای تهاجم به مدینه تحریک می کنند.

رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) تصمیم گرفت یک گزمه و گشتی جنگی را به تعداد ۱۵۰ نفر سواره و پیاده از مسلمانان مهاجر و انصار که ابوعبیده جراح و سعد وقاص نیز در میان آنها بودند، به فرماندهی ابوسَلَمه مخزومی ارسال کند تا پیش از حمله بنی اسد به مدینه آنان را مورد حَمله قرار دهند. رسول الله صلی الله علیه وسلم به مبارزین اسلام فرمان داد شبها حرکت کنند و روزها پنهان شوند، و از بیراهه بروند تا کسی از اخبار و مقاصدشان آگاه نگردد و بدین وسیله بطور ناگهانی بنی اسد را غافلگیر سازند. ابوسلمه رفت تا به سرزمین بنی اسد در قَطَنْ رسید، آنان از حرکت وی هیچ آگاهی نیافتند و بامدادان به محاصره درآمدند. مشرکان که توان پایداری نداشتند، رو به هزیمت نهادند.

ابوسلمه دو دسته از نیروهای خود را به تعقیب آنها فرستاد که غنایمی به دست آوردند. وی پس از انجام ماءموریت ، با نیروهایش به مدینه منوره بازگشت .

۲ ـ گزمه و گشتی عبدالله اُنَیْس

الف ـ نیروهای طرفین

۱ ـ مسلمانان : یک گزمه کشفی و شناسایی به تعداد یک مسلمان یعنی عبدالله بن اُنیس .

۲ ـ مشرکان : بنو لحیان از هذیل به فرماندهی خالد بن سفیان هُذَلی .

ب ـ هدف

جلوگیری ازهجوم وحمله اعراب به مدینه ، پیش از جمع آوری نیرو و اقدام به تهاجم .

ج ـ حوادث : رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) آگاهی یافت که خالد بن سفیان هُذَلی نیروی بزرگی از اعراب را برای تهاجم به مدینه در عُرَنَه گرد آورده است تا چیزی از غنایم و خیرات این شهر به دست آورد. آن حضرت عبدالله بن اُنَیس را فرستاد که درباره اخبار و نیات خصمانه خالد به تحقیق و جستجو بپردازد و صحت اطلاعات به دست آمده را معلوم دارد.

عبدالله حرکت کرد و دور از همراهان خالد؛ در حالی که تنها چند زن با او بودند، با وی دیدار کرد. خالد پرسید: کیستی ای مرد؟ پاسخ داد: (مردی از اعرابم ، شنیده ام که گروهی را برای جنگ با محمد گردآورده ای و به این منظور نزد تو آمدم .)

خالد نیات خود را پنهان نساخت و عبدالله که او را با چند زن تنها دید، با وی به راه افتاد و هیمنکه فرصت را مناسب یافت با شمشیر حمله کرد و او را از پای درآورد.

با قتل خالد مقاصدش نیز با او در خاک رفت و اعرابی که در عُرَنَه برای جنگ مسلمانان گردآورده بود، پراکنده شدند و عبدالله به مدینه منوره بازگشت .

۳ ـ غزوه بنی نضیر

الف ـ نیروهای طرفین

۱ ـ مسلمانان : مسلمانان مدینه به فرماندهی رسول خدا(صلی الله علیه وسلم).

۲ ـ یهودیان : بنی نضیر که در ناحیه غَرْس و اطراف آن دراطراف مدینه منوره سکونت داشتند.

ب ـ هدف

کندن شرّ بنی نضیر به خاطر توطئه ترور پیامبر(صلی الله علیه وسلم).

ج ـ روند حوادث

رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) نزد بنی نضیر ساکن در اطراف مدینه رفت تا برای پرداخت دیه دو همپیمان مسلمانان که اشتباهی به وسیله عمرو بن امیّه ضُمَری کشته شده بودند از آنها کمک بگیرد. آنان در گفتگوی با آن حضرت حاضر به کمک شدند؛ و رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) همراه ده تن یارانش از جمله حضرت علی (کرم الله وجهه)، ابوبکر و عمر(رضی الله تعالی عنهما) کنار دیوار خانه یکی از آنها نشست . شماری از یهودیان با رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) با خوشرویی از هر دری سخن می گفتند. در این اثنا رسول الله (صلی الله علیه وسلم)متوجه توطئه ای گردید. یک تن از یهودیان از میان جمع بیرون رفت و دیگران موضوع کشته شدن کعب بن اشرف را پیش کشیدند و در همین حال عمرو بن جحشْ که پیامبر(صلی الله علیه وسلم) به دیوارش تکیه داده بود وارد گردید.

رفتار یهودیان بدگمانی رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) را بر انگیخت و اخباری که پیش از آن درباره توطئه آنها شنیده بود، موجب تقویت این بدگمانی شد. در این هنگام از جا برخاست و به تنهایی راه مدینه را در پیش گرفت .

پس از اندکی درنگ ، یاران آن حضرت به جستجوی او پرداختند. مردی که از مدینه می آمد به آنها برخورد و خبر داد که رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) را در آنجا دیده است . پس با شتاب به وی پیوستند. هنگامی که رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) مشاهداتش را درباره رفتار یهودیان بازگفت و از نیرنگ آنها پرده برداشت ، مسلمانان به توطئه یهودیان برای قتل رسول الله (صلی الله علیه وسلم) پی بردند.

بعدها معلوم شد که عَمروبن جحاش قصد داشت با انداختن سنگ آسیاب از بالای دیواری که پیامبر در پای آن نشسته بود به زندگی رسول الله (صلی الله علیه وسلم)پایان دهد.

رسول الله (صلی الله علیه وسلم)محمد بن مَسْلَمه را به حضور خواست و فرمود: نزد یهودیان بنی نضیر برو و بگو: رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) پیغام داده است: (از سرزمین من بیرون بروید. شما قصد خیانت به من را داشتید و بدین وسیله پیمان خود را شکستید. ده روز به شما فرصت می دهم ، پس از این مدت هرکس را ببینم گردن می زنم !)

یهودیان که چاره ای جز بیرون رفتن نداشتند، آماده حرکت گردیدند. اما منافقان مدینه و در راءس آنها عبدالله بن اُبَی به آنها چنین پیغام دادند: (شما پایداری کنید. ما نیز شما را علیه محمد و یارانش یاری می دهیم.)

در این هنگام یهودیان اعتماد به نفس خود را باز یافته تصمیم به جنگ گرفتند و به رسول الله (صلی الله علیه وسلم)چنین پیغام دادند: (ما هرگز بیرون نمی رویم ، هرچه می خواهی بکن .) آنگاه به دژهایشان پناه بردند و با سنگ ، کوچه ها را سنگربندی و کانالهایی برای پناه گرفتن حفر کردند. آذوقه لازم را برای یک سال انبار کردند و مشکل آب هم نداشتند.

مسلمانان همراه رسول الله (صلی الله علیه وسلم) روانه سرزمین بنی نضیر گردیده آنان را مدت بیست شب محاصره کردند. در اثنای این مدت با شیوه جنگ خیابانی و شهری ، خانه ها و خیابانها را یکی پس از دیگری به اشغال درآوردند.

رسول الله (صلی الله علیه وسلم)که متوجه شد یهودیان با استفاده از دژهایشان بر ادامه جنگ پافشاری می کنند، فرمان قطع کردن و آتش زدن نخلستانهای آنان را صادر کرد. دلیل صدور این فرمان آن بود که اموال یهود نابود شود و انگیزه آنان برای پافشاری بر جنگ از میان برود. برای یهودیان که تاب مقاومت را از دست داده بودند، انتظار کمک عبدالله اُبی و دیگر قبایل عرب نیز بیهوده بود. از این رو از رسول الله (صلی الله علیه وسلم)تقاضا کردند، در ازای بیرون رفتن از مدینه ، به مال و جان و فرزندان آنها امان بدهد.

رسول الله (صلی الله علیه وسلم)، به شرط خروج از مدینه ، به مصالحه با آنان موافقت کرد. هر سه نفر از آنها تنها حق داشتند به اندازه بار یک شتر مال و آذوقه و آشامیدنی مورد نیاز خود را بردارند. برخی از آنها به خیبر و برخی دیگر به نواحی شام رفتند و مقادیر فراوانی سلاح شامل پنجاه زره ، ۳۴۰ شمشیر و غله فراوان از خود باقی گذاشتند که به غنیمت مسلمانان درآمد، همان طور که سرزمینشان نیز تصرف شد.

ادامه دارد ...

{بخش ۱۱}

زندگان جاوید

مرتب : حبیبی سمنگانی // نویسنده : ابوجهاد برابچه ای

این بار صفحات «زندگان جاوید» را با یاد عطرآگین چند تن از شهدای خوش خصال ولسوالی خاشرود ولایت نیمروز معطر می سازیم. سپاسگذاریم از برادر گرانقدر ابوجهاد برابچه ای که این چکیده ای از خاطره های روح پرور و فراموش ناشدنی اش را با خوانندگان گرامی مجلهء حقیقت نیز شریک ساختند. امیدواریم از حرف حرف این سوانح فرزندان فقید اسلام و کشور قلب های صد پارهء خود را مداوا بکنیم، این هم شما و این هم محترم برابچه ای :

در کمتر از یک ماه، در کمربند خاشرود، و نبردهای چخانسور و چابرجک، خون‌های پاکی بر زمین ریخت و اجساد پاکیزه‌ای بر زمین غلطید. جوانان ربّانی و باخدایی جان‌شان را فدای دین کردند و با خون‌شان نهال دین را آبیاری نمودند.

خدای سبحان را شاکرم که توفیق همراهی، همنشینی، محبت و صمیمیت را با عده‌ای از این پاک مِنشان داشته ام و به این خاطر، بر خود می بالم و می نازم و حق دارم که بر خود، ببالم و بنازم !

آیا شما می دانید این افراد چه کسانی بودند؟ این‌ها جوانانی بودند که همانند جوانان اصحاب کهف، بر دنیا و زرق و برق آن پشت نموده و به غارِ جهاد و مقاومت پناه برده بودند. این‌ها جوانانی غیرت مَند و غیور بودند که دنیای دون را طلاق داده و به صف انبیای کرام و "رِبّیّون" پیوسته بودند. جوانانی که بر خلاف جوانان عیّاش و بی‌بندوبار، راه غربت را در پیش گرفته بودند. این‌ها جوانانی بودند که زنجیرها و طوق های ذلت و بردگی را گسسته، و به میدان صاف و هموار آزادی و حریّت پیوسته بودند. جوانانی بودند که لذیذترین چیزِ دنیا برایشان، روبه‌رو شدن با دشمنانِ دین بود.

آری! جَوانانی آواره، اما آزاده و دلداده...

از کدام یک بگویم؟ هرکدام از این عزیزان را که تصور می کنم کوهی از خاطرات بر ذهن و قلمم سنگینی می کند و در عجَبَم که کدام یک را گلچین نموده و نثار خوانندگان و دوست‌دارانِ شهدا کنم.

شهید مولوی نَعیم الله قدوری تقبله الله :

مولوی نعیم الله قدوری! و تو چه می دانی که مولوی نعیم‌الله که بود؟ او کوه استقامت و صلابت بود. مرد پشتکار بود. با خستگی و کسالت می جنگید و مغلوبش می کرد. خادمی خستگی‌ناپذیر بود. در عین حال که طبعی شوخ‌منشانه داشت، بسیار باوقار بود و ادب بزرگان و امیران را رعایت می کرد.

پیوسته در تفکر و طرح‌ریزی بود که چگونه دشمن را غافل‌گیر کند. هنوز مین های کاشته شده در شهر "غورغوری" را به یاد دارم که توسط ایشان و همراهان سخت‌کوشش در چندمتریِ پایگاه دشمن کاشته شد و چند روز بعد یکی از تانک‌هایَ زرهی دشمن را به هوا برد. دشمن از این اتفاق چنان وحشت زده و سراسیمه شد که در اثر آن نیروی روانی اش در هم شکسته شد؛ نه به خاطر این‌که تانک‌شان روی مینِ کاشته‌شده توسط طالبان رفته است، بلکه به علت این‌کهَ این مین کاشته‌شده را طالبان با چه جرئتی توانسته بودند در زیر دیوار پایگاه‌شان بکارند!.

مولوی قدوری چند سال بود که در میدان بود و در این مدت، خیلی کم به دیدن خانواده و خویشاوندان می آمد. جوانی اش را در راه الله متعال صرف نمود. نیک به یاد دارم که بر اثر شدت تب، در حالی که روی بستر بود، از شدت بیماری می‌نالید ولی امکاناتی برایمان فراهم نبود که او را به دکتر برسانیم.

یک مرتبه در دل شب، در رکاب مولوی نعیم الله برای مین‌کاری رفتیم، گالن بارود بر دوش من قرار داشت، با وجود این که شب بود و خسته بودیم، ولی قسم به خدا هنوز لذت اون شب را فراموش نمی‌کنم و حتی بعد از آن شب، همین نکته را به ایشان یادآوری کردم که حضور در میدان جهاد خیلی لذت‌بخش است، و مولوی نعیم الله نیز سخنم را تایید کرد.



شهید مولوی نعیم‌الله استاد سلاح "دو میل" بود؛ استاد کار کُشته و شجاعی بود که لرزه بر اندام دشمن انداخته بود. هرگاه دشمنان زبون، صدای رعدآسای دو میل را می شنیدند وارخطا و سراسیمه می شدند و فرار را بر قرار ترجیح می دادند.

شهید حافظ ملّا ایوب تقبله اللّه :

و اما شهید ایوب، او مرد ایثار و از خود گذشتگی بود. حافظ قرآن کریم بود، اما عشق به میدان کارزار، و حضور در صفوفِ ربّانیینِ امت، ایشان را وادار کرد که دروس دینی را نیمه تمام َگذاشته و راهی سنگر شود. نزدیک به یک دهه را در میدان سپری کرد. یک دهه!

از بس که در جنگ های زیادی شرکت کرده بود، به جنگ و میدان کارزار، مثل یک بازیِ بچّگانه نگاه می کرد. به یاد دارم یک شب، بر یکی از پوستَه های دشمن در غورغوری حمله شد. شهید ایوب رحمه الله طبق عادت همیشگی، جزو افراد تعرّضی و تهاجمی بود و ما شوربختان را نیز طبق عادت، در خطوط عقب، نشانده بودند. جنگ شروع شد و چنان شدت یافت که از هر طرف صدای توپ ها و سلاح های مختلف به گوش می رسید و شعله های آتش به آسمان بلند می شد. فردای آن روز که از شهید ایوب رحمه الله کارگزاری گرفتیم، با لهجه ی بِلوچی اش فقط به یک جمله بسنده کرد: -باز شَوکَین جنگی وَتْ- (خیلی جنگ شیک و زیبایی بود)

من از جرئت و شهامتش تعجب کردم که چگونه این جنگ شدید، با بارش تیرها و محاصره شدن توسط تانک ها را شیک و زیبا توصیف می کند!.

شهید ایوب رحمه‌الله در جنگ‌های خیلی زیادی شرکت کرده بود. عاشق سلاح RPG بود و چنان با دقت به هدف می‌زد که آوازه‌ی دقت و نشانه گیری اش در هر کوی و برزن افتاده بود.

از تمام دنیا و لذت‌هایش بریده بود و به سنگرهایی روی آورده بود که ظاهراً پُرخطر، اما در حقیقت مهد سکون و آرامش بودند. زاهد واقعی او بود که از تمام دنیا و زرق و برقش، فقط چند دست لباس کهنه و مندرس داشت و بس! شما را به خدا قسم، آیا زُهدی والاتر از زُهد مجاهدانِ مهاجر سراغ دارید؟!

شهید استاد عبیداللّه تقبله اللّه :

استاد عُبیدالله – تقبّله الله– نیز یکی دیگر از مجاهدان پاک سیرت و نیکو مَنِشی بود که همراه سایر مجاهدان در کمربند خاشرود پَر کشید و به اعلی علیین رسید. بسیار خوش برخورد، نیکو خصال، بی آزار و خوش اخلاق بود. درس دینی نخوانده بود، اما در دیانت و دین داری، استاد و نمونه بود.

زبان بلوچی اش بسیار شیرین و پُر از چاشنی بود و پیوسته ضرب المثل های بلوچیِ زیبایی بر شیرینیِ کلامش می افزود. از شمال تا جنوبِ افغانستان را گشتهَ بود و در دو گوشه‌ی کشور با طاغوتیان جنگیده بود. بسیار صابر و با استقامت بود.

نزدیک به دو سال بود که از خانه، خانواده و آغوش گرم مادرش دور بود. مادر، پدر و برادرانش را فدای دین، عقیده و آرمان های والایش کرده بود. هیچ گاه او را در حالت ناراحتی ندیدم؛ مگر یک مرتبه بسیار ناراحت و خشمگین بود و من هرچه سعی کردم او را شاد کنم نتوانستم.

حتما خواهید پرسید: «چرا ناراحت شده بود؟ آیا به خاطر مال و منال دنیا از کسی آزرده خاطر شده بود؟ آیا با کسی دعوا و فحاشی کرده بود؟»

نه خیر دوستان! استاد عُبیدالله از دنیا گذشته بود، به دنیای دون پُشت کرده بود و کسب و تجارت را فدای نبرد با دشمنان الله کرده بود، چگونه ممکن است به خاطر دنیا از کسی نَاراحت شود.

ناراحتی و پریشانیِ او به خاطر این بود که تشکیلی آماده‌ء رفتن بود و تصمیمَ داشتند او را با خود نبرند، بدین جهت استاد عبیدالله بر خلاف عادت همیشگی و نرم خویی اش، بسیار ناراحت و پریشان بود و وقتی که مولوی نعیم الله –تقبّله الله– پریشانی اش را دید، او را با خود همراه کرد.

استاد عبیدالله بسیار زیرک، دارای حافظه و هوش سرشاری بود. در بسیاری از اسلحه ها استاد بود. شاگردانَ زیادی را تربیت کرده بود. بنده خودم افتخار شرکت در کلاس "جی پی اس"، "هاون" و "مخابره"اش را دارم. در دوربین های شب، استاد بود و در چاپه ای که شهید شد، یک آمریکایی نیز مُردار شد که به احتمال زیاد توسط استاد عبیدالله رحمه الله به درَک واصل شده بود. والله اعلم.

شهید مولوی سعد و شهید مولوی معاذ تقبّلهما الله :

مولوی سعد و مولوی معاذ – تقبّلهما الله – دو انسان فرشته صفت و ربّانی بودند که بعد از فراغت از دورس دینی، آمده بودند تا احادیث صحیح بخاری، صحیح مسلم و مشکاۀ را به صورت عملی در میدان یاد بگیرند و به دیگران آموزش بدهند.

مولوی سعد رحمه الله بسیار باخدا بود و نور ایمان در ناصیه اش می درخشید. با وجود این که مولوی و عالِم بود، با تواضع و فروتنی تمام، در کلاس های قرآن و عقیده شرکت می کرد. در اوَقات فراغت، قرآن کریم را بر می داشت و به گوشهء خلوتی می رفت و به درس تفسیر یکی از علما که در تلفن اش موجود بود، گوش فرا می داد و از انوار کلام الهی بهره می برد.

خوی ایثارگری و بزرگ منشی در وجودش موج می زد و سرانجام فدای این راه شد. شبی که اشغال گران چاپه زدند مولوی سعد در سفر بود و تازه رسیده بود، اما به محض این که خبر شد دشمن از زمین و هوا بر مجاهدین یورش آورده است فورا برای نجات هم سنگرانش خود را به دل دشمن می زند و بسیاری از مجاهدین را از صحنهء نبرد و محاصرهء دشمن خارج می کند. آنگاه اطلاع می یابد که دو مجاهد که راه را بلد نیستند، جا مانده اند، به بقیهء مجاهدین دستور می دهد همانجا بمانند و خودش به همراه مولوی معاذ رحمهماالله می روند تا آن دو مجاهد را نیز با خود بیاورند که در این اثنا نیروهای زبون دشمن از هوا بر آن ها هجوم می آورند و هر دو همسنگر وفادار و ایثارگر، عاشقانه جام شهادت را نوش می فرمایند.

شهید مولوی ابوبکر تقبله الله :

مولوی ابوبکر –تقبّله الله– مجاهد مهاجری بود که به خاطر دفاع از کیان اسلام، به همراه خانواده اش هجرت کرده بود و در جایی سکونت گزیده بود که خود و خانواده اش هیچ گونه سابقهء آشنایی با اهالی آنجا نداشتند. اما دین و عقیده، چنان خاصیتی دارند که اگر انسان به خاطر آن، از اهالی و منطقهء خود بگذرد، الله متعال اهالیِ دیگری نصیب انسان مهاجر می گرداند.

مولوی ابوبکر رحمه الله مسئول کمربند بود و افراد زیادی تحت نظر و امر ایشان جهاد می کردند؛ افراد مختلفی با سلیقه های متفاوت، ولی نرم خویی و اخلاق زیبای ایشان همه را بدون هیچ گونه اختلافی به سوی هدفِ والا سوق می داد.

بسیار ساده زیست و عاری از تکبر و خودبزرگ بینی بود. هیچ گاه مسئولیت و امارت، نتوانست غرور و نخوت را به وجودش بیاورد. خود را مساوی و برابر با مجاهدان تازه وارد به شمار می آورد. علم دین خواند، هجرت کرد، جهاد نمود و دستِ آخر در راه معشوق، پَر کشید و به رفیق اعلی پیوست. روحش شاد و یادش گرامی.

شهید دیگری که فراقش واقعا جانکاه و سخت بود، ابودرداء (سیاهسوار) بود. شهید سیاهسوار فردی فکرمند، نویسنده، ادیب، تحلیل گر و آگاه به مسایل سیاسی و روز بود. در سخن گفتن و نوشتن حریف نداشت. به رسانه ها و نقش آن ها در میدان جهاد بسیار اهمیت می داد و از عدم توجه بعضی از مسئولان به این امر، دردمند بود و می نالید. قلمی روان و سیّال داشت. مقاله ای که به هنگام زیارت قبر امیرالمومنین شهید ملا اختر منصور رحمه الله نوشته بود، بسیار زیبا و نشأت گرفته از شوق و سوز درونی اش داشت.

چند روز قبل از شهادت، به شوخی از او پرسیدم: «هنوز زنده هستی؟ شهید نشده ای؟» پاسخ داد: «نصیب نبوده است که شهید شوم، وگرنه من در خط مقدم نبرد، و در کمربند هستم. تو عالِم هستی دعا کن که شهید شوم.»

از این محاوره و تکلّم مان چند روزی نگذشته بود که توسط صلیبی های خون آشام جام شهادت را سر کشید و به آرزوی دیرینه اش رسید.

شهید شیردل تقبله اللّه :

در پایان، نمی توانم تذکرهء شهیدان را با چشم پوشی از یاد دوست و همسنگر عزیزم، شهید شیردل – تقبّله الله – به پایان برسانم. ایشان جوانی چابک، با عزم و خادم بود. خستگی و درماندگی به وجود ایشان راه نداشت. هرگاه از ایشان درخواست انجام کاری می شد اباء نمی ورزید. بسیار شوخ طبع و مهربان بود. الله متعال ایشان را در جوار بهترین رحمت های خویش جای دهد.

علاوه از این مجاهدان غیور و مهاجران صبور، شهیدان دیگری نیز به لقای معبود حقیقی شتافتند که ذکر همه شان از حوصلهء این نوشتار مختصر خارج است.

با جرئت می توانم بگویم اگر این غرباء آزاده و جوانان آواره، اولیای خدا نباشند، در دنیا اولیایی از قشر دیگر، وجود ندارد. اگر این مجاهدان غریب، زاهد و ربّانی نباشند پس در این امت، زاهد و ربّانی وجود ندارد.

پروردگارا، شهادت تمام این عزیزان را به بارگاه خویش پذیرفته و به همهء عزیزان علوّ درجات عطا فرما. آنها را با شهدای صدر اسلام محشور نموده و ما را به این قافلهء مبارک ملحق بفرما. آمین یا ربّ العالمین بأسمائک الحسنی وصفاتک العلی.



نمونه هایی از جنایات جنگی در سال ۲۰۱۸ میلادی

سید سعید

در سال ۲۰۱۸ میلادی، هزاران تن از هموطنان ملکی در بمباردمان، چاپه و حملات توپخانه یی اشغالگران و حکومت مشترک شهید و زخمی شدند. در عملیات های نیروهای مشترک تعداد زیادی از خانه ها، دوکان ها، بازارها، کشتزار ها، باغ ها، مساجد، مدارس، مکاتب و کلینک ها تخریب شده و هزاران تن از افراد ملکی بی دفاع به اتهام رابطه و قرابت با طالبان دستگیر شده اند که بصورت بی رحمانه یی شکنجه، محاکمه و زندانی شده اند.

با تاسف فراوان سازمان های حقوق بشری، فعالان و جامعه رسانه یی و مدنی درباره مرگ و میر خاموش بوده و سکوت کرده اند و در بسیاری از موارد محدود جرئت کرده و واقعه را رسانه یی کرده و یا تقبیح کرده اند.

رسانه ها، جامعه حقوق بشر و فعالان مدنی باید متوجه مسئولیت خود باشند، با حقوق انسانی و ارزشهای بشری باید برخورد سیاسی و اقتصادی نشود، کشورهای جنایتکار و قاتل باید تحت فشار قرار گیرند که از جرائم جنگی و جنایات بشری دست بردارند، در محکمه بین المللی هاگ باید علیه آنها دوسیه درج شود و در سطح جهانی علیه شان اعتراضات صورت گیرد.

نمونه های از تلفات ملکی در سال ۲۰۱۸ میلادی :

به تاریخ ۲۲ جنوری : رسانه ها خبر دادند که : در مربوطات ولسوالی چهاردره ولایت قندوز نیروهای مشترک آمریکایی ها و عساکر داخلی عملیاتی را علیه طالبان انجام دادند که در این عملیات به هر دو طرف در کنار وارد شدن تلفات، زیان های سنگین جانی و مالی به هموطنان ملکی وارد گردید. براساس راپورها، در در عملیات های یادشده در مربوطات ولسوالی چهاردره در قریه های خرکارو، میاگانو، سجانی، زاخیلو، قریه یتیم و ... دها تن از هموطنان ملکی شهید و زخمی شدند. خانه های مردم و مساجد تخریب شده و زیان های مالی سنگینی به مردم وارد شدند. شاهدان عینی به رسانه ها گفتند که: «طیاران آمریکایی از هوا بر ما بمب می انداختند و عساکر داخلی از زمین قریه ها را هدف حملات توپخانه یی قرار داده بودند».

به تاریخ ۳۰ جنوری : عساکر داخلی با حمایت طیارات اشغالگران بر منطقه بندتیمور ولسوالی میوند ولایت قندهار چاپه زدند، در جریان چاپه ۳۱ تن از هموطنان ملکی را به شهادت رسانده و ۳۲ تن دیگر را دستگیر کرده، با خود بردند و دها عراده وسایط نقلیهٔ مرد را تخریب کردند.

به تاریخ ۲۹ مارچ : اشغالگران و عساکر داخلی در جریان عملیات در منطقهء سره بغل ولسوالی میوند ولایت قندهار ۲۲ تن از هموطنان ملکی را شهید و تعداد زیادی را زخمی کردند. اشغالگران و عساکر داخلی در عملیات مذکور یو دواخانه را نیز تخریب کرده، موترهای مردم و اموال دیگرشان را سوزانده و زیان های مالی سنگینی به

باشندگان ملکی وارد کردند.
به تاریخ ۲۹ مارچ : عساکر داخلی بر ساحات مسکونی در مناطق آب راغک و فرغامیر ولسوالی جرم ولایت بدخشان هاوان فیر کردند که در نتیجه ۸ تن از باشندگان ملکی بشمول زنان و کودکان شهید و ۲۰ تن دیگر زخمی شدند. همچنین در انداخت های هاوان مذکور تعدادی از خانه ها تخریب و بسیاری از مواشی مردم تلف شدند.
به تاریخ ۲ آپریل : نیروهای داخلی بر مراسم دستاربندی در مدرسهٔ هاشیمه در منطقهء بازار پتانو ولسوالی دشت ارچی ولایت قندوز بمباری کردند که در این بمباری ۱۵۰ تن از علماء، طلباء حفاظ و مردم عام شهید و بیشتر از دوصد تن دیگر زخمی شدند. مردم بر ضد این رویداد برخاسته و مظاهراتی را بر علیه حکومت انجام دادند و شعارهای ضد حکومتی سر دادند. همچنین بیرون از کشور نیز این رویداد نکوهش گردیده و خواهان مجازات عاملین آن شدند.



به تاریخ ۲ جون : سال ۲۰۱۸ میلادی تجاوزگران و عساکر داخلی در منطقهٔ تنگی ولسوالی دهراوود ولایت ارزگان چاپه زدند، که در نتیجه ۹ تن افراد ملکی بشمول یک کودک خردسال شهید و ۸ تن دیگر بشمول زنان زخمی شدند. همچنین در همین تاریخ در منطقهء دیوانه ورخ در انداخت هاوان عساکر داخلی ۶ زن و کودک شهید و زخمی شدند.
به تاریخ ۲ جولای : در چاپه مشترک اشغالگران و عساکر داخلی بر منطقه علیزو در نزدیکی پل علم مرکز ولایت لوگر بیش از ۲۰ تن از هموطنان ملکی شهید و زخمی شدند و یک مسجد نیز تخریب گردید.
به تاریخ ۱۲ جولای : طیارات اشغالگران ساحات مسکونی در شمولزو ولسوالی زرمت ولایت پکتیا را بمباران کردند که در نتیجه حولی شخصی بنام حاجی خاصدار تخریب و ۵ تن از اعضای خانواده اش بشمول زنان و کودکانش شهید شدند. پس از رویداد هنگامیکه مردم اجساد را از زیر خاک و خاشاک بیرون می کردند، برای بار دوم طیاران اشغالگران ساحه را بمباران کردندکه منجر به شهادت بیش از ۲۰ تن دیگر گردید.
به تاریخ ۱۹ جولای : طیارات اشغالگران ساحات مسکونی در منطقه خلازی ولسوالی چهاردره ولایت قندوز را بمبار کردند که در نتیجه بشمول زنان و کودکان در مجموع ۲۸ تن از هموطنان ملکی شهید شدند. پس از رویداد مقامات اشغالگر و حکومتی نیز بر تلفات مردمان ملکی اعتراف کردند.
به تاریخ ۲۹ جولای : نظامیان اشغالگر و عساکر داخلی بر خانه های ملکی از منطقه شهیدان تا بازار گل زمان ولسوالی میوند ولایت قندهار چاپه زدند، در نتیجه چاپه و عملیات ۱۶ فرد ملکی را شهید و تعداد بسیاری را دستگیر و زندانی کردند و وسایط نقلیه مردم را آتش زدند.
به تاریخ ۱۴ اگست : اشغالگران و عساکر داخلی مشترکاً در جریان چاپه ساحات کال قلعه، شیوان و سجویی مربوط ولسوالی بالابلوک ولایت فراه را بمبار کردند که زیان های مالی سنگینی به مردم ملکی و باشندگان وارد آمده است، و ۱۶ تن از هموطنان ملکی نیز شهید و تعداد زیادی زخمی شدند.
به تاریخ ۱۵ اگست : اشغالگران خانه های ملکی را در منطقهٔ دوآبی ولسوالی چهلگزی ولایت فاریاب بمبار کردند که در نتیجه بشمول زنان و کودکان ۱۰ تن شهید و زخمی شدند.
به تاریخ ۲۸ اگست : اشغالگران و عساکر داخلی در جریان چاپه بر منطقه لوری شاوبی مربوط ولسوالی شاولیکوت ولایت قندهار ۱۰ فرد ملکی را شهید و ۴ تن دیگر را زخمی کردند.
به تاریخ اول سبتمبر : سال روان ۲۰۱۸ میلادی اشغالگران و عساکر داخلی در منطقه کوزبهار ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار چاپه زدند که در جریان تلاشی ۱۱ تن از هموطنان ملکی را شهید کردند.
به تاریخ ۵ سبتمبر : عساکر داخلی در ساحهٔ گروچ ولسوالی بادپش ولایت لغمان عملیات کردند که بر اساس گفته های باشندگان محل در این عملیات عساکر ۱۱ تن از باشندگان ملکی منطقه را به شکل دسته جمعی به شهادت رساندند.
به تاریخ ۱۷ سبتمبر : اشغالگران و عساکر داخلی بر منطقهٔ ودیسار ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار چاپه زدند که در نتیجه ۱۶ تن از هموطنان ملکی را به شهادت رساندند.
به تاریخ ۱۹ سبتمبر : اشغالگران و عساکر داخلی بر منطقه پیتلاو در ولسوالی شیرزاد ولایت ننگرهار چاپه زدند که در جریان چاپه دروازه های خانه ها را با بمب منفجر کرده

و هنگام تلاشی اموال قیمتی و پول نقد دزدی کرده اند و نهایتاً با شهادت ۱۰ تن باشندگان ملکی منطقه را ترک کردند.

به تاریخ ۲۰ سبتمبر : در نتیجهٔ بمباران طیارات اشغالگران بر قریهٔ نورزی در ولسوالی سمکنی ولایت پکتیا ۴ فرد ملکی شهید و ۱۴ کودک زخمی شدند.

به تاریخ ۲۸ سبتمبر : عساکر اشغالگر و نیروهای اسپیشل فورس داخلی بر خانه های ملکی در منطقه برنوزاد ولسوالی نوزاد ولایت هلمند چاپه زدند که پس از چاپه ۲ حویلی و یک مسجد را بمباران کردند که منجر به شهادت ۱۰ تن از باشندگان ملکی منطقه گردید.

به تاریخ ۱۰ اکتوبر : اشغالگران و عساکر داخلی پس از درگیری با طالبان در منطقه بازار گل آغا مربوط ولسوالی نادعلی ولایت هلمند، طیارات اشغالگران منطقه را بمباران کردند و عساکر داخلی نیز منطقه را هدف سلاح توپچی قرار دادند که در نتیجه ۱۲ زن و کودک شهید و ۴ تن دیگر زخمی شدند. علاوه بر تلفات جانی، خسارات مالی سنگینی نیز به مردم منطقه وارد آمده است.

به تاریخ ۱۱ اکتوبر : پس از درگیری بین طالبان با اشغالگران و عساکر کماندوی داخلی، نیروهای اشغالگران با همکاری کماندوهای داخلی ۱۰ تن از هموطنان ملکی بشمول زنان و مردان کوچی را شهید و ۱۱ تن دیگر را دستگیر کردند.

به تاریخ ۵ نومبر : سال ۲۰۱۸ میلادی اشغالگران و عساکر داخلی بر بازار و قریه های نزدیک ولسوالی گیان ولایت پکتیکا چاپه زدند، براساس گفته های باشندگان محل در این چاپه ۲۱ تن از هموطنان که زنان و کودکان در میانشان بودند را با مرمی شهید کردند. همچنین نیروهای مشترک دوکان ها را چور کرده و اجناس قیمتی و پول نقد را از دوکان ها و خانه ها دزدی کرده اند.

به تاریخ ۲۰ نومبر : در بمباران طیارات اشغالگران و عساکر داخلی بر قریه آب بازک ولسوالی محمد آغه ولایت لوگر ۲۰ تن از اعضای یک خانواده بشمول زنان و کودکان شهید شدند.

به تاریخ ۲۷ نومبر : طیارات اشغالگران ساحات زنزیرداراب و کوشتی مربوط ولسوالی گرمسیر ولایت هلمند را بمباران کردند که در این بمباری بی رحمانه ۳۰ تن از هموطنان ملکی بشمول زنان و کودکان شهید شدند و خانه های بسیاری تخریب گردید. رویداد مذکور را مقامات حکومتی نیز تائید کردند.

به تاریخ ۱۳ دسمبر : اشغالگران و عساکر داخلی بر مناطق چوگام، برغندو و سوکنو ولسوالی شیگل ولایت کنر چاپه زدند، دها تن از هموطنان ملکی را از خانه هایشان بیرون کرده و شهید کردند و پس از آن تعداد زیادی از حویلی ها را که زنان و کودکان در آن بودند، بمباران کردند که براساس گفته های باشندگان محل ۶۵ تن از هموطنان مگلی شهید شدند و دها باب حویلی تخریب گردید. مقامات اداره ولایتی کنر نیز رویداد مذکور را تائید کرده اند، اما گفته اند که چند تن از طالبان نیز در این حمله کشته شده اند.

منابع : رادیوی بی بی سی، آزادی، آژانس اسلامی افغان، پژواک، ویب سایت های خبریال، لر او بر، نن ټکی اسیا و بینوا.





پیام ها و اعلامیه های رسمی امارت اسلامی افغانستان

اعلامیه امارت اسلامی در مورد شهادت والی صاحب هلمند الحاج ملا عبدالمنان آخند

بسم الله الرحمن الرحیم
قال الله تعالی :

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُم مَّن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُم مَّن يَنتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا ﴿الأحزاب: ٢٣﴾.

ترجمه : از مؤمنین بسا مردانی اند که راست کرده اند انچه عهد بسته بودند با خدا بر آن، پس بعضی از ایشان کسی است که به انجام رسانیده ذمه خود را و بعضی از ایشان آنست که انتظار می برد و به هیچگونهء تغییر ندادند عهد خود را.

با تاسف خبر بدست آوردیم که شام گذشته، مسئول نظامی و والی امارت اسلامی برای ولایت هلمند الحاج ملا عبدالمنان آخند در یک بمباردمان ناجوانمردانهء امریکایی های اشغالگر به مقام عالی شهادت نائل گردید. انا لله و انا الیه راجعون. شهید الحاج ملا عبدالمنان آخند که نام اصلی اش «الحاج ملا محمد رحیم» بود در برابر اشغال امریکایی ها با کمال متانت و دلاوری جنگید و پلان های بزرگ جنرالان امریکایی را خنثی نمود.

ملا عبدالمنان آخند مجاهد مطیع، دلاور، مخلص و با احساس بود که به اساس مبارزهء قوی و مدبرانهء خود ۹۵ در صد خاک هلمند را از وجود امریکایی ها و رژیم مزدور تصفیه کرده بود و زمینهء وسیعی را برای حاکمیت امارت اسلامی مساعد نموده بود.

الحاج ملا عبدالمنان آخند به حیث یک قدوه و نمونه در قلب های مجاهدین ما باقی می ماند، دلاوری و شجاعت او برای دیگران درس می باشد، شهید عبدالمنان آخند همچون خودش صدها تن بزرگان و افراد جهادی تربیه کرده است که جهاد و مبارزه در برابر دشمنان اشغالگر و مزدور را به وجه احسن به پیش می برند. و لله الحمد.

امارت اسلامی شهادت الحاج ملا عبدالمنان اخند را ضایعهء بزرگ برای ملت مسلمان و امارت اسلامی می داند. اما ملت، مجاهدین و تمام مخلصین را توصیه می کند که شهادت آرمان بزرگ هر مجاهد خورد و بزرگ ما است. با شهادت ها نه صف ما ضعیف می شود و نه هم دین و جهاد فی سبیل الله ضعیف می شود. خداوند متعال بجای شهدا، نعم البدل و رفقا و بزرگان قوی تر نصیب ما می نماید، اما حرف مهم این است که ما باید راه بزرگان مخلص، مطیع و دلیر خود را تعقیب نموده، به نقش قدم آن ها راه برویم و مبارزهٔ آن ها را زنده نگهداریم.

دشمن هم باید فکر نکند که با شهادت بزرگان ما، ارادهٔ ما را ضعیف می سازند و یا هم پیشرفتی خواهد کردند، بلکه برعکس شهادت بزرگان، احساسات و جذبات مجاهدین ما را دیگر هم به جوش و خروش می آورد و مبارزهٔ شان را در برابر اشغالگران و غلامان شان شدت می بخشند. ان شاءالله تعالی

امارت اسلامی افغانستان
۲۴/۳/۱۴۴۰هـ ق
۱۱/۹/۱۳۹۷هـ ش ــ ۲۰۱۸/۱۲/۲م

اظهارات سخنگوی امارت اسلامی در مورد راپورهای جعلی آژانس رویترز در مورد نشست ابوظبی

آژانس خبری رویترز در رابطه به نشست بین نمایندگان امارت اسلامی و جهت امریکایی در امارات متحده عربی، راپورهای نادرست و جعلی نشر می کند.
گفتگوها با جهت امریکایی برای پایان اشغال و مداخلهء امریکا در ابوظبی جریان دارد. در آنجا نه در مورد حکومت موقت، نه آتش بس، نه انتخابات و نه هم دیگر موضوعات داخلی بحث می شود. بلکه پایان اشغال محور گفتگوها است.
راپورهای جعلی که با حواله به منابع مجهول از سوی آژانس خبری رویترز به نشر می رسد جنبهء استخباراتی دارد و نباید کسی بر آن باور بکند.

ذبیح الله مجاهد سخنگوی امارت اسلامی
۱۴۴۰/۴/۱۱هـ ق
۱۳۹۷/۹/۲۷هـ ش ــ ۲۰۱۸/۱۲/۱۸م

اعلامیه امارت اسلامی به مناسبت ۳۹مین سالروز تهاجم شوروی بر افغانستان

۳۹ سال پیش در همین روز، نیروهای سرخ اتحاد شوروی بر افغانستان یورش وحشیانه آوردند.
همچون امریکای امروزی، اتحاد شوروی آن زمان نیز هنگام یورش بر افغانستان در صدد تسخیر جهان بود.
آن ها پس از سلطه بر اروپای شرقی می خواستند از راه افغانستان خود را به آسیای جنوبی به ویژه به آب های گرم هند برسانند. اما پیش از رسیدن به آب های گرم هند، چنان در طوفان خونین مقاومت افغان ها گرفتار شدند که حتی در پهلوی مسکو، کشورهای آسیای میانه نیز از سلطهء آن ها نجات یافتند.
مردم مجاهد افغانستان امروز در حالی ۳۹مین سالروز تهاجم شوروی های شکست خورده را تقبیح می کنند که به نصرت پروردگار و به برکت مبارزه هفده سالهء جهادی خود امریکایی ها را نیز با عین سرنوشت اتحاد شوری دچار ساخته اند، زور نظامی شان را از بین برده اند، در عرصه های سیاسی و تبلیغاتی نیز آنها را با ناکامی و رسوایی مواجه نموده اند و امریکا امروز در طولانی ترین جنگ تاریخ خود، راه بیرون رفت از افغانستان را گم کرده است.
اگر به واقعیت نگاه شود، ۳۹مین سالروز تهاجم وحشیانهء اتحاد شوروی سابق بهترین درس برای امریکا است، مقامات امریکایی باید چیزهای زیادی را از این روز بیاموزند، از شکست شوروی ها در افغانستان عبرت بگیرند و دیگر در خیال زور آزمایی با افغان های آزموده شده نباشند.
امارت اسلامی در حالیکه وحشت و مظالم قشون سرخ شوروی بر افغان ها را به شدید ترین الفاظ تقبیح می نماید، جهاد و مبارزهء ملت مسلمان خود را تمجید کرده و به آن افتخار می کند.
با استفاده از این فرصت یکبار دیگر به امریکایی های اشغالگر توصیه می کند که از راه تعقل و منطق از افغانستان خارج شوند و عوض زور آزمایی بی نتیجه به روابط دیپلوماتیک و اقتصادی تمرکز کنند.

امارت اسلامی افغانستان
۱۴۴۰/۴/۲۰هـ ق
۱۳۹۷/۱۰/۶هـ ش ــ ۲۰۱۸/۱۲/۲۷م

خواست مقام رهبری امارت اسلامی از مردم برای نماز استسقاء

چنانکه هموطنان عزیز آگاه هستند، در سال جاری با اینکه زمستان داخل شده است تا هنوز برف و باران در کشور نباریده است. زندگی مردم با مشکلات مواجه است، مواشی گرسنه اند و گیاه از بین رفته است.
برای اینکه خداوند متعال رحمت خود را بر ما نازل بکند، مردم از مشکلات نجات یابند و باران های رحمت ببارد. لازم است که تمام هموطنان مسلمان ما، اعم ازینکه در اطراف زندگی می کنند و یا در شهرها، نماز استسقاء بخوانند. از خداوند متعال طلب مغفرت و نزول باران بکنند و عجز و نیازمندی خود را به بارگاه پروردگار پیش بکنند.
برای اینکه این دعوت به تمام هموطنان برسد، علمای کرام، صالحین و مجاهدین برای این کار به طور خاص اهتمام بکنند، مجاهدین مسئول خصوصا مسئولان دعوت و ارشاد در مورد نماز استسقاء با مردم در تماس شوند و در یک فضای خوب از خداوند متعال تقاضای باران های رحمت بکنند.
خداوند متعال مشکلات ما و شما را حل بکند و با نزول باران های رحمت کشور ما را سبز و آباد بگرداند، آمین یا رب العالمین.

مقام رهبری امارت اسلامی افغانستان
۱۴۴۰/۴/۲۰هـ ق
۱۳۹۷/۱۰/۶هـ ش ــ۲۰۱۸/۱۲/۲۷م

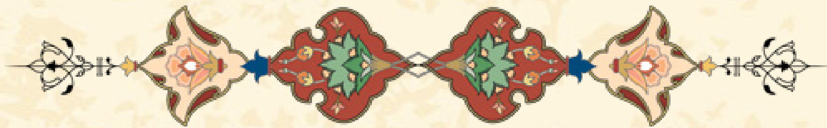
بزم شعر و ادب

گرداننده: ابو عابد

دربارهٔ آزادی

تو چون ستارهٔ بختم درین کرانه بیا
تو ای همای سعادت به آشیانه بیا
مرا توان رسیدن به مقدمت نه بود
قطار اشك به سویت بود روانه بیا
سراغ کلبهٔ آتش گرفته ای ما را؟
اگر گرفته ای آری به این نشانه بیا
مرا به نقطهٔ محراق هجر وا مگذار
که بی تو میزند آتش بمن زبانه بیا
بدل شکست بلور امید رویایم
به لب فسرد بسی غنچهٔ ترانه بیا
قدم خمید ز بیم اسارت دیگران
دلم گرفت زِ بیداد این زمانه بیا

ش. بدخشانی



طالب جان ته !

یوه دنیا مو هیلي ارمانونه دي — تاته مو طالبه امیدونه دي
پام کړه اطاعت د أمراوو کړه — ایښي دي دښمن درته دامونه دي
دې صف ته په مازي نظر مه ګوره — فضل، پرې ځار سوي څه سرونه دي
ته د مسلمه امت رهبر شولې — هر ځای چي زمو ږ خویندي او وروڼه دي
فکر کي باګرام ګوانتنامو لره — ډک مو له ملګرو زندانونه دي
ستره قرباني افغان ولس ورکړه — هره ورځ بمبار وي وحشتونه دي
وایمه زهیب زما د حجرې یاره ! — ټینګ کړه خپل مورچل او سنګرونه دي

حافظ محمد قاسم زهیب

مناجات

ای خدا ای رحم تو پیکان ماست / عجز، وبی کاری،وخواری آن ماست
تو بُدی گَر راهِ حکمت، بی درنگ / بَرگُماشتی بَسی جلادانِ فرنگ
مازِتو،سوی خودی از تورمان / بَسکه نشناختیم از تو امتحان
توبه توبه ای خدای ذالجلال / از تکبر، از غرور و از جِدال
تو بُدی کانرا که ایمان دادهٔ / هم ثُباتُ و عقلُ و اِحسان دادهٔ
ما به چه نازیمُ چه از آن ماست / رحمِ تو، احسان تو ،درمان ماست
سالها خِرسی جهان ای کردگار ! / بُرد یُورِش ظلم کردند اختیار
توبُدی ای قادرِ دانای (راز) / که شکِستاندی وَرا ای بی نیاز
ماسبب کردیمُ لاکن چه سبب ! / آن سبب هم از تو ای ربِ سبب
تو زِ تقدیر و قضای خُود خدا ! / رنگ دادی شیر شُد تدبیرِ ما
ورنه ما ماتیم ما در بُردُ ومات / گرندادی رحمتت مارا نِجات
عجز آوردیمُ و سر در آستان / آستان تو پناهِ بی کسان
مسجد و ممبر ملا و پیرما / خانقاهُ وسالک و زنجیرِما
درشُدُ . و بمباردمان پایکان / رغم کردند مردمانُ وخانمان
هیچ نایَد دستِ ماخالی . زِما / بهرِ ترغیبِ سفاکان جُز دعا
صدهزاران شکر ای مولای ما / ازغمُ و رنجُ و بلا مأوای ما
آن عمر غازی بما آوازکرد / راست شد ! آخر بَلا اِعراض کرد
رفت در باتلاق گُوَزن شاخدار / این بوَد نادِر سزای کِردگار
میکَشَدجان !! ما تماشَ میکنیم / ای خدا شکرست مُولا میکنیم
توبه توبه اَلاَمان ازعُجبُ وریب / توحکیمی سِرِّ محکومان بجیب
ساقیارا ! گر رَمَد دشمن ذلیل / این قضا بشناس ازربِ جلیل

ساقیار

تعهد و استقامت امارت اسلامی

امارت اسلامی از آغاز تهاجم امریکا بر کشور عزیز در برابر اشغال به مبارزه پرداخته است، با جرات، تدبیر و متانت خود برای دشمن ثابت کرده است که ریشه های عمیق و گسترده‌ء مردمی دارد و امارت اسلامی یك گروه نه، بلکه روند و حرکت بزرگ مردمی است.

دشمن تبلیغات زیادی منفی را بر ضد امارت اسلامی به راه انداخت، عملیات های وحشیانهء نظامی انجام داد و تحریم های گوناگون وضع کرد. اما امارت اسلامی به نصرت پروردگار، همکاری و پشتیبانی ملت غیور و کمال اخلاص و تدبیر بزرگان خود علی رغم این همه فشارها و تحریم ها، کامیاب و سرفراز شد.

رژیم کابل همواره جهاد کنونی افغان ها به سرکردگی امارت اسلامی را به بیگانگان نسبت داده است، از واقعیت ها فرار کرده و شعارهای دروغین صلح بلند کرده است. اما امارت اسلامی پالیسی خود را در قبال صلح در کنفرانس های مختلف بین المللی ارائه کرده است و از سوی کشورهای مهم منطقه و جهان استقبال شده است.

خوشبختانه، اشغالگران نیز درین اواخر واقعیت ها را به حدی درك کردند، با امارت اسلامی به گفتگوهای ابتدایی پرداختند و آمادهء حل مسالمت آمیز برای پایان دادن معضل کنونی افغانستان شده اند. امارت اسلامی نگرانی ها و برداشت های نادرست اشغالگران را پاسخ گفته و اصرار کرده است تا زمانی که اشغالگران کاملا از کشور ما بیرون نشده اند، به مبارزهء جهادی خود ادامه می دهند.

بزرگان امارت اسلامی از تاسیس امارت تا اکنون بارها ثابت کرده اند که در برابر استقلال کشور و منافع ملی خود هیچگونه معامله نمی کنند، برای تحقق آرمان های مردم مظلوم و مجاهدین جان بکف سنگرها متعهد می باشند، در برابر هر گونه فشار دشمن هیچگونه موقف ضعیف نمی گیرند و برای داعیهء خالص اسلامی و برای هدف مقدس خود از هیچگونه قربانی دریغ نمی کنند.

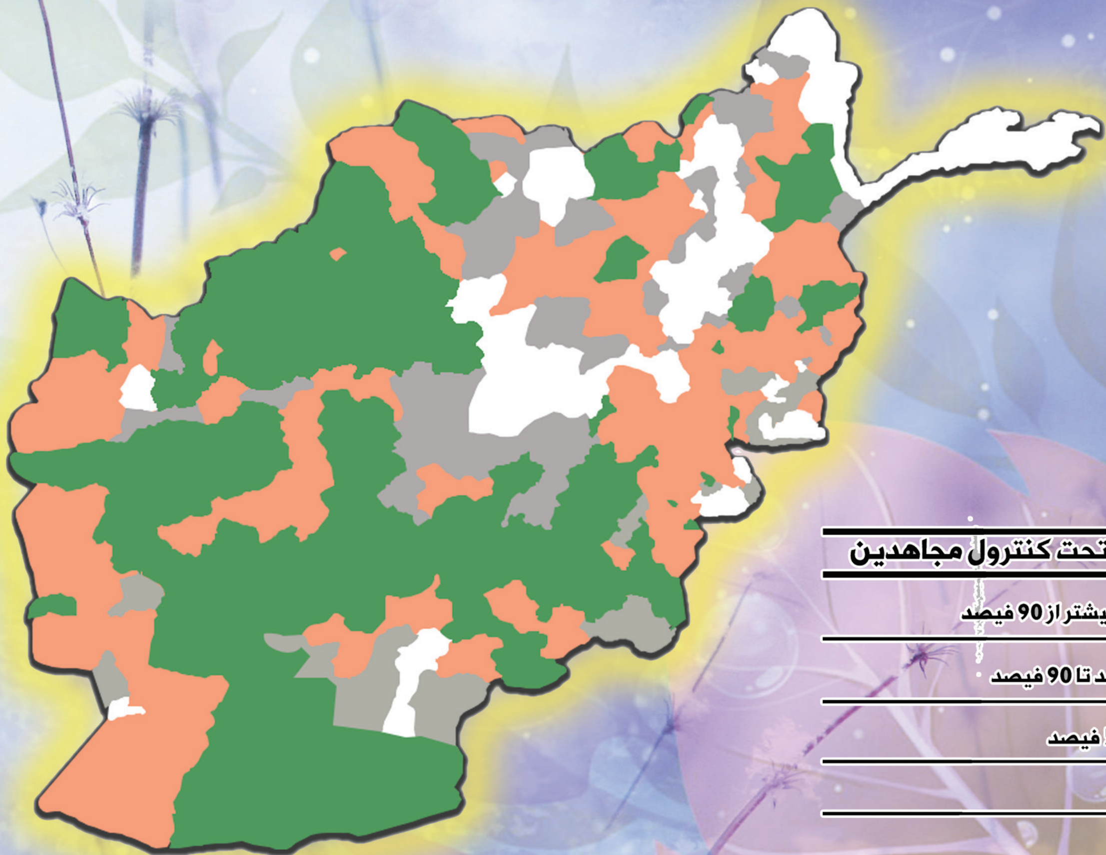
امارت اسلامی در عرصهء سیاسی نیز همچون عرصهء نظامی اشغالگران و مزدوران آنان را از پا درآورده اند، از اهداف شوم دشمن پرده برداشته اند و پلان های زیادی اشغالگران و دشمن داخلی را خنثی کرده اند. ما باور داریم که امارت اسلامی در هر بعد معضل کنونی کشور برنده است.

(برگرفته از وبسایت الامارہ دری)

Haqiqat

Islamic, Political & Jihadi Bimonthly Magazine

افغانستان در سال 2018 میلادی



ساحات تحت کنترول مجاهدین

- همه و یا بیشتر از 90 فیصد
- از 50 فیصد تا 90 فیصد
- کمتر از 50 فیصد
- هیچ

IEA Control

- Complete or over 90%
- 50% to 90%
- Less then 50%
- None